



اسرای طبقه کارگر را آزاد کنید!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)
Worker-Communist Party Hekmatist
hekmatist.com

ویژه‌ی زندانیان، هفت تپه

۲۴۲

کمونیست

ماهانه منتشر میشود آگوست ۲۰۱۹ مرداد ۱۳۹۸

www.hekmatist.com

کارگران هفت تپه و شلاق سرمایه

(در حاشیه یک جدال)



خالد حاج محمدی

اخبار محاکمه کارگران هفت تپه و حامیان آنها و کارگران فولاد، امروز در راس فضای سیاسی جامعه ایران است. تلاش حاکمیت برای حاشیه ای کردن یک جدال واقعی و صادر کردن احکام سنگین برای زندانیان هفت تپه و گذار بی دردسر از این تند پیچ به شکست انجامید. این شماره کمونیست ماهانه، به این جدال پرداخته است و گوشه ای از تلاشهای تاکتونی و حمایت از زندانیان هفت تپه را در خود جای داده است.

کارگران هفت تپه و فولاد و خانواده های آنها، دهها مرکز کارگری از شرکت واحد تا هپکو و پتروشیمیها و...، میلیونها انسان شریفی که از شوش و اهواز تا همه مراکز کارگری، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ایران، از مراکز تحصیلی و آموزشی، تا صف بازنشستگان، پرستاران و...، در دل اعتصابات کارگری فولاد و هفت تپه، چشم امید به پیروزی آنها بستند، امروز هم منتظر نتایج این جدال در دل محاکمات زندانیان هفت تپه هستند. امروز هم خود را در کنار زندانیان هفت تپه و حامیان اعتصابات این دو مرکز میدانند. امروز هم آینده هفت تپه ای ها و فولادی ها، نتیجه محاکمات و پرونده سازی ها برای بیش از صد کارگر این مراکز، برای طبقه کارگر ایران و مردم از ادیخواه جایگاه ویژه ای در سیاست ایران و در جنبش کارگری و در جنبش برابری طلبانه این جامعه دارد.

اعتصابات هفت تپه و فولاد و مقابله و مقاومت آنها در مقابل کارفرمایان و حکومت آنها، در مقابل ارگانهای سرکوبگر و مراکز اطلاعاتی و شکنجه گر آنها، در مقابل واعظین مرتجع و رسانه های حکومت و حقه بازان خانه کارگر و بقیه عمال سرمایه، برای طبقه کارگر ایران بخشی از جدال وسیع یک طبقه برای رفاه، آزادی و امنیت در مقابل حکومت سرمایه داران بود.

صدای کارگران فولاد و هفت تپه در این جدال، شعارها و مطالبات آنها، سخنرانی رهبران و فعالین آنها، تجمعات وسیع و تصمیمات جمعی آنها، حق طلبی و حق به جانبی آنها، تلاش خانواده ها و همراهی آنها و حمایتهای بخشهای مختلفی از جامعه از اعتصابات آنها، همگی، گوشه ای از یک جدال بزرگتر طبقاتی به وسعت جامعه بود. این جدال در جریان اعتصابات این دو مرکز علنا و آشکارا در صف متحد کارگران این مراکز، در سخنرانی های پرشور رهبران و سخنگویان کارگران، به روشنی نمایندگی شد و به گوش میلیونها انسان رسید. حول این جدال جامعه قطبی شد، کارگران و دلسوزان و حامیان آنها، صف عدالتخواهی و برابری طلبی، صف ضدیت با استثمار و بردگی، در مقابل اقلیتی مفت خور از سرمایه داران و عمال آنها در حاکمیت، در مقابل هم ایستادند. همه اوباش و جیره خوار و مزدوران و نوکران طبقه سرمایه دار، علیه عدالتخواهی کارگران بسیج شدند. همه ترفندها، توطئه ها و شگردهای و تجارب مراکز اطلاعاتی و ماموان شکنجه و کشتارشان،

محاکمه هفت زندانی،

گوشه ای از یک جدال طبقاتی و اجتماعی!

امروز ۱۲ مرداد ماه، ۷ زندانی سیاسی "اسماعلی بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان، عسل محمدی، ساناز اله یاری، امیرحسین محمدی فرد، امیرامیر قلی" از رهبران کارگری و حامیان حقوق کارگران در دادگاه انقلاب تهران حضور یافتند تا بار دیگر و رو در روی قضات مدافع سرمایه و سرکوب از معیشت و امنیت و آزادی کارگران و زحمتکشان و محرومان دفاع کنند. همزمان نیروهای نظامی و امنیتی رژیم خیابان معلم محل دادگاه را اشغال و از حضور خانواده های زندانیان و حامیانشان جلوگیری به عمل آوردند. در همان لحظات اول سه نفر از مدافعان حقوق کارگران و زندانیان به اسامی رهام یگانه، هیراد پیر بدایق و فرید لطف آبادی توسط ماموران لباس شخصی دستگیر و به پلیس امنیت انتقال دادند.

صفحه ۲

دادگاهی کردن کارگران معترض و مدافعان آنها

گفتگوی رادیو نینا با ثریا شهابی

صفحه ۳

بیدادگاه جمهوری اسلامی و محاکمه ی

نان، کار، آزادی

"گفتگوی فواد عبداللهی با مظفر محمدی"

صفحه ۶

محاکمات زندانیان هفت تپه، منشا یک

جدال بزرگ

مصاحبه رادیو نینا با امان کفا

صفحه ۵

نامه های حمایتی از زندانیان هفت تپه

حمایتهایی از ایران - حمایتهای بین المللی

صفحه ۷

آکسیون های تشکیلات خارج از کشور، در اعتراض به دادگاهی زندانیان هفت تپه

لندن - گوتنبرگ - کلن

صفحه ۱۷

در این شماره می خوانید:

جمهوری اسلامی در تنگنا/ آذر مدرسی (صفحه ۱۸)

نظامی که در مقابل سپیده جوان به زانو در آمده است! (صفحه ۱۸)

طبقه کارگر در "عدالتخانه" سرمایه / خالد حاج محمدی (صفحه ۱۸)

دو کیفرخواست! (صفحه ۱۹)

اسرای طبقه کارگر را آزاد کنیم! (صفحه ۱۹)

قمار "بازنده ها" با زندگی زندانیان هفت تپه (صفحه ۲۰)

در دفاع از خواست امیرحسین محمدی فرد و ساناز الهیاری (صفحه ۲۰)

از کمپین حمایت از زندانیان هفت تپه تا اعتصاب غذای فعالین نشریه گام / مصاحبه رادیو نینا با خالد حاج محمدی

(صفحه ۲۱)

روزگار این روزهای هفت تپه از زبان کارگران: (صفحه ۲۲)

گزارش تجمع اعتراضی لندن برای آزادی کارگران و زندانیان سیاسی ۸ جون (صفحه ۲۳)

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران هفت تپه و ...

این عزیزان بخشی از هر اعتراض و مبارزه ای از مراکز کار تا محلات کارگری، از دانشگاه و صف معلمین تا میدانی شهرها و از جنبش حق زن تا صف بازنشستگان خواهد بود. امروز و به همین اعتبار است که برای اسماعیل بخشی ها، برای سپیده قلیانها و برای... شعرا شعر میگویند، نوازندگان مینوازند و هنرمندان هنر نمایی میکنند. آنها در قلب میلیونها انسان جای دارند.

آنچه نوید بخش است، امیدی است که به یمن مبارزات این دوره، در جامعه و با اتکا به کارگران کمونیست و برابری طلب شکل گرفته است. فضای جنگی و لشکر کشی آمریکا و هیاهوی حاکمیت برای گسترش این فضا به کل جامعه همراه با حربه محاصره اقتصادی، هیچکدام طبقه کارگر ایران و مردم شرافتمند را به تمکین و سکوت و انداختن. مردم آزادیخواه ضمن اعلام نفرت از قلداری آمریکا فراموش نکرده اند که میدان جنگ با حاکمین را خالی نکنند و تعرض همه جانبه حکام سرمایه را در همه زمینه ها از زندانیان هفت تپه، تا معلمین و بازنشستگان تا حمله به زنان و.. بی جواب نگذارند.

دفاع از زندانیان هفت تپه و ایستادن کنار آنها و خانواده هایشان، ایستادن کنار همه کارگرانی که در حال محاکمه هستند، برای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران، میدان جدالی در دفاع از بهبود زندگی، علیه فقر و بی حقوقی و در دفاع از حرمت و کرامت انسانی است.

۱۲ اوت ۲۰۱۹

مشتی سرمایه دار و نوکران و سخنگویان آنها در حاکمیت بود. نگرانی آنها از الگویی بود که در این مراکز و از زبان سخنگویان آنها در جنبش کارگری نمایان شد و در سطح جامعه حول آنها سمپاتی ای به وسعت طبقه کارگر شکل گرفت. هفت تپه ای ها و زندانیان آنها برای جامعه کارگری و هر انسان شرافتمند و عدالتخواهی سخنگویان و فعالین جنبشی هستند که ضد استثمار و ضد حاکمیت اقلیتی مفت خور و در دفاع از زندگی ای در شان انسان، در دفاع از جامعه ای آزاد و برابر، قد علم کرده اند و هنوز هم با اتکا به جنبش خود حتی در زندان با قامت بلند ایستاده اند.

حاکمین حتی اگر بتوانند به زندانیان هفت تپه و حامیان آنها احکام سنگین بدهند، حتی اگر فرصت پیدا کنند بقیه کارگران هفت تپه را محاکمه کنند و حتی اگر فرصت پیدا کنند پرونده های مهندسی شده خود برای کارگران فولاد را باز و آنها را نیز محاکمه کنند، در این جدال بازنده اند. محاکمه و زندان و اعدام چهل سال است به وسعت ایران از جانب جمهوری اسلامی در جریان است. اما امروز این دیوار توحش و بربریت شکاف برداشته است. توان جمهوری اسلامی در هیچ زمینه ای پر کردن این شکاف و از نو ساختن دیوار استبداد نیست. امروز ورق برگشته است و با زندانی کردن هر اسماعیل بخشی و نجاتی و سپیده قلیانی، صدها نفر از جنبش برابری طلبانه کارگری پا پیش میگذارند. با زندانی کردن روزنامه نگارانی چون، امیر حسین محمدی فرد ها، ساناز الهیاری ها، عسل ها و...، طیف دیگر صدای حق طلبی کارگران را علیه سرمایه داری و حاکمیت شنیع و متعفن آن، به گوش جهانیان میرسانند.

طبقه کارگر ایران، زنان و مردان آزادیخواه، نسل جوان برابری طلب، کارگران هفت تپه و حامیان آنها را فراموش نخواهد کرد. تلاش برای آزادی

محمدی فرد، ساناز الهیاری، امیر امیر قلی و عسل محمدی. همزمان با روز اول دادگاهی اسماعیل بخشی در تجمع خانواده های زندانیان و حامیان آنها در مقابل دادگاه انقلاب، مزدوران لباس شخصی سه نفر از حامیان خانواده زندانیان به اسامی رهام یگانه، هیراد پیربدایی و فرید لطف آبادی نیز دستگیر و روانه زندان شدند. در همین مدت و بر اساس اخبار منتشره از سندیکای کارگران هفت تپه و "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترفیخواه" محاکمه و دادگاهی ۱۷ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در جریان بوده است و تا کنون ۷ نفر از کارگران در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری شوش محاکمه و به هر کدام ۸ ماه حبس تعلیقی و ۳۰ ضربه شلاق داده اند و بقیه نیز در همین چند روز آینده محاکمه خواهند شد. علاوه بر این هنوز حدود ۵۰ نفر از کارگران فولاد صاحب پرونده های قضایی به جرم حق طلبی و مبارزه و اعتراض به بی حقوقی و دزدی و چپاول از جانب صاحبان سرمایه هستند.

این حقایق نشان از جایگاه مهم این جدال هم برای حاکمین و هم برای طبقه کارگر ایران است. این جدال و همه اقدامات و ترفندهای حاکمیت، از محاکمات در پشت درهای بسته تا تهدید وکلای زندانیان و احضار آنها، از حکم قرون وسطی شلاق برای ۷ نفر دیگر از کارگران هفت تپه، تا پروسه محاکمات و کش و قوس دادن آن، بیان ترسی عمیق و بزرگ حاکمیت از طبقه کارگر و عروج این طبقه زیر پرچم عدالتخواهی او است. نگرانی سرمایه داران و جمهوری اسلامی آنها، عروج طبقه کارگر ایران با پرچم آزادی و برابری، با پرچم عدالت اجتماعی، با رهبران و سخنگویان خود و با افق و آرمانهای سوسیالیستی این طبقه است. هفت تپه و فولاد اگر برای صف ارتجاع خاری در چشم آنها شده است، عروج یک حق طلبی، عروج حق بجانبی کارگران در مقابل

در این دوره استفاده شد، تا هفت تپه ای ها، فولادی ها و حامیان آنها را تسلیم کنند. تا اراده آنها را بشکنند، و از این کانال طبقه کارگر ایران و رهبران و سخنگویان آنها را به این قناعت برسانند، که دنیا همین است و باید بردگی را قبول کرد. حمله شبانه به کارگران اعتصابی، تهدید به بستن مراکز کارگری و اخراج کارگران، تهدید به فعالین و سخنگویان آنها، اخراج کارگران معترض، بسیج خانه کارگر و عمال شورای اسلامی و گسیل واعظین رجز خوان ضد کارگر برای ایجاد تفرقه و چند دستگی در میان کارگران و سرانجام حمله به اعتصابیون در این دوره، روی کارگران این دو مرکز آزمایش شد. شکنجه و اعتراف گیری از زندانیان، تلاش برای سرهم بندی کردن پرونده های خود ساخته، به هم دوختن اطلاعات خبرچینان و جاسوسان و ماموران آنها، و سرانجام سناریوی سوخته آنها، همگی در میان مردم آزادیخواه، در میان طبقه کارگر ایران، برای حاکمیت بی آبرویی بیشتر و شکست مفتضحانه به بار آورد. همه این دسیسه ها نه تنها کارگران این مراکز و رهبران و فعالین و مدافعان آنها را نا امید نکرد، نه تنها آنها را از عدالتخواهی و دفاع یک زندگی انسانی پشتیبان نکرد، بلکه مبارزه و جدال آنها را از هفت تپه و فولاد خارج و به جدال بزرگتری به وسعت جامعه تبدیل کرد. امروز دو سر این جدال فقط هفت تپه ای ها و فولادی ها نیستند، امروز در مقابل محاکمات کارگران هفت تپه و فولاد، صفی وسیع از شوش و اهواز تا تهران و از ایران تا کشورهای اروپایی قرار گرفته است.

این روزها محاکمه ۷ نفر از کارگران هفت تپه و حامیان آنها در جریان بود، محاکمه اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان، امیر حسین

محاکمه هفت زندانی، ...

گفته می شود که دادگاه فرمایشی دستگاه قضایی در پشت درهای بسته پس از شنیدن دفاعیات اسماعیل بخشی، ادامه محاکمات را به روزهای بعد موکول کرده است. قضات جمهوری اسلامی تلاش می کنند تا به زعم خود، فشار اعتراضات گسترده را کم کرده، خانواده های زندانیان را خسته و حامیان زندانیان را به بازداشت تهدید کنند. پاسخ طبقه کارگر و زحمتکشان و آزادیخواهان جامعه به این شیوه ی مزورانه ی دستگاه قضایی تشدید فشار و هر چه گسترده تر شدن صدای اعتراض و پای فشردن بر آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی است.

فشار اعتراضات مدافعان حقوق کارگران و خواستاران آزادی زندانیان سیاسی در ابعاد وسیع داخل ایران و در سطح بین المللی از طرفی و اتهامات بی اساس دستگاه قضایی از طرف دیگر، موجب ترس و وحشت دستگاه سرکوب رژیم از تقابل رودررو و علنی است.

محاکمه هفت زندانی سیاسی پشت درهای بسته، بخشی از یک کشمکش عظیم اجتماعی بین طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و جمهوری اسلامی است. به محاکمه کشیدن فعالین کارگری و سیاسی، تعرض به آزادی بیان و تشکل و اعتصاب است. مطالبه ی آزادی و دفاع کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان از معیشت و نان سفره خانواده هایشان یک جدال طبقاتی و

اجتماعی به وسعت طبقه کارگر و میلیون ها انسان جامعه ی ما علیه رژیم فاسد و سرکوبگر سرمایه داران است.

جمهوری اسلامی نمیتواند با فشار سرکوب و شکنجه ی جسمی و روانی بخشی از فعالین و رهبران کارگران و فعالین سیاسی و مدنی، فریاد میلیونی گرسنگان و محرومان را در گلو خفه کند.

همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. بازداشت سه تن دیگر از حامیان زندانیان جرایم جدیدی است که رژیم مستاصل و وحشت زده از اعتراض گسترده ی مردم به پرونده ی خود می افزاید. بازداشت شدگان امروز باید فوراً آزاد

شوند. حزب حکمتیست (خط رسمی)، طبقه کارگر ایران و همه ی آزادیخواهان جامعه را به تشدید فشار و اعتراض گسترده برای آزادی همه ی زندانیان سیاسی بدون اتلاف وقت و بدون قید و شرط، فرا می خواند.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست (خط رسمی)
۱۲ مرداد ۹۸ (۳ اوت ۲۰۱۹)

ادامه صفحه ۱

به این حزب پیوندید!

به حزب حکمتیست (خط رسمی) پیوندید، رهنمودها و فراخوان هایش را وسیعاً بدست فعالین و دست اندرکاران مبارزات کارگری و مردم محروم، برسانید و به آن عمل کنید! برای این حزب تبلیغ کنید!

آن را به همگان بشناسانید! هیچ کمونیست، سوسیالیست، رهبر کارگری، سازمانده اعتراضات برحق محرومین، فعالین و سخنگویان رادیکال زنان، نباید بیرون از این حزب بماند!

آینده میتواند از آن ما، از آن طبقه کارگر، از آن محرومین و از آن زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، از آن تشنگان آزادی و برابری باشد. اگر بدور حزب خود گردآییم! با آن متحد و متشکل شویم! در این حزب بر روی همه شما، باز است! به این حزب پیوندید!

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

دادگاهی کردن کارگران معترض و

مدافعان آنها

گفتگوی رادیو نینا با ثریا شهابی



مقدمه: متنی را که میخوانید متن پیاده شده گفتگوی رادیو نینا با من است که ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۹، تحت عنوان“ در باره‌ی دادگاهی کردن کارگران معترض و مدافعان آنها ”پخش شد .این متن توسط رفیق عزیزم سعید محمدی پیاده ویرایش شده است .با تشکر از رفیق سعید.

شادی مطیعی: با سلام .من شادی مطیعی هستم و با یکی دیگر از برنامه‌های رادیو نینا در خدمت شما هستیم .مهمان امشب برنامه‌ی ما ثریا شهابی است .ثریا شهابی عزیز به برنامه‌ی امشب ما خوش آمدید .

همانطور که می دانید در روز دوازدهم مرداد در ساعت ده صبح کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در تهران محاکمه می‌شوند .این جلسه‌ی محاکمه و دادگاهی همه‌ی کسانی است که در جریان تجمعات سال گذشته‌ی کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در شهر شوش بازداشت شدند .در این دادگاه به اتهامات علی نجاتی، اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و اعضای تحریریه‌ی نشریه‌ی" گام " امیرحسین محمدی‌فرد، و ساناز الهیاری و چند نفر دیگر رسیدگی خواهدشد .

ثریا شهابی به نظر شما این شخصیت‌ها چه معنی سیاسی‌ای دارند؟ جرم‌شان چیست؟ چطور جمهوری اسلامی که ظاهرا رژیم مستضعفین بود امروز کارگر را می‌خواهد محاکمه کند؟

ثریا شهابی: محاکمه‌ی کارگران معترض و حامیان‌شان پدیده‌ی جدیدی نیست .چهل سال است که در ایران در جریان است .بدون دستگیری و محاکمه و ترور و شکنجه و زندان و حذف فیزیکی و تخریب روحی و روانی فعالین و هر معترضی، جمهوری اسلامی نه حکومت می‌شد و نه می‌توانست حتی یک روز حکومت کند .

چیزی که عوض شده است وضع بالا و پایین است .موقعیت حاکمیت و جنبش‌های اعتراضی، خصوصاً چپ و کارگری است .تا قبل از هفت تپه و فولاد، که ادامه‌ی تحرکات پسادی‌ماه هم بود، جنبش اعتراضی و فعالیت سیاسی یک شیفت) تغییر رویه (خیلی عظیمی کرد .جنبشی که برای برخورداری از حداقل آزادی های سیاسی و رفاه و امنیت در موقعیت دفاعی بود، از بعد از دی‌ماه و هفت تپه و فولاد، به یک جنبش تعرضی تبدیل شده‌است .درست است که جمهوری اسلامی دستگیر می‌کند، زندانی می‌کند و تلاش می‌کند از همان حربه‌های قدیمی استفاده کند، از جمله مستند سازی و اعترافات تلویزیونی و انواع و اقسام مشکلات اقتصادی و تحمیل فقر به خانواده و اذیت و آزار خانواده، منتها هر حرکتی که حاکمیت انجام دهد تبدیل به عکس آن می‌شود و جنبش وسیع‌تر و اجتماعی‌تر در مقابل آن قرار می‌گیرد .

شما اشاره کردید و پرسیدید چه بر سر " حکومت مستضعفان، "آمده است .این حکومت مجبور است که کلاه شعبده‌بازی" حکومت مستضعفان " را کاملا کنار بگذارد .و این کار را کرده‌است . طبقه‌ی کارگر را رسماً مورد تعرض قرار می‌دهد، رسماً پرچمدار فقر و محرومیت است و می‌گوید" این وضعیتی است که باید آن را قبول کنید ."اتفاقی که افتاده است تغییر توازن قوایی است که رنگ خودش را به همه چیز در جامعه زده‌است .

این دادگاهی که اینها دارند برگزار می‌کنند شبیه دادگاه های قبل نیست، شبیه دادگاه" دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب نیست"، شبیه دادگاه های پی در پی محاکمه‌ی فعالین کارگری، دست‌اندرکاران تشکل های کارگری، فعالین حقوق زن و دانشجویان خواهان آزادی‌های سیاسی یا خواهان عقب زدن نیروی سرکوب در دانشگاه نیست .شبیه هیچکدام از این دادگاه‌ها نیست .اگر بخواهیم برای این دادگاه مشابهی قائل

می‌شود کل جامعه اعتماد به نفس دیگری پیدا بکند .

این یک جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی است . و در دادگاهی که می‌خواهند تشکیل بدهند، این فقط سپیده قلیان و اسماعیل بخشی و علی نجاتی و ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی‌فرد و امیر امیرقلی و تعدادی دیگر از فعالین نیستند که محاکمه می‌شوند، بلکه این در ادامه‌ی جنگ‌شان با مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است که از کردستان تا جنوب و واز شرق تا غرب، سراسر ایران را گرفته است .و شما پژواک و حلقه‌ی حمایتی آن را در خارج کشور در بین این اتحادیه‌های کارگری می‌بینید .اینها در برخورد با چنین پدیده‌ای با کشتن چند نفر و با قرار دادن آنها در وضعیتی که به اعتصاب غذایشان ادامه بدهند، حتی اگر نابودی فیزیکی این فعالین را در برنامه داشته باشند – و امیدواریم که هرگز نتوانند این کار را بکنند - نمی‌توانند این جنبش را خفه کنند .

این دادگاه محاکمه‌ی یک جنبش است .جنبشی به وسعت ایران .جنبشی به وسعت آزادبخاوهی در ایران، که حول مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر شکل گرفته است .و این یک نقطه‌ی عطف است .ما شاید فردا شاهد این باشیم که این دادگاه وقتی که تاریخ به آن رجوع می‌کند، از آن به عنوان یک نقطه‌ی عطف در تقابل حاکمیت و محکومین و در تغییر توازن قوا از آن یاد کند .نمی‌توان دقیقاً پیش بینی کرد که چه اتفاقی می‌افتد .

رژیمی که با فریبکاری به نام مستضعفین اما علیه محرومین و علیه طبقه‌ی کارگر به قدرت رسید، می‌بینیم که امروز چگونه توسط شخصیت ها، چهره ها، فعالین و کاراکترهای جنبش کارگری به چالش کشیده میشود .به یک چالش سرنوشت ساز . این حلقه‌ای از یک تحرک عظیم اجتماعی است که شما امروز شاهد پیشروی های آن هستید .می‌بینید که اجتماعی که در حمایت از خانواده‌ها شکل می‌گیرد و در مقابل زندان، و خواست علنی برگزار شدن دادگاه که توسط وکلای این پرونده ها و توسط فعالین سیاسی در ایران مطرح می‌شود، این جنبش را وارد یک فاز) مرحله (دیگری کرده است .

به هرحال این محاکمه، محاکمه‌ی تعدادی فعال سیاسی و دست اندکار مبارزات کارگری نیست ! تنها محاکمه‌ی شخصیت ها و کاراکترهای برجسته در یک جنبش عظیم نیست !بلکه محاکمه‌ی یک جنبش است .محاکمه‌ی یک جنبش برای آزادی عقیده و بیان، محاکمه‌ی یک جنبش برای رفاه و محاکمه‌ی یک جنبش برای امنیت است .و تمام حربه های قدیمی را از حکومت گرفته و آنها را بی اثر کرده است .امیدوارم توانسته باشم به سواتان پاسخ داده باشم .

شادی مطیعی**:** سوال دیگری که مطرح است این است که علیرغم این که در این مدت جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرده که به بهانه‌ی خطر جنگ با آمریکا فضای استیصال و رُعب در جامعه ایجاد کند تا کسی به محاکمه و زندانی شدن کارگران هفت تپه و فعالین سیاسی توجهی نکند، به نظر می‌رسد که موفق نشده است .حتی بلندگوهای منباهای فارسی زبان هم به محاکمه‌ی کارگران هفت تپه پرداخته‌اند و سازمان ملل متحد هم به شیوه‌ای به آن اشاره کرده است .در خود ایران هم شاهد تحرکاتی هستیم در محکوم کردن محاکمه‌ی این عزیزان .سوال من این است که چه فاکتوری این قدرت را از جمهوری اسلامی سلب کرده است که کارگران هفت تپه و رهبران آن را به بهانه‌ی جنگ با آمریکا از حافظه‌ی جامعه پاک کند؟ چه فاکتوری در صحنه‌ی سیاسی ایران باعث شده است که استیصال به جامعه تحمیل نشود؟

ثریا شهابی: یک فاکتور آن گسترش این مبارزه است .به عنوان یک فکت) واقعیت (به آن اشاره می‌کنم .ببینید، این جنبشی که در حال حاضر در جریان است – یعنی جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش برای رفاه، جنبش برای امنیت، که بارقه‌هایش را در این جنبش می‌بینید - هر روز گسترش پیدا می‌کند .مهم این نیست که تظاهرات‌های عظیمی انجام نمی‌شود .اما هر قدمی که حکومت برمی‌دارد می‌بینید که مبارزه‌ی در درون زندان را به جریان می‌اندازد .

طبعاً زندانی سیاسی نمی‌تواند در زندان و در اسارت، دشمنش را شکست بدهد .شکست

جمهوری اسلامی کار جنبش اجتماعی بیرون از زندان است .طبعاً اعتصاب غذا شیوه‌ای نیست که هیچ سازمان سیاسی" یا بر زمین)" واقع بین (و مسئولی آن را توصیه کرده باشد و یا تبلیغ کرده باشد که" خوب است که اعتصاب غذا به یک ترند (روند، گرایش (تبدیل بشود ."که امروز میبینیم که این اتفاق افتاده است .اینگونه نیست .تأثیرات مخرب آن بر سلامت و جان تک تک این عزیزان و تک تک این چهره‌هایی که به واقع مردمک چشم جامعه‌ی ایران هستند، بسیار زیاد است و با هیچ توجیهی نمی‌شود این آسیب ها را کوچک ارزیابی کرد و جلوه داد .منتها شما شاهد یک تحرک عظیم هستید که در همین شرایطی که خطر جنگ و تحریم و مذاکره با آمریکا وجود دارد و قاعدتاً باید همه‌ی مبارزات را حاشیه‌ای می‌کرد، نه تنها حاشیه‌ای نشد بلکه یک مبارزه‌ی بی امان در داخل زندان شکل گرفته و در جریان است .و شما همچنین شاهد یک همبستگی و اتحاد بی‌نظیر در زندان هستید .می‌بینید که در زندان امیرحسین محمدی‌فرد در مبارزه برای حق خودش آزادی همه‌ی زندانیان هفت تپه و بازداشتی‌های اول ماه مه را می‌خواهد .اعتصاب غذا می‌کند و می‌گوید که" همه را آزاد کنید ."

همانطور که گفتم، مستقل از اینکه شما سر اعتصاب غذا چه فکر می‌کنید یا من چه فکر بکنم، این اتفاقی است که در ایران افتاده و به عنوان یک داده زندانی از آن استفاده می‌کند .و طبعاً همه خواهان این هستند که هرچه سریعتر خاتمه بیابد و امان پیدا نکند .اما امیرحسین محمدی‌فرد برای حق خودش و حق همه‌ی زندانیان هفت تپه اعتصاب غذا می‌کند .در دفاع از رفیق، همسر و همرزمش، ساناز الهیاری، حاضر می‌شود انعطاف به خرج بدهد .سپیده قلیان در اعتراض به تعرضات به خودش و خانواده‌اش، و به علاوه در حمایت از ساناز و امیرحسین اعتصاب غذا می‌کند .ندا ناجی در اعتراض به وضعیت تعرضی‌ای که به سپیده روا داشته می‌شود خودش را ممنوع‌الملاقات می‌کند و اعتصاب می‌کند .و شما شاهد این هستید که چه همبستگی‌ای و چه اتحادی بین زندانیان علیه زندانبانان، مستقل از شکل بروز آن، به وجود آمده است .شکل این پدیده یک چیز است و خود پدیده یک چیز دیگر .یک تحرک متحدانه و هماهنگ و پشتیبانی از یکدیگر را در زندان شاهدیم .و در بیرون از زندان هم انعکاس آن را می‌بینیم که چطور همه‌ی نهادها و سازمان ها و شخصیت ها و چهره ها و دست اندرکاران مبارزات، مستقل از اختلاف عقیده و رأی و تعلق سیاسی و پیشینه‌ی قومی و مذهبی، یکپارچه از این جنبش و آزادی این عزیزان دفاع می‌کنند و دست به اقدامات عملی می‌زنند.

این اتحاد و همبستگی را در نظر داشته باشید و در کنار آن تحرکات سنتی عقب مانده‌ی کاسبکارانه‌ای که سعی می‌کند بین این فعالین اختلاف بیاندازد را در نظر بگیرید .سعی می‌کند به بهانه‌ی اینکه چه کسی مطرح است و چه کسی نیست، محاسبات کاسبکارانه و بهانه جویی هایی بر اساس مثلاً حقوق ملی و حقوق قومی و اختلافات ملی - مذهبی در این جنبش شکاف ایجاد کند .اما نمی‌تواند در این جنبشی که جنبش آزادی زندانیان سیاسی و جنبش برخورداری از آزادی عقیده و بیان است شکاف ایجاد کند .جنبشی که یک مشخصه‌ی آن این است که جوان کمونیست و چپ حق دارد با هرکسی که می‌خواهد – از مردم و طبقه‌ی کارگر – تماس بگیرد، بنویسد و از مبارزات دفاع و حمایت بکند و مرعوب این ابزار نشود .

این داده‌ای است، که همانطور که شما اشاره کردید در دل این به اصطلاح جنگ با آمریکا و خطر جنگ با آمریکاست و جمهوری اسلامی می‌خواهد آن را خفه کند .می‌خواهد آن را به حاشیه براند اما نتوانسته این کار را بکند .

یک دلیل مهمی که چرا جمهوری اسلامی نتوانسته آن را به حاشیه براند این است که چهل سال است که به مردم ایران، زیر فشار خطر دشمن، اختناق و سرکوب و فقر و فلاکت تحمیل می‌شود .خطر دشمن در جنگ با عراق، دشمن در مخاصمات با آمریکا، در انزوا قرار گرفتن، خطر حمله‌ی نظامی، تحریم و ...به پدیده های دائمی زندگی زیر لوای جمهوری اسلامی تبدیل شده است .از این نظر جامعه" خنثی "است .مثبت باشد یا منفی، نسبت به خطر حمله‌ی اسرائیل و عربستان و آمریکا" خنثی "است .به این دلیل که ←

دادگاهی کردن کارگران …

با این شرایط زندگی کرده و می‌داند که در دل این پدیده، فقر و محرومیت و نکبت هر چه بیشتری به او تحمیل شده و طبقه‌ی حاکم چاق و چاق‌تر و گردن کلفت‌تر شده است. در نتیجه این حربه دیگر کارایی ندارد. مردم ایران، طبقه‌ی کارگر و دست اندرکاران مبارزات هرچقدر که از جمهوری اسلامی منتفر باشند – که هستند– ، هرچقدر دشمنی با آمریکا نداشته باشند و یا حتی نظر مثبتی به اسرائیل و یا آمریکا داشته باشند، اما فاصله‌شان از آنها را نشان داده‌اند. فاصله‌شان از این تحرکات میلیتاریستی آمریکا را نشان داده‌اند . می‌دانند که دشمنی آنها با جمهوری اسلامی مابه‌ازاء فقر و فلاکت و به خطر افتادن جامعه و مدنیت جامعه و شهر و مدرسه‌ی خود مردم و خود طبقه‌ی کارگر تبدیل می‌شود. فاصله‌شان را گاه به گاه نشان داده‌اند. این حربه و ابزار همیشگی جمهوری اسلامی را هم از دستش در آورده‌اند .

به هر حال این دو محور؛ یکی ایستادگی بر روی خواست‌های خود، مطالبات بر حق خود، اعتماد به نفسی که جامعه از هفت تپه و فولاد گرفته است، برای تبدیل مقاومت به تعرض و بودن در موقعیت تعرضی، و دیگری بی اثر شدن حربه‌ی دشمن خارجی، باعث شده است که حامیان این جنبش و رهبران و شخصیت های آن، در زندان و بیرون از زندان، نه تنها مرعوب نشوند و به اصطلاح قنبله را پایین نکشند، بلکه محکم تر بشوند و جنبش اعتراضی‌شان را پیش‌تر و پیش‌تر ببرند. امروز شما شاهد آن هستید که در برگزاری دادگاه این جنبش، خواست علنی برگزار شدن این دادگاه و تحرکات و حمایت هایی که حول آن صورت گرفته است روز به روز گسترش می‌یابد .

در نتیجه این دو فاکتور، یعنی قرار داشتن در موقعیت تعرضی و دیگری اعتماد به نفسی که طبقه‌ی کارگر و مردم در اثر مبارزه‌ی مستقلانه‌ی خودشان و تاکید بر خواسته های خودشان گرفته‌اند، و یک غمر تحت خطر دشمن خارجی و تهدید و تحریم زندگی کردن و تجربه‌ای که جامعه کسب کرده است، باعث شده است که جمهوری اسلامی نتواند این جنبش را به حاشیه براند. قدم به قدم در کنار این که مذاکرات اینگونه شد، ظریف به آمریکا این را گفت و تحریم این شد و آن شد، شما شاهد اعتراضات بوده‌اید. حتی یک روز نبوده که اعتراضات در ایران ساکت مانده باشد. مردم رفاه می‌خواهند، آزادی می‌خواهند و امنیت می‌خواهند. و تصمیم گرفته‌اند که در هر سطحی با تمام قدرت اعتراضی‌شان آن را تامین کنند. به هر حال این امر امکان مانور و سوءاستفاده‌ی جمهوری اسلامی از ابزار همیشگی "دشمن خارجی" را از جمهوری اسلامی گرفته است. امروز اگر به کسی بگویند" شما اسرائیلی هستید"تأثیر عجیب و غریبی در مرعوب کردن جامعه نمی‌گذارد. مستند ساختند و شعار " شکجه، مستند دیگر اثر ندارد "مانند ثف سر بالا به خودشان بازگشت.دیگر چه کاری بکنند؟ پرونده‌ی امنیتی درست کردند، مستند گنبدیده درست کردند، شکجه کردند، خانواده ها را اذیت کردند، از چارچوب قانونی خودشان خارج شدند و بی قانونی کردند؛ ، کارگر معترض را بی‌کار کردند، نان خانواده‌ی کارگر زندانی را گرو گرفتند، همه‌ی این کارها را کردند، اما شما شاهد این هستید که این جنبش عقب ننشسته است. این جنبش در حال پیشروی است. هرچند که دستگیر می‌کنند، هرچند که فریاد می‌زنند که مردم را مرعوب کنند. من فکر می‌کنم که هراسی که جمهوری اسلامی از برگزاری این دادگاه و دادگاههای بعدی دارد از هراس خود زندانیان بیشتر است .

شادی مطیعی: همه می‌دانیم که جامعه‌ی ایران پس از خیزش دیماه نودوشش، و پس از تحرکات وسیع هفت تپه و فولاد اهواز از جمهوری اسلامی و جناح‌هایش عبور کرده است. اما چرا جمهوری اسلامی کم‌اکان در موقعیتی است که می‌تواند دستگیر کند و زندانی کند و محاکمه کند؟ قاعدتا باید الآن در موضع ضعف باشد. اما می‌بینیم که هر روزه بر موج زندانیان سیاسی و فعالین عرصه های اجتماعی افزوده می‌شود . می‌توانید نظرتان را با ما در میان بگذارید؟

ثریا شهابی: به نظر من دلیل اصلی این امر، این است که جنبشی که در صحنه است پا به پای پیشروی خودش ستاد رهبری کننده‌ی سراسری خودش، که همان حزبش است، را همراه ندارد . درمورد چرایی این قضیه می‌توان جداگانه صحبت کرد. اما در سطح اظهار نظر، به نظر من این یک واقعیت است .

شما اگر این شرایط را با هر گوشه‌ای از جهان و در هر مقطعی از تاریخ مقایسه کنید می‌بینید که فقدان حضور مستقیم، دائمی، وسیع و اجتماعی حزب و ستاد رهبری کننده‌ی این جنبش، باعث می‌شود به چالش کشیدن بیشتر حاکمیت و بی اثر کردن همه‌ی ابزارها و تسلیحات و زندانش گُند پیش برود. اما به هر حال این شرایط ایستا نیست .

این به نظر من اصلی ترین نقطه ضعف است . هر جای دنیا یک حزب کمونیستی از جنس حزب ما اگر پا به پای پیشروی‌ای که جنبش می‌کند، آن خلأ ستاد رهبری کننده‌ی این جنبش، ستادی که عناصر تشکیل دهنده‌ی آن بی تردید رهبران کارگری، سازمان دهندگان و دست اندرکاران مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر و مبارزات اجتماعی در هر سطحی هستند. در هر گوشه‌ی دنیا و در هر مقطع تاریخی که نگاه می‌کنید این پتانسیل با وجود آن حزب، می‌توانست قدرت سیاسی را بگیرد، می‌توانست تمام ابزارهای سرکوب را خنثی کند . حداقل می‌توانست یک قدرت دوگانه پیش بیاورد . می‌توانست خلأ قدرت حاکمیت را با حضور خودش پر کند. اما امروز که این ستاد رهبری کننده‌ی سراسری آن موقعیت را ندارد، جنبشی که دارد حاکمیت را به چالش می‌کشد وقتی دست به قدرت می‌برد که بداند که می‌تواند خلأ قدرت را پر کند.

من فکر می‌کنم این از ناتوانی جنبش نیست. از موقعیت ویژه‌ای است که در آن قرار گرفته و ایستا هم نیست. منتها تعجب نکنید اگر فردا شاهد آشکال جدید پیشروی و آماده کردن ستادی باشیم که بتواند مبارزه‌ی سراسری را هدایت کند، حکومت را فلج کند و نهایتاً به زیر بکشد .

می‌خواهم بگویم این وضعیت همانطور که گفتیم ابدی نیست. سرعت رویدادها، از نتیجه‌ی این دادگاه، پیشروی های بیشتری که ما مثلاً در جنبش زنان داشته باشیم – که در جنبش زنان هم مانند جنبش کارگری و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی – نوع دیگری از یک تحرک اجتماعی را شاهد باشیم. که این سه رکن – کارگری، زندان و زنان – به اضافه‌ی تحرک کمونیستی‌ای که در کردستان ایران وجود دارد می‌تواند به نظر من ورق را تماماً برگرداند .

می‌تواند حاکمیت را از قدرت سرکوب ناتوان کند . جمهوری اسلامی وقتی که از قدرت سرکوب ناتوان بشود، تا فردای سرنگونی‌اش راهی نیست . چون نمی‌تواند حتی یک روز و یک لحظه بدون سرکوب سرپا بماند.

به هر حال من فکر می‌کنم این یک مشخصه‌ی وضعیت متناقضی است که امروز در ایران شاهد آن هستیم. و این تناقض امکان ابزار عمل را می‌گیرد. و به قول شما که جمهوری اسلامی هنوز دستگیر می‌کند و فرا می‌خواند و وثیقه تعیین می‌کند و غیره، اینها همه انعکاس آن تناقض است که همانطور که گفتیم ابدی نیست. و این تناقض می‌تواند به سرعت به نفع ابزار وجود ستاد سراسری رهبری کننده‌ی این مبارزات، که حزب طبقه‌ی کارگر باشد، برطرف شود. به هر حال روزهای آتی روزهای مهمی هستند و می‌توانند نقطه‌ی عطفی باشند برای یک چرخش و برای یک دگرگونی که شرایط را به نظر من کاملاً تغییر دهد .

شادی مطیعی: به عنوان سوال آخر؛ دوره‌ای بود که در اعتراض به حکومت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی کارگران نفت ایران حاضر نشدند که به آن کشور نفت صادر کنند و یک نقش کلیدی ایفا کردند. فکر می‌کنید امکان دارد که این نوع تجربه ها تکرار شود؟ مثلاً آیا محتمل است که در محکومیت دادگاهی هفت تپه‌ای ها و فعالین سیاسی بخش های مختلف طبقه‌ی کارگر دست به اعتراض و اعتصاب و تحرک بزنند؟ چگونه می‌توان جمهوری اسلامی را پشیمان کرد؟ ممکن‌ترین فشار به جمهوری اسلامی چیست؟

ثریا شهابی: همه‌ی این چیزهایی که به آنها اشاره

کردید به نظر من هم محتمل هستند و هم شدنی و قابل انتظار. طبیعا ما نمی‌توانیم از اینجا نسخه ببیچیم که در ایران باید چه‌کار کرد. و من فکر می‌کنم که به خصوص تجربه‌ی ایران پسا دیماه و پسا هفت تپه و فولاد نشان داد که چه ابتکارات عظیم و چه اشکال جدید و چه کاراکترهای جدید و چه سبک کارهایی به وجود آمده‌اند که کاملاً مطابقت دارند با همه‌ی تئوری هایی که ما در چهل سال گذشته درمورد تحرکات اجتماعی و مکانیزم های اجتماعی مبارزه بر آنها تاکید کرده‌ایم .

این تئوری ها الآن در حال عملی شدن هستند. آشکالی از مبارزه که بخش اعظمی از اپوزسیون های سنتی هنوز آن را درک نمی‌کنند، هنوز نبض‌شان با آن نمی‌زند، هنوز متوجه نیستند که این اتفاقات چگونه می‌افتد. این چیز یی است که شاهد آن هستیم. در نتیجه پاسخ سوال شما این است که" بله، حتما محتمل است." نه تنها محتمل و شدنی است بلکه قابل انتظار هم هست. تعجب نکنید اگر فردا شاهد حرکتی باشیم از همان‌هایی که شما گفتید. نه عیناً مشابه همان حرکت اما حرکت هایی به همان درجه وسیع و اجتماعی در جهت اتحاد و به هم پیوستگی. پیشبرد مبارزه‌ی همگانی‌ای که حول مطالبات رفاهی طبقه‌ی کارگر در حال متحد شدن است .

دست اندرکاران مبارزه در ایران امروز به ابتکارات عظیم و آشکال اجتماعی نوینی روی آورده‌اند. این لازمه‌ی تسریع پروسه‌ی شکل دادن به آن سازمان و ستاد رهبری کننده‌ی حزبی است که بیشتر به آن اشاره کردم. که هرچقدر این امر تسریع بشود، هرچقدر وسیع‌تر و اجتماعی‌تر بشود، هرچقدر تاکید بر خواست ها و مطالبات خود شفاف‌تر و روشن‌تر بشود، هرچقدر متشکل‌تر و متحدتر بشود و همه‌ی آشکال این پیشروی تسریع بشود، ستاد رهبری کننده و آن حزبی که این مبارزه را هدایت می‌کند که قدرت سیاسی را به زیر بکشد و خودش قدرت را در دست بگیرد، می‌تواند به سرعت شکل بگیرد .

به هر حال همه‌ی اینها ممکن است و شدنی است و قابل انتظار. بی تردید مشغله‌ی جمهوری اسلامی الان همین هاست. نه اینکه مثلاً حکم دادگاه اسماعیل بخشی و امیرحسین محمدی‌فرد، ساناز اللهیاری، سپیده قلیان، و همه‌ی هم‌پرونده‌ای هایشان را چگونه کش بدهد یا چگونه از مسیر قانونی خارج کند چطوری این ها را سربدواند و ………. دغدغه‌اش این است که چگونه از دست این جنبش خلاص بشود. این طرف هم باید همینگونه فکر بکند؛ که آزادی این عزیزترین مبارزین و انقلابیونی که امروز در زندان هستند، رهبران جنبش کارگری و حامیان آنها حلقه‌ی پیشروی مهمی است. منتها این دادگاه می‌تواند سراغاز شیفت از یک مرحله به مرحله‌ی دیگری باشد. به مرحله‌ی بالاتر و قدرتمندتری در مبارزه برای حق رفاه، آزادی و امنیت. که جامعه را حول طبقه‌ی کارگر و به نفع رسیدن به این حق قطفی می‌کند. به هر حال باز هم تکرار می‌کنم؛ روزهای آتی می‌تواند روزهایی باشد که وقتی تاریخ به آنها رجوع می‌کند نقطه عطفی باشد که همانطور که گفتیم "پسا دیماه" و " پسا هفت تپه" و " پسا فولاد"، بگوییم" پسا دادگاه ها ". و من امیدوارم این تغییر توازن قوا به نفع جنبش ما باشد، به نفع جنبش آزادی و برابری، به نفع جنبش رفاه و آزادی و امنیت باشد و بتواند این عزیزان را از زندان بیرون بیاورد. دشمن سعی می‌کند که این تغییر در توازن قوا به نفع خودش تمام شود. حربه هایش خیلی ناکارآمد هستند. خیلی مستاصل است. اما روی شکاف، نفاق، دو دستگی و به جان هم انداختن حساب می‌کند. می‌خواهد از درون بشکند. و نباید اجازه داد که این اتفاق بیافتد. نباید اجازه داد که از درون به جنبشی ضربه بزند که اینگونه متحد و هم‌بسته، حول برحق ترین خواست و با حلقه زدن به دور عزیزترین نیروی انسانی، عزیزترین مبارزین و به میدان آمده است، نباید اجازه داد که به هیچ بهانه‌ای هیچ انشقاق و شکافی را ایجاد کنند. نه به بهانه‌ی قومی، ملی، مذهبی – که یکی عرب است، یکی فارسی است، یکی گُرد است، یکی بلوچ است، یکی سنی است، یکی شیعه است، یکی بی خداست، یکی سوسیالیست است یا یکی سابقه‌ی ملی مذهبی دارد – و نه به هر بهانه‌ی دیگری. این جنبش از آن همه است و باید مانند تخم چشم از آن مراقبت کرد. و نباید اجازه داد که

کمونیست ۲۴۲

پروژه‌ی دشمن، که ایجاد انشقاق و شکاف و به جان هم انداختن و از درون نابود کردن است به سرانجام برسد. همیشه این حربه را استفاده می‌کنند. پول‌شان را خرج می‌کنند و تبلیغات می‌کنند که از درون جنبش ها را بشکنند. و نباید اجازه داد که این اتفاق بیافتد.

امیدوارم که این جنبش بتواند گروگان هایش را از دست این حکومت نجات دهد و از این پیشتر برود. به امید آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی. به امید آزادی همه‌ی گروگان های هفت تپه و فولاد و اول ماه مه و همه‌ی زندانیان سیاسی‌ای که امروز اسیر جمهوری اسلامی هستند .

| |
|--|
| هرجا اتحاد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه جهانی اند تقویت میشود، هرجا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به محافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و محافل کمونیستی تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد . |
| منصور حکمت |

محاکمات زندانیان هفت تپه، منشا یک

جدال بزرگ

مصاحبه رادیو نینا با امان کفا



امروز توازن عوض شده است و هر کس گفت جمهوری اسلامی را نمیخواهم الزاما جایش زندان نیست. اوضاع عوض شده و در راس اعتراضات این دوره در میان طبقه کارگر و در جامعه طیفی از رهبران کارگری قرار دارند که برای جامعه قابل مشاهد و رویت هستند و اینرا جمهوری اسلامی هم میبیند. اعتراضات این دوره با طبقه کارگر و رهبران او عجین شده است. این را در کشورهای دیگر هم نمونه هایش را دیده ایم. در کشورهای غربی هم وقتی اعتراضاتی عمومی راه افتاده و بورژوازی متوجه شده که رهبری و منشا این تحرک در دست بخش معینی از جامعه است، رفته سراغ آنها. ما این را در تجربه اعتضات معدنچیان انگلستان در دهه هشتاد دیدیم. بورژوازی انگلیس میخواست به طبقه کارگر این کشور تعرض کند، این تعرض را با حمله به معدنچیان که فکر میکردند نوک حمله طبقه کارگر به دولت وقت انگلستان که دولت تاچر بود، میباشند، حمله کردند. در آرژانتین و شیلی این را دیدیم، در فرانسه و بسیاری جاهای دیگر این را شاهد بوده ایم.

اکنون در ایران جمهوری اسلامی کارگران و فعالین هفت تپه و فولاد را نشانه گرفته و فکر میکند اگر در این دوره آنها را بزند، نوک تیز اعتراض کارگری به بورژوازی ایران و دولتش را زده است و از این کانال میتواند اعتراض کل طبقه کارگر و مردم معترض به جمهوری اسلامی را عقب براند. به همین دلیل امروز موقعیت این مراکز هم مهم شده و اعتراض آنها در جامعه انعکاس ویژه تری پیدا میکند و جامعه نیز به آن حساس تر است. حساسیت جمهوری اسلامی نیز به نسبت این دو واقعه در فولاد و هفت تپه، بخاطر زدن نوک کوه جنبش اعتراض عدالتخواهانه در جامعه ایران به نسبت خود است که میخواهد جمهوری اسلامی و کل نظام را کنار بزند.

اما سوال این است که چرا جمهوری اسلامی مثل دوران قبل حمله ای همه جانبه را به آنها نمیکند و تعداد زیادی را دستگیر و زندان و اعدام نمیکند، کاری که در گذشته میتوانست و میکرد و از این کانال و با اتکا به سرکوب در این ابعاد سرکار آمد و ماندگار شد. اما امروز جامعه نمی پذیرد و جمهوری اسلامی به این آگاه است. حاکمیتی که کوچکترین اعتراض را به وحشیانه ترین و خشن ترین شیوه سرکوب میکرد، جمهوری اسلامی که صدها نفر را علنا دستگیر و اعدام میکرد، امروز مجبور است، شبانه برود و آنها را مخفیانه شکار و دستگیر کند، مجبور است برای آنها "دادگاه" بگذارد و مجبور است تلاش کند ثابت کند آنها مجرم هستند تا بتواند محکومشان کند. مستقل از ماهیت دادگاهی آنها، نفس این عقب نشینی بزرگی برای جمهوری اسلامی است. میخوام بگویم مستقل از اینکه جمهوری اسلامی میخواهد از کانال حمله به نوک کوه جنبش اعتراضی بدر جامعه ایران، کل فضای اعتراضی را عقب براند، در عین حال نوع و شکل حمله و جوابگویی جمهوری اسلامی به اشکال دیگری است که بیانگر فضای امروز و واقعیت امروز جامعه ایران است.

فواد عبداللہی: یعنی شما فکر میکنید تکرار سرکوب به شکل دهه ۶۰ برای جمهوری اسلامی قابل تکرار نیست؟

امان کفا: به هیچ وجه قابل تکرار نیست و اگر امکان تکرارش را داشت و میتوانست، قطعاً تکرار میکرد و تا اکنون هم کرده بود. بحث بر سر این نیست که ما داریم تفسیر اوضاع را میکنیم، اینها را با چشم خود دیده ایم و واقعیت جامعه است نه ادعای ما. توجه کنید که دوره ای زمان شاه برای سرکوب هیلیکوپتر می آوردن و مردم را به

مسلسل میبستند. در جمهوری اسلامی در دوره ای کوچکترین اعتراض را سرکوب و معترضین را اعدام میکردند. اینها در ابعاد وسیع اعدام کرده اند و بحث از بیش از صد هزار اعدام را در پرونده دارند. در سال ۶۰ هر معترضی میتوانست حکم اعدام بگیرد و بی هیچ محاکمه ای اعدام میشد و دسته دسته هزاران نفر را تیرباران کردند. اما امروز این کار را نمیتوانند بکنند. امروز مجبور است دادگاه بگذارند و در دادگاه سعی میکند دلیل بیاورد برای وکیل مدافع حال با هر محدودیتی که برای وکیل میگذارند، تلاش میکنند برای دادگاهی خود وجهه بخرند.

جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که بتواند قدری گذشته را تکرار کند. بحث بر سر این نیست که نمیخواهد و یا این چنین جنایاتی در ماهیت امروز او نیست، بحث بر سر این است که این راه را امروز کارساز نمیداند و موقعیتی در این راه کسب نمیکند. اعدامهای دسته جمعی و کشتار در ملاعام که در دهه شست انجام میداد، امروز کارساز نیست، مقدر نیست و در این توازن ممکن نیست. بحث بر سر این نیست که دستگاه سرکوب او به اندازه دهه شست وحشی نیست و یا سرکوبگر نیست که هست، سرکوب در آن ابعاد هم کارساز نیست و هم در توان حاکمیت نیست. در نتیجه مجبور است، دادگاه بگذارد، مستند سازی کند که جواب نمیگیرد و در جامعه آبرویش میبرد، عده ای را دستگیر میکند، بعد آزاد میکند، باز تاثیری جدی بر فضای اعتراضی نمیگذارد و هر تاکنکی به خرج میدهد، نمیتواند فضای جامعه را به نفع خود عوض کند. احساس میکند فایده ای ندارد و او را به اهدافش نمیرساند. سرکوب وسیع در گذشته افق و آینده ای برای جمهوری اسلامی باز میکرد، موفقیت از آن کانال ممکن و مقدر بود، امروز نه افق روشنی را باز میکند و نه آینده ای از این کانال برای موفقیت آنها قابل ترسیم است.

فواد عبداللہی: این تغییر شکل سرکوب در جمهوری اسلامی محصول چه شرایط و چه فشاری است؟

امان کفا: محصول فشاری است که جامعه بر حاکمیت می آورد. محصول فضای اعتراضی است که هم اکنون در جامعه موجود است. در دوره هایی، در مقاطع معینی از حیات سیاسی جامعه، یک اعتراض معینی معنای بنیادی تری پیدا میکند. توجه کنید که در تونس کسی خود را بعنوان اعتراض به آتش کشید، یکدفعه میبینید تونس عوض میشود و چه اعتراضات همه جانبه ای که شکل میگیرد. دلیل این نیست که مردم تونس گویا خیلی طرفدار آتش زدن خود هستند یا اینکه در اعتراض به آتش زدن یک نفر همه چیز به هم میخورد و عوض میشود و مردم فکر میکنند حالا باید همه چیز را عوض کنند. یا در مصر در مقطع معینی در میدانی چند نفر را دستگیر میکنند، جامعه چنان عکس العمل نشان میدهد که دولتش می افتد. در مقطعی معین، در یک شرایط معینی یک اعتراض معین در جامعه بیانگر اعتراض وسیعتر یا به محرک اعتراضی وسیعتر در جامعه تبدیل میشود. توجه کنید در کشوری امپریالیستی مانند انگلستان، در یک مقطع معین و یک شرایط بخصوص، اعتراض یک اتحادیه کوچک (در مقایسه با بقیه اتحادیه ها)، میتواند نمایندگی کل اعتراض جامعه به حمله فوق راست ارتجاعی تاچر به جامعه باشد و اعتراض عمومی جامعه به راست تاچر را نمایندگی کند. معلوم است که دولت تاچر همه نیرویش را برای سرکوب این اتحادیه بسیج میکند و تلاش میکند سرکوبش کند.

امروز جمهوری اسلامی هم با چنین وضعی مواجه است. اعتراض کارگران فولاد، کارگران هفت تپه و کارگران هپکو و... در این دوره، مهر دیگری به جامعه زده است. اعلام شد که تمام راه حل‌های تاکنونی، جمهوری اسلامی و اصلاح آن، جمهوری اسلامی با عمامه و بدون عمامه، با ولایت فقیه و بدون آن، با اصلاح طلب و اصول گرا و بودن آنها، جواب نیست و کارگر نمیپذیرد. اعلام شد که یک طبقه کارگر در این جامعه هست که نمیپذیرد و جواب و راه حل خود را دارد و جامعه این را دیده است. بحث بر سر این نیست که جمهوری اسلامی اگر هفت تپه را سرکوب کند همه چیز تمام میشود، نه اصلاً چنین نیست.

درست است که این مراکز و تحرکات این دوره آنها نوک یک کوه یخ اعتراضی در جامعه است. اما با زدن آن چنین نیست کل این به اصلاح کوه یخ اعتراضی آب شود و این طبقه ساکت شود. این تصویر خیلی ابلهانه است که جمهوری سلامی چهل سال حاکمیت کرده بر جامعه ایران، جمهوری اسلامی سرکوبگر و...، فکر کند اگر این نوک کوه را بزند همه چیز تمام میشود. نه اصلاً چنین نیست و این را خود جمهوری اسلامی میداند.

بحث بر سر این نیست که جمهوری اسلامی توان سرکوب ندارد، قمه زن و نیروی سرکوب ندارد، هم ظرفیت ترور و قتل و جنایت و هم اسید پاشی و... را دارد. اما بورژوازی ایران و نمایندگانش عقل این را دارند که این شکل سرکوب امروز جواب نیست و میتواند جامعه را به راه دیگری هل بدهد که نمیخواهند. بحث بر سر این نیست که جمهوری اسلامی توان سرکوب ندارد یا توان سرکوب را از دست داده است. مسئله این است که این جواب نیست و جمهوری اسلامی از این کانال نمیتواند در اوضاع امروز جواب معضلات و اعتراض در جامعه را بدهد. در مملکتی روزی کودتایی میکنند و از کانال آن امیدی به جامعه میدهند که اوضاع بهبودی پیدا کند. روزی سرکوبی میکنند و در مقابل افقی باز میکنند که وضع اقتصادی جامعه بهبود پیدا کند و جامعه ممکن است سرکوب را تحمل کند. مسئله این است که در اینگونه موارد جوابی را مقابل جامعه میگذارد، در انتهای این تونل امیدی میدهند، روشنایی هست که امیدوار است جامعه را به سمت آن بکشاند و به آن امیدوار کند. امروز جمهوری اسلامی در بن بست است که جوابی ندارد که در مقابل جامعه بگذارد و جامعه را امیدوار کند. افق روشنی ندارد که بتواند جامعه را به آن امیدوار کند.

فواد عبداللہی: جمهوری اسلامی بهانه ای بدست گرفته که تحریم های اقتصادی و فضای جنگی و خطر دشمن خارجی است. این وضع و فضا و تبلیغات جنگی آمریکا و تحریمها چقدر توانسته است بر فضای اعتراضی جامعه تأثیر بگذارد و سایه بیندازد بر جامعه؟ یا چقدر جمهوری اسلامی توانسته است از این فضا برای سرکوب کارگر و مردم معترض در جامعه استفاده کند و این بلاماسکه محاکمات زندانیان سیاسی و زندانیان هفت تپه را در سکوت پیش ببرد؟

امان کفا: همه می بینیم که جامعه ایران چنین نشد. مردم نیامدند خیابان بگویند جنگ میخوایم یا نمیخوایم. نیروهای حشد الشعبی را وارد ایران کردند اما این هم جواب نداد. امروز فضای روزنامه های ایران، رادیو و تلویزیون ایران، همه بحث از آمادگی نظامی آنها، بحث از ظریف، گرفتن کشتی ها در تپهگه هرمز، قراردادهایی که میگویند بسته اند و کارهای دیگر آنها است، اما التهاب جامعه جای خود باقی است و اینها روی این التهاب و فضای ناراضیاتی تأثیر موثری نداشته است.

فضای جنگی سلاح قابل استفاده ای برای جمهوری اسلامی است. اما کسی را میگیرند و میبرند محاکمه کنند و محاکمه را از امروز به فردا و پس فردا کش میدهند و میبینند هنوز فضای جامعه روی مسائل اعتراضی جامعه علیه جمهوری اسلامی است. میبینند فضای جنگی با همه تلاش آنها نتوانسته برده ساتری بکشد بر فضای اعتراضی جامعه و هنوز دومی در جامعه برجسته و به فضای جامعه شکل میدهد. فضای جنگی سلاحی است در دست جمهوری اسلامی و تلاش میکند از آن علیه مردم استفاده کند. اما علیرغم وجود این فضا و برایی آن هنوز نتوانسته فضای اعتراضی جامعه را با اتکا به این سلاح خاموش و حاشیه ای کند. نتوانسته فضای مختلق را که آرزو میکند و تلاش میکند بر جامعه حاکم کند، اعمال کند. اکنون به قول شما بلاماسکه این دادگاهها، دادگاههایی که زندانی از وکیل مدافع و امکان دفاع از خود و علنی بودن و حق و حقوق اولیه یک زندانی بری است و هیچکدام از اینها را ندارد، با این وصف این هم وبال گردنش شده. فضای کنونی جامعه با یکی دو سال قبل قابل قیاس نیست. در زمان رژیم پهلوی در دوره دادگاهی کسانی مانند گلسرخی، دادگاهی آنها را از تلویزیون نشان میدادند، اما امروز جمهوری

محاکمات زندانیان هفت تپه، ...

اسلامی جرات این کار را ندارد و میداند که نمیتواند از چنین کاری به عنوان نشان دادن قدرت خود و افزایش فضای سرکوب استفاده کند.

جمهوری اسلامی موفق نشده و نتوانسته از فضای جنگی آن طوری که میخواست و دوست داشت و تلاش کرده علیه فضای اعتراضی در جامعه استفاده کند و این را همه دیده اند و خودشان هم متوجه شده اند. نگاه کنید به بحثهای اصلی که در جامعه ایران در جریان است. همه میخوانند بدانند که دادگاهی این انسانها چه شد. علیرغم همه تلاشهای حاکمیت، تهدید و فشار به خانواده ها، دستگیری و زندانی کسانی که از خانواده زندانیان در زمان دادگاهی حمایت و همراهی کرده اند، اما باز فضای اعتراضی در جامعه خاموش نمیشود. اینها نشان میدهد که فضای اعتراضی در جامعه با این اقدامات پس زده نمیشود و اعتراض در جامعه جای خود باقی است.

اقداماتی که حاکمیت میکند، اینگونه اقدامات که اشاره شد، دادگاهی کردن و امروز و فردا کردن به پروسه دادگاهی، وثیقه های سنگین میلیاردری برای زندانیان تعیین کردن، نشانه قدرت حاکمیت نیست. اگر حاکمیت از قدرت گذشته خود برخوردار بود احتیاجی به اینگونه اقدامات نداشت. احتیاجی به تعیین وثیقه نداشت، احتیاجی به دستگیری هر روزه و اعتراض هر روزه به دستگیر و راه افتاده این پروسه ها نبود. امروز هر اعتراضی که به هفت تپه و تحرکات کارگری این مراکز وصل باشد را سرکوب میکند و یا تلاش میکند سرکوب کند، هر چند این هم کارساز نبوده است. اگر در موضع قدرت بود اصلا احتیاجی به اعلام دادگاهی نمیداشت و مثل هزاران مورد دیگر در گذشته خودش مخفیانه دادگاهی میکرد و حکم میداد و جواب کسی هم نمیداد. قبلا هزاران نفر را را به راحتی و بدون اعلام پروسه دادگاهی و حتی بدون هیچ دادگاهی مخفی فرمایشی هم و اعلام جرم و.. اعدام کرده و جواب کسی هم نداده است. امروز این توان را ندارد و نمیتواند و مجبور شده دادگاهی تشکیل دهد، وکیل را برسمیت بشناسد، روز دادگاهی تعیین کند و..، اینها نشانه ضعف او است. اینها به او تحمیل شده و مجبور شده عقب نشینی کند و بیان موقعیت تضعیف شده امروز جمهوری اسلامی در مقابل جامعه و مردم معترض است. این ضعف و زبونی را جامعه میبیند. پروسه دادگاهی و.. هم فرمایشی است و این را جامعه میداند و مردم میدانند. این ژست قانون مندی و تلاش برای نشان دادن بالماسکه دادگاهی و داشتن وکیل و کل پروسه ای که ادعا میکند، همگی به او تحمیل شده و جامعه این را میداند. آنچه در این دادگاهی ها تعیین کنند است نه نفس دادگاهی و اینکه حاکمیت مدعی چه است و زندانی و وکلا چه جوابی دارند، بلکه فضای جامعه، فشار جامعه و جنبش اعتراضی و توازن در جامعه تعیین کنند است.

فواد عبداللهی: تا کنون در پاسخ به این محاکمات فرمایشی اعتراضات وسیعی چه در داخل ایران و چه در خارج شکل گرفته است. موجی از حمایت بسمت بازداشتی های طبقه کارگر ایران روانه شده. تابحال دهها اتحادیه کارگری از فرانسه و آلمان تا برزیل خواهان آزادی بازداشتی های هفت تپه و اول ماه مه شده اند. همچنین احزاب و نهادهای سیاسی در کشورهای اروپایی تجمعات و پیکتهای اعتراضی زیادی بر پا کرده اند. شما به عنوان مسئول تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست(خط رسمی) نقش قابل توجهی در راه انداختن این اعتراضات داشته اید، هدف چه است و چه در دستور تشکیلات شما است؟

امان کفا: تا جایی که به موقعیت و وضعیت جمهوری اسلامی برگردد صحبت کردیم. اما این به این معنا نیست که اگر اعتراضات ادامه پیدا نکند جمهوری اسلامی کوتاه می آید. اگر فضای اعتراضی و حمایت از زندانیان کاهش پیدا کند و ادامه نیابد، جمهوری اسلامی با همه هاری و ضدیت خود با اعتراضات کارگری و آزادیخواهانه، چهره واقعی خود را به نمایش میگذارد. لذا فضای اعتراضی و حمایت از زندانیان هفت تپه و حامیان آنها و دستگیر شدگان

اول مه و.. باید هم در خارج کشور و هم در ایران ادامه یابد.

در این مدت نیز در خارج کشور اعتراضات زیادی در دفاع از زندانیان فوق شکل گرفته است و در حقیقت همزمان با اعتراضات در ایران، درخارج کشور هم تحرکاتی شکل گرفت که شما هم اشاره کردید. در بعضی جاهها اعتراضاتی حتی بدون فراخوان جریان معینی شکل گرفت و پیش برده شد. تا جایی که به اعتراضات متشکل برگردد ما یکی از جریاناتی بوده ایم که از روز اول تاکید کرده ایم که باید جمهوری اسلامی تحت فشار جدی گذاشته شود. جریانات و گروههای زیادی وقتی این وضع را دیدند و احساس کردند نباید از کنار این فضا گذشت، شروع کردند و به کمپینهای مختلفی که در جریان بود پیوستند و در همه جا شروع کردند به اعتراض کردن.

تا جایی که به تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست برگردد، اکسیونهای اعتراضی زیادی در کل این دوره برگزار کرده ایم. یک سری از این اکسیونهای اعتراضی در همین هفته اخیر بوده است و سعی کردیم این اعتراضات همراه با روز دادگاهی کارگران هفت تپه و حامیان آنها باشد. در این هفته و همزمان با دادگاهی زندانیان در کشورها و شهرهای مختلف اروپایی از آلمان و انگلستان تا سوئد و فرانسه و... اعتراضات زیادی شکل گرفته است. در همه این تحرکات اعتراضی خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان هفت تپه و زندانیان اول مه و بقیه آزادیخواهان، اعلام شده است. همه جا گفته شده که این اعتراضات ادامه خواهد داشت. خواست آزادی فوری کسانی که در این روزها به عنوان زندانیان هفت تپه از آنها صحبت میشود همه جا تاکید شده است. معلوم است این محاکمات کاملا سیاسی است. معلوم است پرونده سازی امنیتی برای آنها، اعلام جرایم امنیتی و جنایی و... برای آنها هیچ پایه و اساسی ندارد و مورد قبول نیست و جامعه به آن معترض است.

این اکسیون و اعتراضات بخشی از اعتراضات وسیعی است که در این مدت انجام گرفته است. در این مدت از سازمان عفو بین الملل تا اتحادیه های کارگری، سازمانها و گروههای چپ و آزادیخواه در کشورها و شهرهای مختلف به این اعتراضات پیوسته اند. از اتحادیه های کارگری در برزیل، تا اتحادیه رانندگان قطار در انگلستان، اتحادیه های بزرگ و بین المللی از س ژ ت در فرانسه تا انواع نهاد و سازمانهایی که به اعتراض پیوسته اند و شروع کرده اند به جمهوری اسلامی نامه نوشتن و اعتراض کردن و فشار آوردن. آنها اعلام کرده اند که این وضع قابل قبول نیست. اعلام کرده اند دستگیری و زندان آنها به جرم دفاع از حق و حقوق انسانی خود، آنها در قرن ۲۱ را قبول نمیکنیم. بستن پرونده های امنیتی به آنها، به کسانی که خواهان زندگی انسانی هستند و از یک زندگی انسان دفاع میکنند را قبول نمیکنیم.

این اعتراضات ادامه خواهد داشت و پایان آن زمانی است که آنها آزاد شوند. تا زمانی که این انسانها در زندان هستند و پرونده سازی برای آنها ادامه دارد، این اعتراضات نیز ادامه خواهد داشت. تلاش جمهوری اسلامی برای شکل قانونی دادن و "قانونمند" کردن زندان و پرونده سازی ها و احکامی که در نظر دارند، پوچ و بی اساس و غیر قابل اعتبار است و باید پایان یابد.

ضمنا این اعتراضات محدود به ایرانیان در خارج کشور نیست. تعدادی از اتحادیه ها و نهادهای کارگری و مترقی اعتراض کرده اند، عده ای در این پروسه و در حال پیوستن به موج اعتراضی هستند، عده ای منتظرند ببینند این پروسه به کجا میرسد و این سیر ادامه دارد. این تحرکات اعتراضی مورد حمایت وسیع در جهان است. جمهوری اسلامی میخواهد پروسه دادگاهی را کشدار کند، ما میخواهیم این پروسه فوری پایان پذیرد و به این وضع خاتمه داده شود.

بیدادگاه جمهوری اسلامی و محاکمه ی

نان، کار، آزادی

"گفتگوی فواد عبداللهی با مظفر محمدی"



فواد عبداللهی: امروز ۱۲ مرداد ماه ، ۷ زندانی سیاسی "اسماعیلی بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان، عسل محمدی، ساناز اله یاری، امیرحسین محمدی فرد، امیرامیر قلی" از رهبران کارگری و حامیان حقوق کارگران در دادگاه انقلاب تهران حضور یافتند. این برنامه اختصاص دارد به روند محاکمه ی این زندانیان در بیدادگاه های جمهوری اسلامی. آخرین تحولات در این زمینه و روند محاکمات چگونه است؟

مظفر محمدی: همانطوری که در اطلاعیه حزب آمده است امروز ۷ زندانی سیاسی را به دادگاه انقلاب برده اند. جایی که کارگران زندانی و حامیانشان از معیشت کارگران و مردم دفاع خواهند کرد. همزمان نیروهای نظامی خیابان معلم را که دادگاه در آنجا قرار گرفته اشغال میکنند و از حضور خانواده های زندانیان و مردم حامی آنها جلوگیری بعمل آورده و تعدادی از آنها را هم دستگیر می کنند. از جمله سه نفر به اسامی رهام یگانه، هیراد پیربداغی و فرید لطف آبادی.

این دادگاه پشت درهای بسته برگزار شده است. بنا به خبر به هنگام اعتراض اسماعیل بخشی به پروسه زندان و دادگاه، قاضی مقیسه دادگاه را ترک کرده و ادامه ی کار را به فردا موکول می کند. به این ترتیب می خواهند خانواده های زندانیان و حامیانشان را خسته و این پروسه را طولانی کنند . تا کنون هم این قضیه ۶ ماه طول کشیده تا به امروز رسیده است.

هنوز جمهوری اسلامی از اعتصابات کارگری جنوب پشت راست نکرده . اعتصابات که در واقع یک تعرض طبقاتی علیه فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری و دخالت جمعی کارگران در سرنوشت کار و زندگی و معیشت شان بوده است. این تعرض رژیم را چنان ترسانده که رهبران کارگران و حامیانشان را در زندان نگه دارد، شکنجه کند و آن مستند مسخره را پخش نماید و به زور شکنجه اعترافات را که خود دیکته می کند به امضا برساند. این در حالی است که اعتراضات و اعتصابات کارگری و دیگر بخشهای جامعه ادامه دارد. همین امروز و همزمان با این محاکمات، پرستاران در مشهد برای مطالباتشان اعتصاب کرده اند. درست در همین دوره و برای مقابله با جامعه، تعرض بر زنان را تشدید کرده اند. زنانی که چهار دهه است تسلیم نشده اند.

تعرض به طبقه کارگر و به زنان و مقاومت در مقابل آن وجوه مختلف یک جدال اجتماعی و طبقاتی در جامعه ایران هستند. جمهوری اسلامی که در منطقه احساس قدر قدرتی می کند و با هزینه عظیم از سفره مردم نیروهای نیابتی اش را دارد، اما طبقه کارگر و مردم بیباکسته حلقه ضعیف قدرت و حاکمیتش را تشکیل داده است و می فهمند که اگر کوتاه بیایند و عقب بنشینند، مردم دست از سرشان برداشته و تا آخر خواهند رفت. رژیم مدعی ایستادگی در مقابل امریکا و دول رقیبش در منطقه اما در مقابل حتی یک خواست کارگر جرات خودنمایی ندارد. نمی تواند بیاید و مستقیم و علنی و رو در رو به کارگران پاسخ دهد. کارگران اعتصابی رژیم را شکنجه گر، فاسد و حافظ دستگاه های مافیای اقتصادی و عامل ورشکستگی کارخانه ها نامیده اند و رژیم را به عنوان بانی این اوضاع متهم می کنند و خواستار پاسخگویی هستند. اما همین رژیم ظاهرا مقتدر در منطقه، جرات رودر رویی با یک رهبر کارگری و پاسخگویی به اتهاماتی که به او وارد شده را ندارد. نه دولت و نه مجلس و دستگاه قضایی هیچکدام شهامت جوابگویی علنی و رو در رو در تلویزیون و جلو چشمان مردم را ندارند. در جدال امروز در حقیقت متهم اصلی جمهوری اسلامی، دولت و دستگاه قضایی آن است. متهم اصلی دولت سرمایه داران است که مردم ایران را به چنین روزی انداخته اند. در واقع این دولت و دستگاه قضایی او است که می بایست امروز محاکمه می

شدند.

فواد عبداللهی: می گویند محاکمه این زندانیان محاکمه کل طبقه کارگر و مطالبه نان، کار، آزادی است. فقط محاکمه ی چند نفر نیست. محاکمه ی یک جنبش است. بهمین دلیل است که جمهوری اسلامی نمی تواند و نتوانسته است بدون توجه به یک فشار اجتماعی و اعتراضی قدرتمند، این زندانیان را بی سر و صدا محکوم کند. جریان چیست ؟

مظفر محمدی: قطعاً اینطور است. ما در این دوره بیش از یکصد زندانی سیاسی کارگر و معلم و زن و باننشسته و غیره داریم. ویژگی تحولات این دوره این است که زندانیان کارگر و حامیانشان پیشروان و سخنگویان یک جدال طبقاتی در اعتصابات کارگری و بعد از خیزش بزرگ دیماه هستند. اعتراضاتی که بخشهای مختلف جامعه از جمله کارگران، معلمان، باننشستگان، زنان و .. در آن درگیر هستند. در این اعتراضات و اعتصابات هفت تپه و فولاد تعداد زیادی دستگیر و زندانی و متعاقباً به قید وثیقه آزاد شدند. بخشی از پیشروان کارگران و مردم را هم در زندان نگه داشتند. همه ی بازداشت شدگان و زندانیان کنونی به یک جنبش اجتماعی وصل اند. این زندانیان افرادی نیستند که در خلوت خود نشسته و حرفی زده یا مشغول توطئه ای بوده اند. کسانی هستند که در جریان اعتصاب و اعتراض و یک جنبش طبقاتی و اجتماعی از حقوق کارگران، معلمان، زنان و از معیشت و زندگی مرفه برای جامعه دفاع کرده اند. فعالین کارگری، معلمان، زنانی که در ۸ مارس گل پخش کرده یا سرود خوانده اند. یا کسانی که اول مه را برگزار کرده اند همگی اعضای جنبش های عظیم اجتماعی و طبقاتی اند. افرادی مستقل از تحرکات و تحولات اجتماعی و بدون تعلق به این جنبش ها نیستند. کارگر اعتصاب کرده، حقوق معوقه اش را خواسته ، گفته دولت فاسد است، اقتصاد دست مافیا است. شما خانه خراب کن هستید. عامل یک جامعه گرسنه، اسیر فقر و اعتیاد و فحشا و بیکاری هستید. این کارگران از معیشت و آزادی و زندگی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه دفاع کرده اند. و به این اعتبار متعلق به یک جنبش عظیم طبقاتی هستند. جنبش که تنها یک گوشه و بخش کوچکی از آن به میدان آمده است. اعتصابات هفت تپه و فولاد نقطه عطفی در جنبش طبقه کارگر است و سکویی است که برپایه ان طبقه کارگر بایستد و از منافعش دفاع کند. جنوب ایران هم برای دولت سرمایه داران و هم طبقه کارگر اهمیت جدی دارد. جنوب محل دو مرکز بزرگ فولاد، نیشکر هفت تپه، پتروشیمی ها، شرکت بزرگ نفت و غیره است. بهم پیوستن این بخش های کارگری و همبستگی مبارزاتی شان برای طبقه کارگر با شکوه و برای سرمایه داران و دولتشان به شدت ترسناک است. به حرکت در آمدن این بخش کارگری موجب همبستگی سراسری طبقه کارگر و اعتماد به نفس و اعتلای جنبش طبقه کارگر برای فشردن گلوی سرمایه داران و تحقق مطالباتشان خواهد بود. ظرفیت و پتانسیل ایستادگی رهبران کنونی کارگران و حامیانشان در مقابل دشمن کارگران و دفاع از طبقه ی خود، نشانگر پتانسیل قدرتمند طبقه کارگر و عروج این طبقه بعنوان صاحب جامعه است.

فواد عبداللهی: روند محاکمات فرمایشی کنونی بهر ترتیب که باشد، چگونه می توان جلو این پروسه ی وقت گذرانی و تحمیل فشار بر زندانیان را خاتمه داد و آزادی زندانیان را تضمین کرد؟

مظفر محمدی: خوشبختانه تا کنون اعتراضات وسیعی علیه جرائم جمهوری اسلامی و برای

بیدادگاه جمهوری اسلامی و ...

آزادی بی قید و شرط زندانیان انجام شده و در جریان است. در ایران از جانب کارگران و سندیکاهای کارگری چون هفته تپه و فولاد و کارگران فصلی و ساختمان و سندیکای شرکت واحد و معلمان و بخشهای دیگر جامعه از قبیل کانون نویسندگان و وکلا و بخشهای مختلف مردم آزادیخواه در سراسر ایران و ده ها اتحادیه در کشور های مختلف اروپا و امریکای لاتین... همه ی این ها تلاش های بزرگی در دفاع از زندانیان سیاسی کنونی است. اما این هنوز کافی نیست. نیرویی که رژیم سرمایه داران را بیشتر می ترساند، اعتراض بخشهای دیگر طبقه کارگر است. حتی از نظر من اعتراض کارگران هفت تپه که رهبرانشان در زندان است در اولویت است و نتیجه خوبی خواهد داشت. اعتراضات کارگران فولاد وهفت تپه با چند هزار عضو، از طریق اعتصاب مثلا یک روزه یا چند ساعته مکرر برای آزادی رهبران شان بسیار تاثیر گذار و حیاتی است. برای هر تک کارگر هفت تپه اسماعیل بخشی و علی نجاتی یک رهبر و دوست و مدافع حقوقشان است. هیچ کارگری را در هفته تپه نمی شناسید با وجود تلاش ضد کارگری دولت برای ایجاد تفرقه و تشتت میان کارگران، اسماعیل بخشی را رهبر خود نداند. اینگونه اعتراضات برای آزادی این زندانیان و دیگر زندانیان سیاسی از جانب طبقه کارگر در سراسر کشور ضامن آزادی بی قید و شرط این زندانیان است.

کمپین ها ی تا کنونی هم باید تشدید شود و گسترش یابد. باید در مقابل روند طولانی کردن محاکمات ایستاد. زندانیانی که خواستشان زندگی بهتر و تامین معیشت و آزادی جامعه است باید بی قید و شرط آزاد شوند. بعلاوه همین امروز سه نفر دیگر در خیابان معلم دستگیر شده اند. آزادی فوری این دستگیر شدگان هم در دستورکار طبقه کارگر و همه آزادیخواهان قرار گرفته است. آزادی بی قیدو شرط همه ی زندانیان سیاسی را مطلقا نباید درموردش کوتاه آمد و تا آزادی همه ی آنها ما نباید از پای بنشینیم. ما نباید منتظرپروسه دادگاهی های مسخره و فرمایشی دستگاه فاسد قضایی باشیم. ما منتظر نتیجه دادگاه نیستیم. نتیجه ی ان از اول هم معلوم است. اگر ما دست از سرشان برداریم، محکومیت های طولانی یا وثیقه های سنگین این انسان ها را تهدید می کند. این ها از اول هم تصمیم شان را گرفته اند و اگر ما جلوشان را نگیریم. شش ماه در بازداشت نگه داشته و چند ماه هم پروسه محاکمه است و تهش هم معلوم است. ما نباید بگذاریم این پروسه دردناک ادامه یابد و احکام زندان و وثیقه ی سنگین را به ان ها تحمیل کنند. هم اکنون تعدادی از این زندانیان اعتصاب غذا کرده و جانشان در خطر است. این عزیزان باید بدون قید و شرط آزاد شوند و به میان همکاران و دوستان و خانوادهایشان برگردند.آمد

طبقه کارگر، برخلاف کلیه

طبقات فرودست در تاریخ

پیشین جامعه بشری،

نمی‌تواند آزاد شود بی آنکه

کل بشریت را آزاد کند.

از: یک دنیای بهتر، برنامه حزب

کمونیس‌ت کارگری – حکمتیست

نامه های حمایتی از زندانیان هفت تپه

حمایتهایی از ایران - حمایت‌های بین المللی

| | |
|--|--------|
| وضعیت جامعه ما | هستند. |
| اطلاعیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه | |
| #نن_کار_آزادی در ۱۲ مرداد ماه ۹۸ محاکمه می شود! | |
| کارگران و مردم زحمتکش! | |
| همانطور که اطلاع دارید بعد از بی حقوقی و پایمال شدن حقوق کارگران نیشکر هفت‌تپه، کارگران حق طلب در نیشکر هفت‌تپه، دست به اعتصاب زدند تا به این وسیله، صدای اعتراض خود را به گوش همه برسانند با این‌امید که مشکل آنها مرتفع شود. | |
| اما مسئولین و اشخاصی که بر سرنوشت میلیون ها انسان در ایران سایه انداخته اند، به جای پاسخ گویی و حل مشکلات کارگران، با ایجاد فضای رعب و وحشت، کارگران معترض را بازداشت و زندانی کردند. | |
| از کارگران بازداشت شده در جریان اعتصاب، همچنان اسماعیل بخشی در بازداشت می باشد و علی نجاتی فعلا با داشتن مرخصی درمانی جهت مداوی بیماری قلبی ناشی از دوران زندان،وسپردن وثیقه ۲۰۰ میلیونی، فعلا در بیرون از زندان می باشد، و همچنین چند نفر دیگر از حامیان کارگران از جمله سپیده قلیان به دلیل حمایت از کارگران هفت تپه همچنان در زندان می باشد. | |
| از کارگران و هم سرنوشتان! | |
| در روز ۱۲ مردادماه، قرار است تعدادی از کارگران هفت‌تپه و حامیان و مدافعان کارگران محاکمه شوند! | |
| اعتراض به این فضای پر از تهدید و ارباب، وظیفه تمام کسانی است که مخالف هرگونه ستمی | |

بیانیه حمایتی ”انجمن صنفی

کارگران برق و فلزکار کرمانشا“ در

همبستگی با زندانیان سیاسی و

کارگران هفت‌تپه و فولاداهواز

با همبستگی سراسری و قدرتمندانه از زندانیان سیاسی دفاع کنیم .

چهل سال است که دستگاه های سرکوبگر حکومتی در برابر مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، جوانان و همه آزادیخواهان و برابری طلبان، با سرکوب و بازداشت، شکنجه و زندان و غیره مقابله می کنند .

این سرکوبگری های بی حد و حصر نه از سرقدرتمندی، بلکه نشانه درماندگی ناشی از بحران هایی است که از بلافاصله پس از به قدرت رسیدن به همراه آورده و متاثر از آن، توان برآورده نمودن هیچ حداقلی از خواستهای هیچ یک از بخش های مطالبه گر و معترض جامعه را از خود سلب نموده‌اند .

اما امروز مطالبات توده ای ریشه ای تر و عمیق تر و مبارزات و اعتراضات نیز که به تبع آن جدی تر گسترده تر و قدرتمندتر شده است، دستگاه های سرکوبگر همچنان تمام تلاششان را به کار می گیرند تا بتوانند اعتراضات را مهار و جامعه را از مطالبه گری روز افزون و بدون تخفیف خود نا امید و سرخورده کنند .

ولی واقعیت خلاف انتظار آنان رخ می نمایاند و نمایی از امید و سرشاری و عزم توده ای برای رسیدن به شرایط زندگی انسانی و در عین حال زبونی و درماندگی سرکوبگران را در برابر چشمان همه گذاشته است .

بازداشت گسترده ده ها نفر از کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نمونه ای از نهایت درجه سرکوبگری در پاسخ به اعتصابات و اعتراضات قدرتمند آن دو مرکز کارگری و پیوندی بود که در سراسر جامعه با آنها شکل گرفته بود، که سراسیمگی مقامات و مسولین دولتی و حکومتی برای یافتن راهی جهت عقب نشینی آبرومندانه «آزادی بازداشت شدگان»، بی حاصل بودن سرکوب در مقابل اراده قوی کارگران و بقیه بخش های معترض برای رسیدن به مطالبات را با شفافیت و وضوح به نمایش در آورد، اگر چه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را زیر شکنجه برای اعتراف گیری و مستند سازی طرح رسوای موسوم به طرح سوخته قرار دادند و آن هم با به راه افتادن اعتراضات وسیع توده ای به ضد خودش بدل شد .

حمله به برگزار کنندگان مراسم روز جهانی کارگر مقابل مجلس و بازداشت بیش از ۵۰ نفر با توسل به وحشیگری و ضرب شتم، تکرار همان سرکوبگری توام با دستپاچگی سرکوبگران و مقامات دولتی و حکومتی بود که پیشتر در جریان اعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز نمایان شد، بطوری که این بار فلاحت پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس برای پیشگیری از گسترش اعتراضات، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان روز جهانی کارگر شد.

تقابل جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی که حالا در پیوند مستحکمی با همدیگر قرار گرفته اند با دستگاه های سرکوبگر به جدی ترین،

کارگران جهان متحد شوید

بیانیه در اعتراض به تداوم بازداشت دستگیرشدگان روز جهانی کارگر

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اعتراضات در تهران در ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

۱۴ June ۲۰۱۹

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران در اعتراض به تداوم بازداشت دستگیرشدگان روز جهانی کارگر

عاطفه رنگریز، ندا ناجی، مرضیه امیری و کیوان صمیمی که همراه با کارگران و بازنشستگان در تجمع مقابل مجلس در روز یازدهم اردیبهشت دستگیر شدند هنوز در بازداشت به سر می‌برند.
قرار بازداشت کیوان صمیمی و مرضیه امیری را یکماه تمدید کرده اند و بازپرس پرونده به بهانه های واهی قرار کفالت عاطفه رنگریز را نمی پذیرد و وضعیت ندا ناجی هم در ابهام قرار دارد.

بیانیه سندیکای نقاشان البرز:

زنجیره‌ی حمایت از زندانیان سیاسی، نیازمند اتصال حلقه‌های تک افتاده به هم است!

سال ۹۶ با دی‌ماه باشکوه‌ش و سال ۹۷ با آذر سراسر همبستگی‌اش دو نقطه عطفی بودند که جنبش کارگری ایران را برای همیشه تغییر دادند و نوید گشودن فصل جدیدی از تاریخ سیاسی و اجتماعی این کشور بودند.

این تغییر فضا، هم‌زمان البته برای حاکمیت به معنای در لیست سیاه گذاشتن هر تحرکی بود که به نوعی به «تشکل‌یابی» و «جنبش کارگری» مرتبط باشد. بنابراین عجیب نیست که امروز یکی از سخت‌ترین دوره‌های سرکوب را از سر می‌گیرانیم: از دانشجویان تا معلمان، از بازداشت‌های فله‌ای خوزستان و کردستان تا تهران، از فعالان کارگری تا فعالان زنان، از حامیان محیط زیست تا روزنامه‌نگاران. حقیقتاً که هیچ حوزه‌ای نمانده که مشمول این بگیر و ببند‌ها نشود. با اینحال برای جنبش کارگری، به ویژه این موج سرکوب سهمگین‌تر بوده.

اما درست در چنین شرایطی که نیازمند بیشترین انسجام و اتحاد در صفوف حمایت از زندانیان

جرم این افراد تنها و تنها شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و اعتراض به فقر و فلاکت تحمیل شده به اکثریت جامعه است. مگر کارگران و بازنشستگان و دانشجویان شرکت کننده در مراسم روز جهانی کارگر چه جرمی مرتکب شده اند که این چنین باید مورد برخورد قهرآمیز قرار گیرند؟

فرزندان ما کارگران که اکنون در دانشگاه ها و مدارس مشغول به تحصیل اند بخشی از یک طبقه عظیم اجتماعی هستند که مستقیماً تحت تأثیر تمامی بی حقوقی های تحمیل شده به ما قرار دارند و تنها افق و دورنمایی که برایشان متصور است گرفتار شدن در گرداب فقر و بیکاری است.

مافیای ثروت و قدرت تمامی ثروتهای جامعه که دسترنج مستقیم ما کارگران است را از طریق اختلاس های کلان و رانتخواری سازمانیافته در اختیار گرفته و از سوی دیگر با تحمیل تورم و گرانی و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر عملاً کشور را به سوی فروپاشی اقتصادی جامعه پیش می برد و تمامی زیرساختهای تولیدی و صنعتی را با واگذاری به مافیای خصوصی به ورطه نابودی کشانده است.

در چنین شرایطی، سیاهی و تباهی زندگی، تصویر و دورنمای میلیونها نفر از کارگران و

کارگران در حال اعتراض در تهران ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

هستیم، باز هم اختلافات کهنه، رقابت‌های محفلی و تسویه حساب‌های شخصی بالا می‌گیرند. این روال معیوب و تکرارشونده‌ای است که با هر موج قلع و قمع از سر گرفته می‌شود و از قضا مطلوب دستگاه سرکوب هم است. اما بالاخره یک بار و برای همیشه باید نقطه پایانی بر این چرخه باطل گذاشت.

بدیهی است هیچ کسی نه مجاز است و نه محق که حق «نقدکردن» را از دیگری بگیرد. اما اگر هدف از هر نقدی واقعاً تأثیرگذاری است، این «نقد» بدون دفاع از حقوق زندانیان فارغ از مرام و مواضعشان، راه به جایی نخواهد برد.

بیرون از زندان فرصت و مجال نقد برای همه ما مهیاست، اما فرصت برابر برای آنانی که اسیر انفرادی شده‌اند، از اعتصاب غذا رعشه بر تنش افتاده و زیر بازجویی‌های سنگین هستند یا نگرانی و بلاتکلیفی مثل خوره روانشان را می‌جود، فراهم نیست. حفظ بقا و سلامت این زندانیان مهمترین اولویت ما – در این دوره تار و تاریک- است.

نظام زندان برای حاکمیت همیشه چندین کارکرد را با هم داشته؛ از قطع ارتباط زندانی با بیرون و منزوی نگه‌داشتنش تا در هم‌شکستن روحیه و اختلاف‌اندازی و غیره. اما یکی از این کارکردهای قدیمی، استهلاک و مرگ تدریجی و

در زندان بسر می‌برند و تعداد دیگری نیز در همین رابطه که در بازداشت بودند با تودیع وثیقه بیرون از زندان در انتظار برگزاری جلسه دادگاهی هستند. در شرایطی که این کارگران و تعداد دیگری از فعالین کارگری بخاطر اعتراض به بی‌حقوقی‌های اجتماعی در زندان‌ها بسر می‌برند، که آمار رسمی خیر از رشد اقتصادی منفی پنج درصد می‌دهد و گرانی و تورم کمرشکن کالاهای اساسی، سر تبتز سفره بی رونق کارگران شده، جامعه جولان‌گاه فقر و بیکاری است و دهها و صدها مشکل و معضل اجتماعی ناشی از این شرایط گریبان توده‌های مردم زحمتکش را گرفته است. کجاست تمهیدات و برنامه‌های دولت برای کاهش دردها و آلام طبقه کارگر؟ کدام شرایط را برای بهبود زیست و معیشت طبقه کارگر مهیا کرده‌اند؟ مگر غیر از این بوده که دولت خود بعنوان بزرگترین کارفرما همراه و همسو با دیگر کارفرمایان و تشکل‌های فرمایشی کارگران، دستمزدهای حدودا یک میلیون و پانصد هزار تومانی، که معنایی جز نابودی زندگی و معیشت کارگران ندارد، را تعیین کردند؟ مگر می‌توان انکار کرد و از نقش دولت در کنار دیگر کارفرماها در اعمال بی‌حقوقی‌های گسترده از کاهش سطح حمایت‌های حقوقی و رفاهی گرفته تا بی‌ثبات سازی روابط کار، تشکل زدایی و کاهش سطح دستمزدها که از مولفه‌های نئولیبرالی بازار کار جهانی است، سخنی نگفت؟ بر پایه‌ی چه اساس و منطق و قانونی اعتراض به چنین وضعیت اسفباری بایستی جرم تلقی شود؟

آحاد مردم را شکل داده است و دانشجویان و نویسندگان و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی به حق در کنار کارگران قرار گرفته و بدیهی ترین نیازهای انسانی شان را مطالبه می کنند.

کارگران و همسرانشان…

عاطفه رنگریز، کیوان صمیمی، ندا ناجی و مرضیه امیری با قرار گرفتن در کنار ما کارگران و دفاع از خواست و مطالبات اکثریت جامعه، شرافت جامعه را نمایندگی کرده اند. دانشجویان و فعالین اجتماعی همواره با اتحاد و حمایت از کارگران بخشی از تلاش و مبارزه علیه سرمایه داران و چپاولگران دسترنج ما کارگران بوده اند و به همین جهت مورد دستگیری و زندان قرار گرفته اند. ده ها سال است که کارگران در سراسر جهان روز جهانی کارگر را گرامی میدارند و با برپایی اعتراضات و تظاهرات به طرح مطالبات خویش اقدام میکنند اما در ایران همواره کارگران بخاطر گرامیداشت این روز مورد وحشیانه ترین سرکوب ها قرار میگیرند و دستگیر و زندانی میشوند و در روز جهانی کارگر امسال نیز قریب به پنجاه نفر از کارگران و دانشجویان و بازنشستگان دستگیر شده و هم اکنون برای همگی آنها پرونده قضائی در جریان است و در معرض

حتی قتل زندانیان (در پوشش حمله از طرف همبندی‌های غیرسیاسی و غیره) است. شکنجه #اسماعیل بخشی و ده‌ها نمونه مستندشده دیگر به کنار، دستکم خود ما تجربه مرگ ناباورانه #شاهرخ زمانی در زندان را داریم. از این رو نگرانی ما برای حفظ جان و سلامت این بازداشتی‌ها مبنای واقعی دارد.

اسماعیل بخشی که تا همین چندماه پیش زیر شکنجه بود، امروز در آستانه محاکمه با اتهامات بسیار سنگینی است؛ #علی نجاتی در این سن و سال بالا با اتهامات مشابهی در چنگال دستگاه قضایی گرفتار آمده. تعداد نامعلوم دیگری از کارگران #هفت تپه و #گروه ملی فولاد همزمان با پرونده‌های باز قضایی مواجهند. #محمد حبیبی، معلم مبارز زندانی نه فقط با خطر اخراج روبروست که مسئولین زندان اجازه درمان تومور استخوانی‌اش را به او نمی‌دهند؛ هر روز فهرست معلمان زندانی بلند و بلندتر می‌شود و معلمان جدیدی در کنار عبدی، بهشتی، قنبری، مردانی و… به زندان کشیده می‌شوند.

#جعفر_عظیم‌زاده از اتحادیه آزاد همچنان در حبس است و حامدانه در مجاورت لات‌های چاقوکش فرار داده شده؛ از آن سو پروین محمدی دیگر عضو این اتحادیه هم به دادگاه احضار شده و مریم محمدی هم اینک زندانی است و برای

جوان فارغ‌التحصیلی که با هزاران امید و آرزو درس و دانشگاهش را به پایان رسانده و حال بیکار است، کارگری که از کار اخراجش کرده‌اند یا کارگری که ماه‌ها حقوق بخور و نمیرش را به گروگان گرفته‌اند و یا بازنشسته‌ای که حقوق بازنشستگی‌اش کفاف زندگی‌اش را نمی‌دهد؛ چه دلیل منطقی برای اعتراض نکردن دارند؟ آیا می‌توان نظاره‌گر بود و زانو زد که چه هنگام زندگی‌شان کاملاً نابود می‌شود؟ چرا طبقه کارگر نبایستی سازمان‌های مستقل صنفی، سیاسی، فرهنگی و… خود را نداشته باشد؟ این در حالی که بیش از ۷۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد؛ چرا کارفرماها و سرمایه‌داران آزاد هستند برای دفاع از منافع‌شان انواع و اقسام سازمان‌ها را از اصناف و اتحادیه و حزب و… بدون هیچ ترس و واومه‌ای از برخوردهای امنیتی و قضایی بدون هیچ مانع حقوقی و قانونی تشکیل دهند؟ چرا این اقدامات برای کارفرماها و سرمایه‌داران آزاد است؟ اما برای کارگران جرم است؟ آن هم از نوع امنیتی‌اش؟ ما طبقه کارگر بایستی امر سازمان‌یابی برای دفاع از منافع طبقاتی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی‌مان و… چون اکسیرژن برای زنده ماندن تلقی کنیم و برای این مهم گام‌های مستحکمی برداریم. ما ادامه‌ی بازداشت کارگران و فعالین کارگری مذکور و صدور حکم سه ماه زندان برای عثمان اسماعیلی را ناعادلانه می‌دانیم و بر این باوریم اعتراض و اعتصاب برای دفاع از منافع و سیانت از حقوق اجتماعی طبقه کارگر در قالب سازمان‌های مستقل

کمیست ۲۴۲

صدور احکام زندان قرار دارند.

باید در مقابل این همه سرکوب و بی حقوقی ایستاد و این میزان از توحش و تعرض را عقب زد. بایست با اعتراض به تداوم بازداشت دستگیرشدگان روز جهانی کارگر نهادهای امنیتی را وادار به آزادی این دوستان نمایم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران دست تمامی دانشجویان و متحدین جنبش کارگری را به گرمی می فشارد و به تمامی کارگران و تشکل های کارگری فراخوان می دهد تا با تشدید اعتراضات خویش نسبت به ادامه بازداشت این دوستان، صدای آنها را بیشتر و قوی تر به جامعه برسانیم و از تمامی نهادهای بین المللی و اتحادیه های کارگری در سطح جهان می خواهیم تا به هر طریق ممکن به ادامه بازداشت این دستگیرشدگان اعتراض نمایند.

دروازه‌های زندان زندانیان سیاسی ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

زنده باد اتحاد دانشجویان، کارگران، معلمان و بازنشستگان

اعتراضات دانشجویان در تهران ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

اتحادیه آز اد کارگران ایران
۲۴ خرداد ۹۸

شعارهای اعتراضات دانشجویان ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

سایر فعالان ندای زنان ایران نیز پرونده‌های قضایی باز داده شده‌است. علاوه بر اینها تعدادی از اعضای #سندیکای_شرکت واحد هم در همین روزها به دلیل تجمع روز کارگر با اتهامات امنیتی مواجه و تحت محاکمه هستند و… این فهرست تمامی ندارد.

از طرف دیگر، از میان بازداشتی‌های #روز_جهانی_کارگر امسال، هنوز ۴ زن در بندند، برخی‌شان به شدت در زندان ضرب و شتم شده و آسیب‌های جدی دیده‌اند؛ اعضای #نشریه_گام با وضع جسمی خطرناک در اعتصاب غذا و نیازمند کمک پزشکی هستند. به این فهرست، احکام زندان دانشجویان متحد جنبش کارگری همچون #بیلا_حسین‌زاده را هم باید اضافه کرد.

تردید نداریم که در این دوره تار و تاریک بسیاری کسانی که ضرورت بی‌چون و چرای حمایت از فعالان دربند را درک می‌کنند، اما نمی‌دانند دقیقاً چه کنند و از کجا آغاز کنند. پاسخ اینست که به هر روشی که مقدور باشد و هزینه هرگونه تعرض و دست‌اندازی به زندانیان را برای حاکمیت گزاف کند….

شعارهای اعتراضات دانشجویان ۱۳ خرداد ۱۳۹۸

مختلف از سندیکا و اتحادیه و حزب و… نه تنها جرم نیست بلکه از حقوق اولیه اجتماعی ماست و باید برسمیت شناخته شود. در پایان ضمن اینکه خواهان مختومه شدن تمامی پرونده‌های تشکیل شده برای کارگران، فعالین کارگری و افرادی که به اتهام سیاسی در مراجع قضایی کشور بدلیل فعالیت‌های کارگری و انسانی بازداشت هستند ، هستیم و خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان دربند می‌باشیم.

۱-عثمان اسماعیلی

۲-کاوه حکیمی

3-سید علی حسینی

۴-نجیبه صالح زاده

۵-یدى صمدى

۶-اقبال (عمر) شبنای

۷-واله زمانی

۸-فریدین میرکی

۹-محمود صالحی

بیانیه حمایتی "کمیته پیگیری ایجاد

تشکل های کارگری ایران" در

همبستگی با کمپین

حمایت و دفاع از کمپین آزادی کارگران زندانی نیشکر هفت تپه، حمایت از هویت مطالبه گری تمام کارگران ایران است.

جنبش مطالباتی کارگران هفت تپه با زندانی کردن "اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر امیر قلی، امیر حسین محمدی فرد" پایان نخواهد یافت.

تجربه چندین ساله مبارزات صنفی کارگران بخش های مختلف در ایران نشان می دهد هر چه سرکوب اعتصابات و اعتراضات و اختناق شکلی خشن تر به خود گرفته، به همان میزان رشد آگاهی کارگران از وضعیت شغلی و حقوقی خودشان و به تناسب آن مطالبه گری و حق خواهی آنان بیشتر شده است.

اگر قوه قضائیه با تکرار مکرر اتهامات واهی به کارگران هفت تپه و دیگر فعالین بازداشت شده و فعالین و رهبرانی پیشرو چون "اسماعیل بخشی و با تعقیب قضایی علیه فعالینی از جمله علی نجاتی، و عسل محمدی در صدد زهر چشم گرفتن و با پیچیدن تومار اعتراضات کارگران است، باید اعلام کرد زندان و بازداشت، تنها وقفه ای کوتاه در روند این حق خواهی ایجاد خواهد کرد.

کارگران با علم به این واقعیت که درد همه آنها مشترک و در راه خواستهای خود چیزی برای دست دادن ندارند هر روز بهم پیوستگی و اتحاد برای بدست آوردن خواسته هایشان پر رنگ تر و مصمم تر گام بر خواهند داشت.

بازداشت شدگان هفت تپه بدون هیچ قید و شرطی باید آزاد شوند این خواست تمام کارگران و طبقه کارگر ایران است، آنها نه بر هم زنده امنیت اجتماعی بوده اند و نه در تپانی علیه نظام و دیگر اتهامات قید شده در احکام شان نقشی داشته اند و هرگز مستحق چنین احکام ظالمانه ای نیستند آنان خواهان حقوق اجتماعی و صنفی خود و دیگر همکارانشان هستند.

اعتراض و خواست و مطالبه آنان، همانا عین خواسته های ما کارگران است. آنها صدای اعتراض همه ما کارگران هستند. بازداشت آنها و دیگر کارگران معترض، هیچ مشکلی را برای دولت حل نخواهد کرد.

ما کارگران بر این اعتقادیم و اعلام می کنیم :

تا تحقق مطالبات خود و تامین رفاه اجتماعی و زندگی شایسته انسانی به اعتراضات مان ادامه خواهیم داد.

اگر دولت و محافظان سرمایه داری برای حفظ و تداوم "سودهای افسانه ای، اختلاس ها، دزدی و غارت و چپاول از دسترنج کارگران و زحمتکشان تلاش می کنند ما کارگران نیز برای آزادی و تامین رفاه، از خواست آزادی تشکل و آزادی اعتراض و کلیه حقوق شایسته انسانی خود کوتاه نخواهیم آمد...

کمیته پیگیری، از کمپین آزادی زندانیان هفت تپه حمایت می کند و خواهان آزادی تمامی کارگران و فعالین زندانی و برچیدن احکام قضایی از پرونده دیگر فعالین کارگری و سیاسی است.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

۲۹ تیر ۹۸

اسماعیل بخشی و حامیان

بازداشتی اعتراضات کارگران

هفت تپه را آزاد کنید

سال ۹۷ کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل مطالبات عقب افتاده از جمله، تاخیر چند ماهه دستمزد، خصوصی سازی، عدم بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل، عدم برخورداری از امنیت شغلی و غیره دست به اعتراض و اعتصاب زدند. این اعتراضات به دلیل بی توجهی مدیران شرکت و مسئولین دولتی از سوی کارگران افزایش یافت و حدود یک ماه کارگران بصورت راهپیمایی در سطح شهر در مقابل فرمانداری شهر شوش فریاد حق خواهی سردادند. این اعتراضات به دلیل همبستگی کارگران و خانواده های شان، سایر اقشار و حمایت طبقه کارگر ایران و اتحادیه های کارگری جهانی بی نظیر بود. نهادهای امنیتی-قضایی از ترس فراگیر شدن و گسترده تر شدن اعتراضات و اعتصابات و سرایت آن به بخش های دیگر کارگری با شدت هر چه بیشتر اعتراضات و اعتصابات را سرکوب کرد.

اسماعیل بخشی نماینده کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران پیشرو توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. با فشار بر کارگران و تشکیل پرونده قضایی برای کارگران و بازجویی و ارباب آنان اعتصاب خاتمه یافت. با گذشت حدود هشت ماه از اعتصاب، به دلیل عدم برآورده شدن مطالبات کارگران و هراس از موج تازه اعتراضات،

جای کارگران و فعالین کارگری

زندان نیست!

کارگران! زحمتکشان! مردم آزادیخواه و برابری طلب!

همچنان که مستحضرید پس از اوج گرفتن اعتراضات کارگران نیشکر هفته و فولاد اهواز در سال 97 به حقوقهای معوقه و روند خصوصی سازیها و عدم امنیت شغلی و غیره، کارگران این دو واحد تولیدی به همراه خانواده هایشان حدود یکماه در خیابانهای شوش و اهواز و با طرح مطالبات واقعیشان دست به اعتراض و اعتصاب زدند که با حمایت گسترده در دیگر بخشهای کارگری چه در داخل ایران و چه در سطح بین المللی مواجه شد.

پس از این اعتراضات محافظان سرمایه از ترس فراگیر شدن این اعتراضات و اعتصابات و به صورت قهرآمیز دست به سرکوب این اعتراضات و حامیان آن زدند. از جمله اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه و علی نجاتی کارگر بازنشسته هفت تپه و سپیده قلیان خیرنگار مستقل و دیگر فعالین کارگری از جمله عسل محمدی امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری و امیر امیرقلی که در حمایت از این اعتراضات قلم میزدند تا صدای آنان را به گوش همطبقه هایشان برسانند در دستور کار نهادهای امنیتی و قضایی قرار گرفت تا بار دیگر ضدیت خود را با طبقه کارگر ایران به اثبات برسانند.

اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه، ساناز الهیاری و امیر حسین محمدی فرد و سپیده قلیان و امیر امیرقلی با گذشت بیش از شش ماه بازداشت و با وجود پایان بازجوییهایشان و حتی بدور از قوانین قضایی حال حاضر ایران همچنان به صورت کاملاً غیر قانونی بازداشت و بلاتکلیف میباشند.

امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری همسرش در اعتراض به این رویه معمول مقامات امنیتی و قضایی و دیگر حقوق زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زده اند.

در این میان ساناز الهیاری که در پی وخیم شدن وضعیت جسمانی چندین بار به بهداری زندان منتقل شده بود پس از دوازده روز و با اسرار خانواده و همسرش دست از اعتصاب غذا کشید،

نیروهای امنیتی-قضایی کماکان احضار کارگران معترض به دادگاه را در دستور کار دارند و تعداد زیادی از کارگران را احضار و تهدید کردند و اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران با گذشت بیش از شش ماه از بازداشت، همچنان بلاتکلیف در زندان اوین محبوس است.

علاوه بر ایجاد فشار نهادهای امنیتی-قضایی بر کارگران، بخشی از حامیان طبقه کارگر که اخبار اعتصاب را پوشش و در حمایت از کارگران قلم می راندند نیز در جریان اعتصاب و پس از آن بازداشت شدند. برای ارباب بیشتر کارگران و کل طبقه کارگر که از اعتصاب آنان حمایت می کردند، بر خلاف قانون و رویه جاری قضایی با وجود اینکه حدود پنج ماه است بازجویی شان خاتمه یافته و می بایست با ضمانت متناسب آزاد شوند اما همچنان چهار تن از آنان بلاتکلیف در زندان نگه داشته شده اند.

سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیرحسین محمدی فرد و امیر امیرقلی که در حمایت از کارگران هفت تپه قلم می راندند بیش از شش ماه است بلاتکلیف در زندان هستند. ساناز الهیاری و همسرش امیرحسین محمدی فرد در اعتراض به تداوم بازداشت موقت خود و دیگر بازداشت شدگان، که بدون توجیه قضایی زندانی هستند، اعتصاب غذا کرده اند. ساناز الهیاری به دلیل ضعف شدید جسمانی بارها به درمانگاه زندان منتقل شد و با اصرار همسرش و خانواده خوشبختانه پس از دوازده روز دست از اعتصاب غذا کشید و امیرحسین محمدی فرد در پانزدهمین روز اعتصاب غذا قرار دارد و نگرانی های جدی در مورد وضعیت جسمانی وی وجود دارد.

اما همچنان امیر حسین محمدی فرد در بیست و ششمین روز اعتصاب غذایش دچار افت شدید فشار خون و سرگیجه شده و چندین بار نیز توسط همبندیهایش به بهداری اوین منتقل شده است که پزشکی بهداری هشدار جدی و احتمال خونریزی داخلی را داده است.

از طرفی سپیده قلیان که از یکم مرداد دست به اعتصاب غذا زده است در پی وخامت و ضعفیت جسمانی بیهوش و به بهداری منتقل گردیده است.

استقامت و عظم استوار این عزیزان مورد حمایت گسترده کارگران و فعالین کارگری و اجتماعی و دیگر مردم آزادیخواه ایران و جهان قرار گرفته است و از طرفی ادامه وضعیت حیاتی این فرزندان راستین طبقه کارگر موجی از نگرانی را برای خانواده هایشان و دیگر بخشهای پیشرو جامعه داشته است.

لذا ما جمعی کثیری از کارگران و فعالین کارگری سندج و خانواده هایمان حمایت بی دریغ خود را از خواسته ها و مطالبات این عزیزان اعلام میداریم و آزادی بی قید و شرط تمامی آنها و متوقف کردن تعقیب قضایی و پرونده سازی برای کارگران و فعالین کارگری از جمله اسماعیل بخشی، امیر حسین محمدی فرد، ساناز الهیاری،

فعالیت های صورت گرفته توسط اسماعیل بخشی نماینده کارگران و سایر بازداشت شدگان که در حمایت از کارگران قلم رانده اند و اکنون بلاتکلیف در زندان هستند نه تنها جرم نیست بلکه به دلیل حمایت از کارگران ارزش می باشد و طبیعی است که به حمایت از هم طبقه ای های خود برآیند. اما به دلیل هراس از فریاد حق طلبی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر مزدبگیران، دستگاه امنیتی-قضایی بجای مقابله با زندان و اختلاس گران سرمایه های ملی، مذبحخانه فشار بر کارگران و معلمان پیشرو و حامیان کارگران را افزایش داده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نگرانی خود را از ادامه اعتصاب غذای امیرحسین محمدی فرد اعلام می کند و مسولیت هر اتفاق ناگواری در ادامه اعتصاب غذای وی را متوجه دستگاه امنیتی-قضایی می داند. همچنین همگی بازداشت شدگان باید فوری و بی قید و شرط آزاد گردند و تعقب قضایی از آنان و علی نجاتی عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و عسل محمدی که در همین ارتباط به قید ضمانت آزاد هستند باید متوقف شود. سندیکا از ارتباطات کارگری خود در سطح ایران و جهان برای حمایت آنان استفاده خواهد کرد.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

زنده باد همبستگی کارگران

رونوشت:

سازمان جهانی کار (ILO)

سندیکاها و اتحادیه های سایر نقاط جهان

سپیده قلیان، علی نجاتی و عسل محمدی و بازداشت شدگان روز جهانی کارگر ندا ناجی، عاطفه رنگریز و آنیسا اسدالهی را خواستاریم و عواقب ناشی از هر نوع اتفاق ناگواری را برای این عزیزان متوجه مقامات قضایی و امنیتی و مسئولین زندانها میدانیم و در پایان ضمن ارج نهادن و احترام به تصمیم این عزیزان در ادامه اعتصاب غذای خود تا رسیدن به خواسته هایشان از این رفقای گرانقدر تقاضا نمودیم برای تداوم مبارزه خود که تا این لحظه صدایشان برای طبقه کارگر ایران و جهان رساتر شده خواستاریم که اعتصاب غذای خود را پایان دهند و تاب و توان خود را در ادامه هر چه هموارتر کردن مسیر مبارزه طبقاتی تا رسیدن به دنیای آزاد و برابر قرار دهند.

جمع کثیری از کارگران و فعالین کارگری سندج و خانواده هایشان

۷/۵/۹۸

مکتبیسست هفتگی: به سردبیری فواد عبداللہی دوشنبه ها منتشر میشود

fuaduk@gmail.com

کمونیست: به سردبیری خالد حاج ممدی ماهانه منتشر میشود

Khaled.hajim@gmail.com

نشریه نیئا : نشریه دفتر کردستان مزب، به سردبیری ممد فتاحی منتشر میشود

m.fatahi@gmail.com

از سایت های زیر دیدن کنید

www.hekmatist.com

www.hekmat.public-archive.net

www.koorosh-modaresi.com

www.pishvand.com

www.marxhekmatociety.com

به نام انسانیت، عدالت و آزادی

بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی

بند ۴ زندان اوین

به طور یقین آزادی خواهان و نیروهای مترقی از اروپا و آمریکای شمالی گرفته تا ایران در جریان بی حقوقی های اعمال شده علیه دو تن از زندانیان سیاسی که نزدیک به ۳ ماه است در بند ۴ و بند بانوان زندان اوین به اسامی ساناز اللهیاری و امیرحسین محمدی فرد عضو هیات تحریریه و سردبیر نشریه گام هستند، در بازداشت موقت و بلاتکلیفی به سر می برند. این زوج فعال سیاسی در تاریخ ۱۹ دی ماه ۹۷ از سوی وزارت اطلاعات بازداشت و به بند امنیتی ۲۰۹ منتقل شدند. با گذراندن بیش از ۴ ماه که تحت فشار بازجویی و تحقیقات امنیتی قرار گرفته بودند، در تاریخ هفتم اردیبهشت ۹۸ توسط شعبه ۷ بازپرسی دادسرای مقدس و شخص شاه محمدی وثیقه شدند؛ اما به دلایل نامعلوم و فراقانونی از فردای اعلام وثیقه، از اجرای آن بدون توضیحی جلوگیری به عمل آمد. لازم به تاکید است که پس از حقوق از دست رفته ی این زوج فعال سیاسی و روزنامه نگار، در تاریخ ۱۳ تیرماه سال ۹۸ به طور همزمان اقدام به اعتصاب غذا کردند و با تعجب

همان تاریخ شروع اعتصاب از جانب عوامل زندان، مقامات قضائی و مطمئنا عناصر امنیتی، ملاقات های حضوری و تماس تلفنی این زوج با یکدیگر و با خانواده هایشان تا امروز قطع شده است.

لازم به ذکر است این عمل از سوی عوامل فوق مصداق آزار روحی بر امیرحسین محمدی فرد و ساناز اللهیاری و فشار روانی بر خانواده هایشان است. در ضمن لازم به توضیح است این محدودیت ها بدون هیچ دستور قضائی و ابلاغ آن انجام شده است. حال از شما مردم آزادی خواه می پرسیم که آیا این غرض ورزی شخصی که مطمئنا و بدون تردید از جانب ضابطینی که در حق زندانیان سیاسی روا داشته می شود و خود را بالاتر از «قانون» می دانند و طعنه به بی کفایتی و به بی لیاقتی دستگاه قضائی می زنند، چگونه و با چه سلاحی باید از سوی ما زندانیان سیاسی پاسخ داده شود؟!

از همین روی ساناز اللهیاری و امیرحسین محمدی فرد چاره ای در این اقدام ندیدند که از تاریخ ۱۳ تیرماه امسال دست به اعتصاب غذای همزمان بزنند که عارضه ی اعتصاب باعث شد ساناز اللهیاری در تاریخ ۲۵ تیرماه ۹۸ به علت ضعف شدید جسمی به کما رفته و پس از احیا شدن و بازگشت به زندگی، باز هم ۳ روز دیگر به اعتصاب ادامه دهد که با تقاضای همسرش دست از اعتصاب می کشد. این در حالیست که امیرحسین محمدی فرد استوار و مصمم علی رغم

نه تنها جرمی مرتکب نشده‌اند که به حق شهروندی و انسانی خود عمل کرده‌اند. «کانون در پایان بیانیه «با تاکید برحق آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا «خواهان» آزادی فوری و بی‌قیدوشرط «بازداشت‌شدگان اعتراضات هفت تپه شده است.

متن کامل بیانیه:

در باره‌ی محاکمه‌ی کارگران معترض و مدافعان آنها روز ۱۲ مرداد سال جاری قرار است اسماعیل بخشی نماینده‌ی کارگران نیشکر هفت‌تپه، سپیده قلیان فعال کارگری، علی نجاتی عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و امیرحسین محمدی‌فرد، ساناز اللهیاری، امیر امیرقلی و عسل محمدی اعضای نشریه‌ی اینترنتی گام در شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی مقیسه محاکمه شوند. در سال گذشته چند هزار کارگر شرکت نیشکر

بیانیه “کانون نویسندگان ایران“

درباره‌ی محاکمه‌ی

بازداشتی‌های هفت‌تپه

روز ۱۲ مرداد دادگاه اسماعیل بخشی و علی نجاتی از نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، سپیده قلیان فعال کارگری و امیرحسین محمدی‌فرد، ساناز اللهیاری، امیر امیرقلی و عسل محمدی از نویسندگان نشریه‌ی اینترنتی گام در شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. همه‌ی آنها در جریان اعتراض‌های سال گذشته‌ی کارگران شرکت هفت تپه بازداشت شده‌اند. کانون نویسندگان ایران در باره‌ی این محاکمه بیانیه منتشر کرد. در بخشی از بیانیه که امروز منتشر شده است، آمده: «متهمان دادگاه ۱۲ مرداد حتی با معیارهای حداقلی حقوق شهروندی،

محاکمه نان، کار، آزادی،

محاکمه خواست و مطالبه

کارگران و زحمتکشان است!

در شرایطی که مزد بگیران بمثابه گسترده ترین طبقهٔ اجتماعی در برگیرندهٔ کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان و دانشجویان، در محرومیت و بی حقوقی مطلق زیر بار بحران های همه جانبه، به شکل فزاینده ای نان، کار، رفاه و آزادی، محیط زیست ... و به یک کلام ابتدایی ترین نیازهای انسانی خویش را از کف داده اند، کوچکترین چشم اندازی جز فلاکت عمومی پیش روی خود نمی بینند.

فریاد اعتراض و مطالبه گری اکثریت زحمتکش در خیابان ها، تجمعات مکررمقابل نهادهای مسئول و اعتصابات در مراکز کار و تحصیل علیه فقر و گرانی، مزدهای حداقلی، بدون افزایش و معوقه، عدم امنیت شغلی، بیکاری، عدم تأمین اجتماعی فراگیر، بهداشت و بیمه ناکارآمد، خصوصی سازی و کالایی شدن تمام بخش های مختلف اجتماعی، رفاهی و برخورداری از مسکن ،حقی مسلم و قانونی است که متولیان حاکم

ضعف روحی و جسمی به اعتصاب و اعتراض بر حقتش، تا برآورده شدن خواسته های به حق این زوج نامبرده پا پس نخواهد کشید. ادامه چنین وضعیتی از نظر ما زندانیان سیاسی کاملاً غیر انسانی است. لازم به ذکر است که به گفته بهداری زندان پلاکت های خون و مواد معدنی بدن وی افت قابل توجهی داشته و فشار خون امیرحسین محمدی فرد نیز در حال افت است؛ و به طور خلاصه در وضعیت خطرناکی به سر می برد. ما جمعی از زندانیان سیاسی بند۴ اوین دیگر تاب دیدن هم بند خود را در این حال اسفبار نداریم و طبعات جسمانی ایشان را از چشم مسئولین می دانیم. که گویا صفات انسانی را فراموش کردند!

لذا ما صراحتاً اعلام می کنیم که خواهان رسیدگی عوامل امنیتی، قضائی و مقامات زندان به رسیدگی به پرونده مذکور هستیم. ما زندانیان سیاسی بند۴ اوین از شما اصحاب رسانه و مردم آزادی خواه و عدالت طلب که در همه حال در کنار ما بوده اید، تمنا می کنیم که پوشش خبری لازم را داده و صدای بریده و خفه شده در گلو ی ما باشید و خواسته ما را به گوش مردم شریف و مسئولین، نهادهای حقوق بشری و سازمان بین الملل برسانید، به امید اینکه گره ای از مشکلات عدیده ی این دو عزیز باز شده و به مطالبات بر حق شان برسند؛ در ضمن وضعیت بد زندانیان سیاسی و شرایط نامناسب گذراندن زندگی ما زندانیان سیاسی مطرح و مورد توجه قرار گیرد. ما خواهان عدالت، برابری و انسانیت هستیم و

هفت تپه برای حفظ شغل و گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده‌شان دست به اعتراض زدند و کسانی را به نمایندگی انتخاب کردند؛ کسانی اخبار و گزارش‌های آن اعتراض‌ها را بازتاب دادند. حال آن نمایندگان و مدافعان و بازتاب‌دهندگان پس از ماه‌ها بازداشت و تحمل رنج فراوان قرار است چند روز دیگر به دادگاه برده شوند.

از آنها دو تن نماینده‌ی کارگران معترض‌اند و پنج تن دیگر نویسنده و فعال رسانه‌ای. پیداست که تشکیل دادگاه برای آنها و جرم‌انگاری اعتراض و بازتاب اخبار و نوشتن پیرامون مسائل آن به معنای محاکمه‌ی آزادی بیان است. متهمان دادگاه ۱۲ مرداد حتی با معیارهای حداقلی حقوق شهروندی، نه تنها جرمی مرتکب نشده‌اند که به حق شهروندی و انسانی خود عمل کرده‌اند. هر جامعه‌ای بدون وجود و حضور این‌گونه انسان‌ها به قهقرا می‌رود. آنها، بر خلاف انشای سیستم

فراخوان گزارشگران!: به کمپین

دفاع از دستگیرشدگان هفت تپه

پیوندیم!

آزادگان و مدافعان حقوق کارگر!

همچنان زنان و مردانی که در دفاع از حقوق کارگران تظاهراتی مسالمت آمیز برگزار کردند، در اسارت بسر میبرند.

#اسماعیل_بخشی ، #سپیده_قلیان #مرضیه_امیری #ندا_ناجی #عاطفه_رنگریز #انیشا_اسدالهی و پر_شمار فعال کارگری و معلمان و دانشجویان و همچنین آزاد زنان دیگر در بازداشت بسر میبرند .

#سهیل_عربی، #امیر_امیرقلی، #ساناز_لهیاری و #امیرحسین محمدی فرد و همچنین #اسماعیل_عبدی، #محمد_حبیبی و #حمود بهشتی_لنگرودی، سه عضو سرشناس کانون معلمان نیز از جمله زندانیان هستند.

تعدادی از این عزیزان هم اکنون در میان زندانیان

کمونیت ۲۴۲

همیشه امیدواریم روزی شاهد آزادی کشور ایران باشیم.

همراه شو عزیز

کین درد مشترک،

هرگز جدا جدا درمان نمی شود.

امضا؛ جمعی از زندانیان سیاسی بند ۴ زندان اوین:

- ۱.حسین سرلک
- ۲.مهدی مسکین نواز
- ۳.پیمان جمشیدی ها
- ۴.پرزان محمدی
- ۵.محسن امین پور
- ۶.مرتضی نظری
- ۷.وحید بنی عامریان
- ۸.حسین امین پور
- ۹.لقمان امین پور
- ۱۰.ارضا محمد حسینی
- ۱۱.خالد پیرزاده
- ۱۲.بهرروز زارع
- ۱۳.مهران رضایی
- ۱۴.احمد غلامی

تاریخ انتشار:

۹۸/۵/۹

دادرسی و محاکم، ضامن "امنیت" اجتماعی مردم هستند.

در شرایطی که حاکمان توانایی حل مشکلات ویرانگرجامعه را ندارند تشکیل این دادگاه‌ها در راستای معترض‌زدایی از راه ایجاد هراس و زندان و شلاق و اعدام است. هم از این روست که شمار دادگاه‌ها روند افزایشی دارد و به حکم‌های سنگین ختم می‌شود.

کانون نویسندگان ایران با تاکید برحق آزادی بیان بی‌هیچ حصر و استثنا، برگزاری چنین دادگاه‌هایی را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، امیرحسین محمدی‌فرد، ساناز اللهیاری، امیر امیرقلی، عسل محمدی و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

کانون نویسندگان ایران

۱۰مرداد ۱۳۹۸

بخش جرائم عمومی نگهداری میشوند. چندی پیش یکی از زندانیان سیاسی در همین شرایط بقتل رسیده است. جان این زندانیان در خطر جدی است.

ما فعالین سیاسی و اجتماعی و نهادها و رسانه ها بسهم خود این صدای دادخواهانه را طنین می افکنیم و به کمپین دفاع از دستگیر شدگان هفت تپه می‌پیوندیم:

برای تحقق آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری و فعالین سیاسی و اجتماعی و همه زندانیان سیاسی

منبع: گزارشگران

لینک منبع فراخوان و افراد و نهادها:

<https://bit.ly/2JHoY5v>

لینک دانلود ترجمه انگلیسی:

http://gozareshgar.com/fileadmin/gozareshgar/Gozarshgaran_appeal_7_tapeh.docx

کمپین آزادی بازداشت‌شدگان هفت‌تپه و زندانیان ترقی‌خواه:

<t.me/zendani7tapeh>

۱۰ مرداد ۹۸

«گروه اتحاد بازنشستگان»

بیانیه تعدادی از انجمن‌های صنفا کارگران ساختمانی در حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تپه

کارگران و زحمتکشان ایران

بیش از ۵ ماه است که تعدادی از کارگران

از جمله؛ اسماعیل بخشی فعال کارگری، سپیده

در حاشیه آغاز محاکمات کارگران و فعالین کارگری و دستگیری تجمع کنندگان مقابل

دادگاه

عوامل سرمایه که از پاسخگویی به خواسته‌های ابتدایی کارگران عاجز بوده و نه می‌خواهند و نه می‌توانند به این خواسته‌ها از جمله حق ایجاد تشکل‌های مستقل و حق برگزاری روز جهانی کارگر و خواسته‌های معیشتی آنان از قبیل حداقل دستمزد متناسب با هزینه‌های زندگی، برقراری امنیت شغلی، پرداخت حقوق معوقه و ... تن دهند راهی جز سرکوب و بازداشت و بگیر و ببند نمی‌شناسند. از این رو شمشیر را از رو بسته و به هر حرکت آزادیخواهانه و حق طلبانه‌ای با تهدید و بازداشت و احکام سنگین پاسخ می‌دهند.

در ماه‌های اخیر این فشارها ابعاد مضاعفی به خود گرفته و در همین راستا عده‌ای از کارگران و فعالین کارگری و دانشجویی و ... دستگیر و به احکام سنگین محکوم می‌شوند.

اسماعیل بخشی، علی نجاتی، محمد خنیفر از کارگران هفت‌تپه، و سپیده قلیان، امیر حسین محمدی‌فرد، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و عسل محمدی اعضای نشریه گام هستند که تنها به دلیل احقاق حقوق حقه و دفاع از منافع خود و هم طبقه‌ای‌ها اینچنین مورد سرکوب قرار گرفته‌اند.

محاکمات در بسته دوازدهم مرداد فعالین کارگری و حامیان بازداشتی این فعالین در همین راستا بوده و اهداف مشخصی را دنبال می‌کند.

در هم شکستن مقاومت کارگران و فعالین و از هم گسستن ارتباط بین تشکل‌های کارگران با فعالین کارگری و دانشجویی از جمله این اهداف می‌باشد.

حامیان و گماشتگان سرمایه در دوازدهم مرداد ماه، روز شروع محاکمات نیز مجددا اقدام به دستگیری تجمع کنندگان از جمله #فرید_لطف_آبادی، #هیراد_پیر_بدایقی، #رهام_یگانه و #سحر_شهرابی نمودند.

سرکوبگران غافل از این حقیقت هستند که واقعیت عینی موجود و شرایط به غایت نابسامان معیشتی کارگران و توده‌های محروم خواه ناخواه زمینه‌ساز اعتراضات کارگری بوده و خواهد بود و این تهدیدها و بگیر و ببندها نمی‌تواند تأثیر اساسی و پایداری بر این اعتراضات داشته باشد.

با اعتراض به این سرکوب‌ها همبستگی طبقاتی را گسترده تر از پیش کنیم و با تقویت پیوندهای میان خود در حد توان نگذاریم ایادی سرمایه بیش از این به اقدامات سرکوبگرانه‌شان ادامه دهند.

کارگران، فعالین کارگری و دانشجویان، در زندانهای سرمایه‌مورد ضرب و شتم و اذیت و آزار قرار گرفته و تعدادی از آنها دست به اعصاب غذا زده و در وضعیت وخیمی به سر می‌برند.

قلیان فعال اجتماعی و اعضای تحریریه نشریه گام در ارتباط با اعتراضات و اعتصابات بر حق کارگران نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد خوزستان بازداشت شده اند.

این کارگران به زندگی زیر خط فقر و شرایط اسفبار معیشتی و غارت اموالشان تحت عنوان خصوصی سازی دست به اعتراض زدند و با اعتصابشان این شرایط غیر انسانی را به گوش جامعه رسانند.

جرم اسماعیل بخشی و مدافعین حق خواه اعتصابات هفت تپه و فولاد چیزی جز اینکه از نان سفره کارگران حمایت کرده اند نیست. این در حالیست که طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد است.

نان، کار، آزادی خواسته آنها و همه ماست. با حمایت گسترده از کارگران و فعالین و دانشجویان دربند که خواسته‌های همه ما را فریاد کرده‌اند، ایادی سرمایه را عقب رانده و

نگذاریم بیش از این احساس قدر قدرتی کنند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

@khamahangy

طومار حمایتی جمعی از فعالین کارگری و اجتماعی شهر سنندج

ما خواستار برداشته شدن برخوردهای پلیسی و اتهامات امنیتی در قبال اعتراضات برحق کارگران و فعالین کارگری حامی آنها و آزادی بی قید و شرط #زندانیان_هفت_تپه هستیم.

"حمایت از کارگران بازداشتی هفت‌تپه و هیات تحریریه #نشریه_گام؛ این زندانیان آزاد باید گردند"

ما امضا کنندگان زیر ضمن حمایت از مطالبات و خواست های زندانیان نیشکر هفت‌تپه و اعضای نشریه گام، هرگونه پرونده سازی و بازداشت برای این عزیزان را محکوم می‌کنیم.

امضا کنندگان :

اشرف پیرخضری - کاوه کریمی
صبح باسامی - کاوه احمدی
پیشکو فاتحی - مهدی غفاری
جهانگیر هاشمی - سالار لطیفی
عدنان فتحی - هاوژین لطیفی
ارمین شریفه - رضا شریفه
آزاد خوانچه زر - چیا خوانچه زر
چنور خوانچه زر - بهزاد عزیززی
ایوب محمدی - مرضیه عزیززی - گلاله محمدی - ارام صادقی - حسن یعقوبی - طاها شاهمرادی - شوبو الله ویسی

در شرایطی کارگران و فعالین کارگری را زیر فشار و اتهامات امنیتی قرار میدهند که بحران اقتصادی موجود گلوی زندگی کارگران و خانواده هایشان را روز به روز بیشتر می فشارد و کارگران را با انواع تهدیدات از جمله اخراج، دستمزدهای معوقه، دستمزد پایینتر از خط فقر و بیکاری محکوم می‌کنند در حالی که کارگران مسئول به وجود آمدن هیچکدام از بحران‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی طول تاریخ نبوده اند.

ما، انجمن‌های صنفی کارگران ساختمان به عنوان امضاکننده گان این بیانیه ضمن اعلام حمایت از مطالبات برحق کارگران و مدافعین آنها، برخوردهای امنیتی با حق خواهی کارگران و فعالین کارگری را قویا محکوم میکنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان هستیم.

۱: انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد

۲: انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی کامیاران

۳: انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی سقز

۴: انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی بانه

۵: انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی دیواندره

۹۸/۵/۱

گلگشت جمعی از کارگران و فعالین کارگری سنندج در حمایت از زندانیان نشریه گام و هفت تپه و بازداشت شدگان اول ماه مه

"ما خواستار پایان بخشیدن به هر سطحی از فشار بر فعالین کارگری می‌باشیم"

#اسماعیل_بخشی #امیرحسین_محمدی_فرد #ساناز_الهیاری #سپیده_قلیان
#امیر_امیرقلی #زندانیان_هفت_تپه #نشریه_گام

اولین اصلی که کارگر

باید در رد و قبول یک

قانون کار در نظر بگیرد

اینست که من بعنوان یک

عنصر آزاد در این جامعه

در سرنوشت خودم، در

محیط کار خودم، در

تعیین اینکه نیروی کارم را

دارم در ازاء چه

میفروشم و در چه

شرایطی قرار است کار

کنم و غیره، چقدر سهم و

نقش دارم. اولین

شاخص اینست که کارگر

بعنوان یک عنصر آزاد و

یک شهروند صاحب

اختیار ظاهر بشود.

منصور حکمت

بیانیه‌ی حمایتی جمعی از فعالین

کارگری گیلان از بازداشتیان

هفت‌تپه

چند ماه از دستگیری و شکنجه‌ی اسماعیل بخشی، این نماینده‌ی شجاع و صادق هفت‌تپه می‌گذرد. جرم اسماعیل بخشی چه بود که این چنین مدافعان سرمایه را خشمگین ساخته و با حبس و شکنجه در حال انتقام‌گیری از او و سایر فعالین کارگری هستند؟ گناه نابخشودنی‌شان، انعکاس صدای اعتراض کارگران گرسنه و دردمند هفت‌تپه بود. علی نجاتی، سپیده قلیان، امیر امیرقلی، ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی‌فرد و عسل محمدی به همین دلیل با واکنش قهری حاکمیت مواجه شده و در اسارت به سر می‌برند.

حامیان سرمایه که از حل مشکلات معیشتی و اقتصادی میلیون‌ها مردم زحمتکش این سرزمین ناتوان هستند، راه حل خاموش کردن صدای اعتراض کارگران را در سرکوب بی‌رحمانه پیشروان و رهبران عملی آنها جستجو می‌کنند. در حالی که با گسترش بحران رو به تزاید اقتصادی و تحمیل گرسنگی، فقر و فلاکت به میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر، خشم و کینه‌ی طبقاتی آنها را بیش از پیش بیدار کرده و به اجبار به میدان مبارزه برای دستیابی به زندگی بهتر و انسانی‌تر می‌کشانند.

ما جمعی از فعالین کارگری گیلان هم‌گام و هم‌صدا با رفقایمان در تبریز، سنندج و سایر مناطق ایران، ادامه‌ی بازداشت فعالین کارگری هفت تپه را محکوم کرده و خواهان آزادی بی‌قید و شرط آنها و همه‌ی فعالین سیاسی و اجتماعی هستیم.

#اسماعیل_بخشی

#ساناز_الهیاری

#امیرحسین_محمدی_فرد

#امیر_امیرقلی

#سپیده_قلیان

بیانیه‌ی حمایتی فعالین کارگری و

دانشجویی تبریز از بازداشتیان و

کارگران هفت تپه

سرکوب فعالین کارگری دردی از بیماری لاعلاج و رو به تزاید «بحران سیستماتیک» را درمان نخواهد کرد.

سرکوب فعالین کارگری دردی از بیماری لاعلاج و رو به تزاید «بحران سیستماتیک» را درمان نخواهد کرد.

شعله‌های آتش افکنده شده بر کاخ ددخویان و سرمایه‌داران از یک سال پیش هنوز زیبانه می‌کشد. داغ اعتصابات و شعارهای کارگران به ستوه آمده‌ی «نیشکر هفت‌تپه» چنان بر دل ستمگران مانده است که اکنون از در انتقام برآمده‌اند.

آن‌ها در پی آنند که با صدور احکام سنگین و تعیین مجازات‌های غیرانسانی برای رهبران این اعتصابات، از جمله اسماعیل بخشی، علی نجاتی و دیگر همراهان در بندشان: سپیده قلیان، ساناز اللهیاری، امیرحسین محمدی‌فرد، امیر امیرقلی و عسل محمدی، از کل طبقه‌ی کارگر ایران زهر چشم بگیرند.

جنبش کارگران هفت‌تپه، فصل جدیدی از مبارزه علیه ستم طبقاتی از سوی کارگران برای احقاق حقوق این طبقه و ترجمان "ما"ی جمعی از جانب آن‌ها بود. این حرکت اعتراضی، ادامه‌ی راه آغاز شده توسط شاهرخ زمانی‌ها و کوروش بخشنده‌ها بود که در سال‌های گذشته توسط فعالین کارگری دوام یافته و با پیوند و همراهی با جریانات دانشجویی و معلمان، در هفت‌تپه عینیت مضاعفی پیدا کرد.

حرکت اعتراضی کارگران هفت‌تپه، نه تنها در اعتراض به حقوق معوق -منجر به گرسنگی- و خصوصی‌سازی -که معنای اصلی آن تاراج و ارزان‌فروشی اموال ملی به نفع عده‌ای ویژمخوار است-، بلکه اعتراض به قوانین ضدکارگری و وضعیت زیست‌هی کارگران و پنجاه میلیون مردمی است که زیست کارگری دارند.

بعد از اعتراضات سراسری دی‌ماه که اعتراض علیه گرسنگی و بیکاری از طرف تهیدستان بود، جنبش هفت‌تپه تأثیرگذارترین جریان بر علیه سیاست‌های اقتصادی حاکمیت، جریان‌های اعتراضی دیگر اعم از معلمان و دانشجویان و

فریاد شعار «ما گرسنه‌ایم» بود.

این حرکت آگاهی‌ساز و رهایی‌بخش فقط با سرکوب و بازداشت فعالین این جریان تلافی می‌شد تا از فراگیر شدن آن جلوگیری شود.

اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و متعاقب آن اعتصابات کارگران فولاد ملی اهواز در سال گذشته، جنبش اعتراضی را عموماً و جنبش طبقه‌ی کارگر ایران را خصوصاً اعتلاء بخشید. «برآمد «و نمود عینی این اعتلاء، طرح شعار «نان، کار، آزادی - اداره‌ی شورایی» بود.

"آن‌ها" زمانی که با این شعار مواجه شده و به عمق نقش سازمانگر آن -که البته گناهی‌ست نابخشودنی- پی بردند، شروع به سرکوب کارگران و پرونده‌سازی برای فعالین و کارگران کردند.

بله! ترس ستمگران از طبقه‌ی کارگر ایران و علت برخورد قهری آن‌ها با فعالین این طبقه را باید در شعار فوق جستجو کرد. چرا که از سویی تکتک اجزاء این شعار، انعکاس شعار تاریخی و برزمین مانده‌ی زحمت‌کشان بود -و دقیقاً به همین اعتبار نیز "محق" ، و از طرف دیگر نه می‌خواهند و نه حتی می‌توانند به این شعارها پاسخ مثبت بدهند. از این روی، ستم فزاینده در دستور کار قرار می‌گیرد.

اما این جنبش نیز ثابت کرده است ققنوس‌وار از خاکستر خود هربار صدها ققنوس دیگری می‌زاید، روبین‌تن‌تر از گذشته…

ما فعالین کارگری و دانشجویی تبریز، ضمن محکوم کردن بازداشت‌های سرکوبگرانه‌ی فعالین کارگری هفت‌تپه، اعضای تحریریه‌ی نشریه‌ی گام و بازداشتیان روز کارگر، از جمله ندا ناجی، عاطفه رنگریز، مرضیه امیری و آنیشا اسدالهی، خواهان آزادی بی‌قید و شرط آن‌ها هستیم.

حرکت اعتراضی کارگران هفت‌تپه، نه تنها در اعتراض به حقوق معوق -منجر به گرسنگی- و

سلام و درودهای گرم ما از آذربایجان، دیار صمد بهرنگی و شاهرخ زمانی بر مقاومت دلیرانه‌ی کارگران نیشکر هفت‌تپه

در حمایت از زندانیان سیاسی به

میدان بیائیم

فشارهای وارده بر جامعه و به خصوص کارگران و زحمتکشان در اثر غارت و چپاول و اختلاس قدرتمندان آن چنان فزاینده است که فریاد اعتراض کارگران، زحمتکشان، مزد و حقوق بگیران، بازنشستگان و همه اقشار تحت ستم را به زندگی و معیشت اقتصادی بلند کرده است. فشار مسکن بر اقشار ضعیف آن چنان زیاد شده که بخش‌های زیادی از اقشار تحت ستم مجبور به ترک شهرهای بزرگ و کوچیدن به حاشیه شهرها شده اند و عده ای خانه به دوشی و چادر خوابی را راه گریز از مشکل یافته اند .

در این میان اعتراضات اقشار تحت ستم اعم از کارگران و معلمان و سایرین به وضعیت موجود هر روزه با دستگیری و زندان و غل و زنجیر پاسخ داده می‌شود و هر روزه بر تعداد بازداشتیان معترض افزوده شده و بر احکام زندان‌ها سنگینی فزاینده ای اعمال می‌شود تا مبارزان را از حق خواهی باز دارند.

هم اکنون نزدیک به ۶ ماه از دستگیری کارگران هفت تپه و روزنامه نگاران مدافع آنان می‌گذرد. آنان تحت شدیدترین فشارها قرار دارند و همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برند. #ساناز_الهیاری و #امیرحسین_محمدی فرد برای مدتی دست به اعتصاب غذا زده و #سپیده_قلیان و #اسماعیل_بخشی و #امیر_امیرقلی هم چنان در

بیانیه حمایتی شاعران و

هنرمندان گچساران

اعتصابات هفت‌تپه نشان داد طبقه کارگر فصل جدیدی از مبارزات را در پیش روی خود می‌بیند. اعتصابات و اعتراضات کارگری در بخش‌های مختلف طی ماه‌های اخیر به روشنی نشان داده است طبقه کارگر برای جلوگیری از تباهی جسمی و روانی و برای تجلی انسانی خود هیچ راهی جز مبارزه‌ای متحدانه علیه شرایط کنونی ندارد.

لذا ما نویسندگان و شاعران گچساران با اعلام

کمونست ۲۴۲

انتظار روشن شدن وضعیتشان هستند .

از طرف دیگر دستگیر شدگان اول ماه مه روز کارگر همچنان تحت فشار محاکمه و تعدادی از جمله #ندا_ناجی، #عاطفه_رنگریز ، #مرضیه_امیری و #آنیشا_اسدالهی هم چنان در زندان هستند و عده ای نیز که با وثیقه‌های سنگین آزاد شده اند، همچنان در سایه تهدید دادگاه هستند.

حکومتی که هر روز با بن بست‌های خودکرده در همه عرصه‌های اقتصادی و بین المللی مواجه است، تنها راه چاره را وارد آوردن فشار مضاعف بر مردمی می‌داند که قربانی سیاست‌های چپاولگرنه و اختلاس‌های نجومی هستند و هستی و زندگی خود را در این غارت‌ها از دست داده اند و به اعتراضات بر حقی دست می‌زنند تا بتوانند حقوق پایمال شده خود را باز یابند. اما تاریخ گواه این است که این بگیر و ببندها و زندان‌های پر از معترضین در زمانی که کارگران، زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران و مردم تحت ستم دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند، چاره ساز نخواهد بود .

در چنین شرائطی برای آنانکه دفاع از زندگی و حقوق زحمتکشان را وظیفه خود میدانند راهی به جز به میدان آمدن باقی نمی‌گذارد. بر ماست که با تمام توان در گسترش نهادهای متشکل کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران برای احقاق حق خودمان بکوشیم و از زندانیان سیاسی که تنها جریشان اعتراض به پایمال کردن حقوق مردم است دفاع کنیم و آنان را تنها نگذاریم .

کانون مدافعان حقوق کارگر

شعار «ما گرسنه‌ایم» در اعتراضات کارگران هفت‌تپه

حمایت از این اتحاد، خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی از جمله اسماعیل بخشی، امیرحسین محمدی فرد، ساناز اللهیاری، امیر امیرقلی و سپیده قلیان هستیم.

ما به عنوان "هنرمندان بام نفت و گاز ایران" لازم دیده ایم که با حمایت خود از کارگران و فعالین کارگری پیوندی عمیق را ایجاد کرده و در جهت رشد و بالندگی آن بکوشیم.

به امید رفاه میلیون ها کارگری هستیم که در وضعیت کنونی چشم انتظار پیوستن به خیل عظیم ارتش بیکاران هستند.

جمعی از شاعران و نویسندگان شهر گچساران

لذا ما نویسندگان و شاعران گچساران با اعلام

میات، کار و استثمار

حیات پایه‌ای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.

استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی

ممنوع است.

کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت‌های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.

هر کس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخورداری از نعمات مادی و معنوی

موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.

همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.

از بیانیه حقوق جهانشمول انسان – مصوب حزب حکمتیست

هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان

محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند. حزب حکمتیست اعلام

میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تخطی ناپذیر مردم میدانند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان

مبنای قوانین و سیاست‌های جامعه اعلام میکند.

امضای بیش از سه هزار نفر در مدت دو روز و همراهی گسترده با درخواست آزادی زندانیان هفت‌تپه

فعالان مدنی، سندیکایی و

دانشجویان

این پیام روشن را به نهادهای قضائی و امنیتی مخابره میکند که آزادی متهمین هفت‌تپه خواسته‌ایست که نه فقط از طرف خانواده و رفقای این زندانیان که از سمت جمعی کثیر از کارگران و تشکل‌های کارگری داخلی و بین‌المللی، معلمان، دانشجویان، روشنفکران و... مجدانه پیگیری می‌شود. هر روز حبس و بازداشت ناعادلانه آنان خراشیست که بر چهره‌ی جنبش آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی کشیده می‌شود به امید مخدوش و منفعول کردن جنبشی که قرن‌هاست نشان داده که ابداً مرعوب این رفتارهای ایدئولوژیک نخواهد شد. ماه‌هاست که زندانیان هفت‌تپه به‌مراه خانواده و رفقایشان تمام راه‌های قانونی برای آزادی آنان را طی کرده و نه تنها جز مواجهه با درهای بسته و گوش‌های تعمداً ناشنوا چیزی نصیبشان نشده که فشارها بر خانواده‌ها و سایر متهمین این پرونده شدت یافته است. مانند علی نجاتی و عسل محمدی که با قید وثیقه آزاد هستند اما مدام در معرض تهدیدهای امنیتی و احضار قرار دارند. ما همچنان بر خواسته‌ی به حق خود مبنی بر آزادی فوری این عزیزان تاکید کرده قبل از اینکه بی‌توجهی مسئولان امنیتی و قضائی، زندانیان هفت‌تپه را ناگزیر از قمار با جانشان و اعتصاب غذا برای آزادی‌شان نماید.

لیست امضاکنندگان دادخواست آزادی #زندانیان_هفت_تپه:

۱. رضا شهابی
۲. محمود صالحی
۳. میثم آل مهدی
۴. فریبرز رئیس دانا
۵. کمال خسروی
۶. محمد نجفی (وکیل دادگستری)
۷. عثمان اسماعیلی
۸. حسن مرتضوی
۹. روح الله مردانی
۱۰. داود رضوی
۱۱. واله زمانی
۱۲. گلرخ ابراهیمی ایرایی
۱۳. روزبه سوهانی
۱۴. سید علی حسینی
۱۵. یدی صمدی
۱۶. کوروش زعیمی
۱۷. مریم کریم بیگی
۱۸. رامین کریمی
۱۹. امید اقدمی
۲۰. محمد غزنویان
۲۱. عسل محمدی
۲۲. ۲۲- هیراد پیربدایی
۲۳. آزاد خوانچه زر
۲۴. علی اسدالهی
۲۵. وحید محمدی
۲۶. پژمان ابراهیمی

۲۷. ایوب محمدی
۲۸. مهرداد خامنه ای
۲۹. علی رسولی
۳۰. بهزاد علی بخشی
۳۱. ۳۱- علی جوادی
۳۲. محمد بهشتی
۳۳. رضا یزدانیپناه (شاعر و نویسنده)
۳۴. حسین اکبری
۳۵. اشرف پیرخضری
۳۶. کاوه کریمی
۳۷. احمد غلامی
۳۸. امید شمس
۳۹. فرنگیس مرادی (سازمان مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی)
۴۰. محمد کریم آسیاش
۴۱. جوانمیر مرادی (دبیر انجمن برق و فلز کرمانشاه)
۴۲. آگرین نادری
۴۳. ایرج محمدی
۴۴. محمد شعبانی (شاعر و فعال سیاسی)
۴۵. امیر چمنی
۴۶. زرتشت احمدی راغب
۴۷. پژمان رحیمی
۴۸. امیرعباس آزمونند
۴۹. دیاکو مرادی
۵۰. خدیجه پاک ضمیر
۵۱. صبا مرادی (عکاس و روزنامه نگار)
۵۲. کاظم فرج الهی
۵۳. نجیبه صالح زاده
۵۴. فردین میرکی
۵۵. کاوه حکیمی
۵۶. اقبال (عمر) شبانی
۵۷. حسن سعیدی
۵۸. فرید لطف آبادی
۵۹. منیژه نجم عراقی
۶۰. فیروزه مهاجر
۶۱. آرمان شکری
۶۲. صوفیا محمودی
۶۳. علی بوتیمار
۶۴. مهدی غفاری
۶۵. رادیو پیام کانادا
۶۶. شکوفه آذر ماسوله (فعال مدنی و زندانی سابق سیاسی)
۶۷. ۶۷- نسیم ریگی
۶۸. کیوان امیری پور

۶۹. نسیم بنی کمالی
۷۰. گلشید کریمیان
۷۱. راحله طارانی
۷۲. منوچهر دارابی
۷۳. محمد تقفی
۷۴. فواد محمدی
۷۵. مهسا مکارم
۷۶. تورج گورکانی
۷۷. کوشا اثیمی
۷۸. فاطمه احمدی
۷۹. سعید رضایی
۸۰. علی مصطفوی
۸۱. جواد لعل محمدی
۸۲. طاهره سامانی
۸۳. حسین یوسفیان
۸۴. سجاد قاسمی شهرکی
۸۵. مهرداد امامی
۸۶. سولماز اسکندری
۸۷. علی اکبر گرجی
۸۸. ۸۸- امجد ساعدی
۸۹. محمود فرجی
۹۰. روزا روشن
۹۱. نیلوفر وحدت
۹۲. مریم پیروند (وکیل پایه یک دادگستری)
۹۳. شهرام خلیلی زاده
۹۴. رهام یگانه
۹۵. سازمان مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۹۶. جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران (عضو فدراسیون بین المللی)
۹۷. مریم وحیدیان (روزنامه نگار)
۹۸. امیر مصباحی
۹۹. سعید نادری (دانشجو)
۱۰۰. فواد کیخسروی

جهت مشاهده ادامه لیست امضاکنندگان به لینک زیر بروید:

<http://von.ir/oqTaO>

اگر شما هم مایل به امضا هستید به لینک زیر رفته و پس از مطالعه متن درخواست، نام خود را اضافه کنید:

https://docs.google.com/forms/d/10_DSzAt_4gbGt9-IIIeoufzEutlsoQwEEv8B1VbIfo/viewform?edit_requested=true

انتشار: @zendani7tapeh

دریغ را آزاد کنید

هم میهنان گرامی، متأسفانه بازداشت و پیگرد فعالان کارگری سندیکایی، مدنی و دانشجویی در ماه های اخیر شتاب بیشتری گرفته است.

صدها فعال کارگری، مدنی، محیط زیستی و کنش‌گران سیاسی، مدت هاست به صرف فعالیت‌های مسالمت آمیز یا شرکت در اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری و صنفی از سوی نهادهای امنیتی و قضائی جمهوری اسلامی ایران زندانی شده اند. آن‌ها و خانواده این عزیزان، به صورت مستمر و سیستماتیک از سوی مجریان حکومتی تحت انواع فشارهای روحی و روانی و تهدید قرار دارند.

این زندانیان برای دسترسی به دارو و درمان از سوی زندانبانان و بازجویان و نمایندگان وزارت اطلاعات با دشواریهای بسیاری مواجه شده اند.

بعد از گذشت چند ماه از برگزاری تجمع اول ماه مه روز جهانی کارگر در برابر مجلس، هنوز تعدادی از افراد شرکت کننده در این تجمع در حبس قرار دارند. (#انیشا اسدالهی #مرضیه امیری #ندا ناجی #عاطفه رتگریز)

همچنان گروهی از رهبران کانون های صنفی معلمان به جرم این که خواستار مطالبات صنفی و تحصیل رایگان برای فرزندان ما هستند، به زندان (تا سقف ۱۰ سال) محکوم شده‌اند. (#محمد حبیبی #محمود بهشتی_لنگرودی #اسماعیل_عبدی)

ده‌ها فعال محیط زیست و شماری از دانشجویان به بهانه های مختلف یا به صرف حمایت از کارگران بازداشت و زندانی هستند.

دو تن از فعالان کارگری (دانشجویی سابق) بازداشت شده به نام های #ساناز_الهیاری و #امیرحسین محمدی فرد که عضو #تشریه گام بودند، هم اینک در بازداشت و امیرحسین محمدی فرد در اعتصاب غذا به سر می برد.

ما جمعی از فعالان کارگری، سیاسی و حقوق بشری بازداشت و پیگرد فعالان کارگری سندیکایی، مدنی، محیط زیستی و سیاسی را که با اتهامات ساختگی از سوی نهادهای امنیتی و قضائی حکومت محکوم و زندانی شده‌اند، قویاً محکوم می کنیم.

ما ضمن ابراز همبستگی با آن‌ها و خانواده هایشان، خواستار لغو احکام ظالمانه، آزادی بی قید و شرط آن‌ها و رعایت حقوق شهروندی و مدنی شان هستیم.

نهادهای سیاسی و مدنی و احزاب دمکراتیک را به انجام اقدامات مشترک برای آزادی همه زندانیان سیاسی و مدنی، قطع پیگردها و اعاده همه حق و حقوق شهروندی شان فرا می خوانیم و در این راه سعی و تلاش خود را دو چندان خواهیم کرد.

جمعی از فعالان کارگری، سیاسی و حقوق بشری در خارج از کشور

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست

کارگران و فعالین

کارگری برسانید

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا: اعتراض به حبس نا عادلانه

و محاکمه بازداشتیان روز کارگر

۹ جولای ۲۰۱۹

آیت الله سید علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران

اند، و در عین حال دیگر کارگران و فعالین کارگری تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و یا در زندان باقی مانده اند. وضعیت آنها نیازمند توجه فوری می باشد .

حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران

قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران - شورای عالی حقوق بشر

اعضای سندیکای کارگران اتوبوس رانی تهران که در این خصوص مستلزم حمایت فوری هستند از جمله شامل سید رسول طالب مقدم، وحید فریدونی، حسن سعیدی و رضا شهابی می باشند. اسماعیل بخشی، نماینده کارگران و عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، همین طور روزنامه نگاران مستقل و مدافع حقوق کارگران، سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر امیر قلی و امیر حسین محمدی فرد، نیز در ارتباط با تظاهرات و اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه در زندان به سر می برند .

آقایان گرامی :

به نمایندگی از طرف اتحادیه کارگران خدمت عمومی کانادا نگرانی خود را از دستگیری مجدد و زندانی کردن خانم آنیسا اسدالهی و ادامه حبس سه زن دیگر، عافطه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری، اعلام می کنیم. به علاوه، ما خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه اعضای بازداشتی سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه و دیگر کارگران، معلمان و فعالان اجتماعی ای هستیم که به دلیل شرکت در فعالیتهای روز اول ماه مه ۲۰۱۹ در معرض حبس و آزار و اذیت قرار دارند .

خانم آنیسا اسدالهی در جریان تجمع روز اول ماه مه در تهران دستگیر و پس از سه روز با قرار وثیقه موقتاً آزاد شده بود. متأسفانه وی در تاریخ

۱۸ ژوئن ۲۰۱۹ پس از خروج از محل کارش

دوباره دستگیر شد. نیروهای امنیتی پس از تفتیش خانه او و منزل برادرش، لپ تاپ و برخی دیگر از متعلقات شخصی آنیسا اسدالهی را توقیف و او را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند .

عافطه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری نیز از بازداشت شدگان سرکوب خشونت بار راهپیمایی اول ماه مه هستند که با وجود بیش از یک ماه از پایان روند بازجویی همچنان در زندان به سر می برند. این زنان مدافعین حقوق کارگران هستند و تنها "جرم" آنها، شرکت در حرکت صلح آمیز اول ماه مه است. تلاش خانواده های آنان برای پیگیری وضعیت این افراد از طریق مقامات قضایی و امنیتی تاکنون بی نتیجه بوده است. روشن است که آنان هدف آزار و ارباب سیستماتیک نیروهای قضایی و امنیتی قرار گرفته اند .

ما مطلع هستیم که ۵۰ نفر در اول ماه مه در

تهران بازداشت شده اند. اکثر بازداشت شدگان با قرار وثیقه آزاد و پس از آن به دادگاه احضار شده

۲۶ جولای ۲۰۱۹

آیت الله سید علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران

حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران

قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران - شورای عالی حقوق بشر

پایان روز بازداشت و بازجویی همچنان در زندان بسر میبرند .

این زنان مدافعین حقوق کارگری هستند و تنها " جرم " آنها شرکت در مراسم حرکت صلح آمیز اول ماه مه بوده است. تلاش خانواده های آنان برای پیگیری وضعیت این افراد از طریق مقامات قضایی و امنیتی تاکنون ناموفق بوده. روشن است که آنان هدف آزار و ارباب سیستماتیک نیروهای قضایی و امنیتی قرار گرفته اند.

ما مطلعیم تعدادی از اعضای سندیکای کارگری اتوبوسرانی تهران که در این خصوص مستلزم حمایت فوری هستند از جمله شامل : سید رسول طالب مقدم، وحید فریدونی، حسن سعیدی و رضا شهابی میباشند .

اسماعیل بخشی، نماینده کارگران و عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، همینطور روزنامه نگاران مستقل و مدافع حقوق کارگران، سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی فرد، نیز در ارتباط با تظاهرات و اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شدند و در زندان به سر می برند .

ما امیدواریم که حکومت ایران به تعرض و هدف قراردادن فعالان کارگری که در پی آزادی و برابری هستند فوری پایان دهد. کارگران حق دارند از شرایط متناسب شغلی، آزادی تشکل، مذاکرات جمعی منصفانه و بدون هیچگونه آزار و اذیت، ارباب، تهدید و خشونت برخوردار باشند.

ما به بسیاری از اتحادیه های کارگری جهانی از جمله اینداسترپال، یونی، آی تی اف و بسیاری دیگر، می پیوندیم و هدف قرار دادن و بد رفتاری با فعالین کارگری و مدافعین حقوق انسانی را محکوم می کنیم و با جنبش کارگری در ایران همبستگی خود را اعلام می نماییم.

با احترام،

جری دایاس

رئیس کشوری اتحادیه کارگری یونیفور کانادا

رونوشت: محمد السدی، مدیر بخش بین المللی و عدالت اجتماعی یونیفور

ترجمه و باز انتشار از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

Email: vsyndica@gmail.com

آقایان گرامی،

به نمایندگی از طرف یونیفور، بزرگترین اتحادیه کارگران بخش خصوصی کانادا با بیش از ۳۱۵ هزار عضو، نگرانی خود را از دستگیری مجدد و زندانی کردن خانم آنیسا اسدالهی و ادامه حبس سه زن دیگر، عافطه رنگریز، ندا ناجی و مرضیه امیری، اعلام می کنیم.

اتحادیه ما مطلع است که بسیاری از کارگران در سراسر جهان در حال مبارزه با فقر، تبعیض، خشونت و ستم می باشند. ما همگی از افزایش حملات به مدافعان حقوق انسانی و فعالان کارگری که برای احقاق حقوق کارگران و برقراری عدالت اجتماعی در بسیاری از کشورها مبارزه میکنند، و بویژه حملات بی رحمانه به اعضای اتحادیه های صنفی ایران که در شرایط بسیار سخت و در برخی موارد تهدید جانی بسر میبرند توسط مقامات ایران که حقوق انسانی و کارگری در ایران را کاملاً نادیده می گیرند. آگاه هستیم .

ما همچنین مطلعیم که به تظاهرات صلح آمیز روز اول ماه مه که توسط کارگران حمل و نقل سازماندهی شده بود، بورش وحشیانه برده شد و پنجاه و دو تن از فعالان کارگری را بدون هیچ دلیلی دستگیر کردند .

با خیر شدیم خانم آنیسا اسدالهی به همراه دیگر مدافعان کارگری که در راهپیمایی روز جهانی کارگر در تهران دستگیر شده بودند، پس از سه روز با قرار وثیقه آزاد شده بود، متأسفانه وی در تاریخ ۱۸ ژوئن ۲۰۱۹ بعد از ترک محل کار دوباره دستگیر شد و نیروهای امنیتی پس از تفتیش منزل او و خانواده اش، کامپیوتر لپ تاپ، و برخی دیگر از متعلقات شخصی وی را توقیف و او را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند.

عافطه رنگریز، ندا ناجی، مرضیه امیری، از بازداشت شدگان خشونت بار راهپیمایی اول ماه مه هستند که با وجود گذشت بیش از یکماه از

واضح است که تنها دلیل این بازداشت ها و حبس های غیر قانونی ارباب فعالین جنبش کارگری و مهار کردن خواسته های کارگری در محیط های کار می باشد. اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا فراخوان اتحادیه های کارگری و دیگر تشکلات مربوطه در سراسر جهان در محکومیت بازداشت های یاد شده و درخواست آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان را تکرار می کند. آزار و اذیت و پیگرد کارگران ایران به دلیل بکارگیری اساسی ترین حقوق شناخته شده بین المللی خود باید متوقف شود .

با احترام،

مارک هانکوک؛ رئیس کشوری

چارلز فلوری، دبیر خزانه داری کشوری

رونوشت: ت. جازیبیاک؛ م. باتلر؛ ک. کامرون؛ سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه؛ اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

ترجمه و باز انتشار از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

فعالان «اتحادیه کارگران قطار، کشتیرانی و حمل و نقل بریتانیا» (آرام تی) در

بخش غرب مترو لندن، همبستگی خود را با #اسماعیل_بخشی #سپیده_قلیان و

دیگر زندانیان سیاسی اعلام کردند و خواهان آزادی آنان شدند.

صدای آزادی خواهی #زندانیان_هفت_تپه را به گوش جامعه جهانی برسانیم.

کمیون آزادی بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقی خواه:

@zendani7tapeh

حمایت از زندانیان، هفت تپه در

"شورای حقوق بشر سازمان ملل"

درخواست "کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه" از مقامات ایران برای آزادی و رفع تعقیب و فشار بر "بازداشت شدگان روز جهانی کارگر" و "بازداشت شدگان مرتبط با اعتراضات کارگری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه"

کانلوتا-سی اس پی (اتحادیه کارگری و مردمی برزیل)

بنابراین، ما از مقامات ایران می‌خواهیم به این پیگردهای قضایی علیه فعالین کارگری پایان دهند و ۹ شهروند بازداشت شده با اسامی زیر را آزاد کنند:

به: رهبر جمهوری اسلامی ایران، آیت الله سید علی خامنه ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران، حسن روحانی
قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران- شورای عالی حقوق بشر

آنیسا اسداللهی

عاطفه رنگریز

ندا ناجی

مرضیه امیری

اسماعیل بخشی

سپیده قلیان

امیرحسین محمدی فرد

ساناز الهیاری

امیر امیرقلی

با تشکر از توجه شما،

کانلوتا-سی اس پی

سانوپائولو، ۲۳ جولای ۲۰۱۹ (۱ مرداد ۱۳۹۸)

ترجمه و باز انتشار از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اعتراض به بدی شرایط کار توسط آن‌ها. به واقع این روزنامه نگاران در رابطه با حق آزادی بیان، حق آزادی انجمن و جلسه به وظیفه اشان عمل کردند.

ما سازمان های سندیکایی فرانسوی امضا کننده این نامه با تمام نیرو این اعمال سرکوبگرانه غیرقابل تحمل را قویاً محکوم می کنیم. از رژیم ایران می خواهیم که به پیمان های بین المللی که دولت ایران امضا کرده احترام بگذارد.

ما خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه سندیکالیست ها، روزنامه نگاران و فعالین زندانی، و توقف هرگونه سرکوب هستیم.

سلام های محترمانه ما را بپذیرید.

با تقدیم احترامات

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (س. اف. د. ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س. ژ. ت)

کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او)

اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر)

اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (او.ان. اس. آ)

رونوشت به :

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور

آقای ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه

سفیر ایران در پاریس

ترجمه و باز انتشار از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

آیت الله سید علی خامنه ای

رهبر جمهوری اسلامی ایران

دفتر رهبری

تهران، ایران

پاریس ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۹

آقای رهبر

با گذشت دو ماه از تجمع آرام روز کارگر در مقابل مجلس در تهران، فشار بر زنان و مردان دستگیر شده همچنان ادامه دارد. از پنجاه نفر دستگیر شده که اکثریت آنان با قرار وثیقه و کفالت بطور موقت آزاد شده بودند اکثراً به دادگاه احضار شده و تحت فشار قرار دارند.

بیش از یک ماه است که بازجویی های خانم ها عاطفه رنگریز، ندا ناجی، مرضیه امیری و آنیسا اسداللهی خاتمه یافته است. این افراد، برابر قانون و رویه جاری قضایی، باید آزاد می شدند اما متأسفانه آن ها کماکان در زندان به سر می برند. خانم ندا ناجی به واسطه جراحات ناشی از ضرب و شتم در زیر شکنجه به بهداری زندان منتقل شد.

اسماعیل بخشی کارگر عضو سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، همچنان زندانی است. او شدیداً زیر فشار است تا ادعاهایش در مورد شکنجه شدنش در زندان را پس بگیرد. سپیده قلیان دانشجوی مبارز در وضعیت مشابه ای قرار دارد.

همچنین روزنامه نگاران ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و امیرحسین محمدی فرد از ماه ژانویه ۲۰۱۹ خودسرانه و بدون دسترسی به وکیل مدافعا در زندان به سر می برند. اتهامات آن ها عمدتاً عبارتند از «تجمع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «نشر اکاذیب» و «عضویت در یک گروه با فعالیت علیه امنیت ملی». این اتهامات علیه این روزنامه نگاران مستقیماً مربوط می شود به پوشش خبری تجمعات اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، در رابطه به خواست پرداخت مطالبات معوقه و

فراخوان اقدام فوری عفو بین الملل برای آزادی فوری

بازداشتی های نشریه گام و گزارش درباره اعتصاب غذای آنان

ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد، خبرنگاران ایرانی، از ۱۳ تیر در اعتراض به ادامه ی بازداشت شان به اعتصاب غذا دست زده اند. چنان که پزشکان زندان در ۲۳ تیر اعلام کرده اند، ساناز الهیاری، با توجه به وضعیت جسمی بسیار نامناسبی که در زندان به آن دچار شده، در معرض خطر ایست تنفسی قرار دارد، که می تواند به ضایعات مغزی و حتی مرگ منجر شود.

ساناز الهیاری دست کم دو ماه است که دچار کاهش وزن و لرزش شدید دست و پا شده است و از درد معده مزمن رنج می برد و به درمان فوری نیاز دارد. خانواده ای پیوسته از مقام های دادستانی و مسئولان زندان تقاضا کرده اند که او را برای آزمایش های پزشکی به درمانگاهی در بیرون زندان منتقل کنند. با این وجود، درخواست های این خانواده بی جواب مانده است. ۱۷ تیر، ساناز الهیاری در پی وخامت وضع جسمانی اش به بهداری زندان منتقل شد. پزشکان در صدد تزریق سرم به او برآمدند که با ممانعت

وی مواجه شدند. ۲۴ تیر نیز این زندانی برای دقایقی از هوش رفت.

۲۳ تیر، امیرحسین محمدی فرد مورد ضرب و شتم زندانیانی قرار گرفت که محکوم به جرایم خشونت بار شده اند. این واقعه نگرانی های سابقه دار در این باره را تشدید می کند که نگهداری زندانیان عقیدتی در کنار زندانیانی که مرتکب جرایم خشونت بار شده اند سلامت و امنیت آنان را به مخاطره می اندازد. بنا به «استانداردهای حداقلی سازمان ملل در مورد نحوه ی رفتار با زندانیان»، مقام ها و مسئولان موظف اند که زندانیان پرخشونت و خطر ساز را از سایر زندانیان دور نگه دارند و زندانیان را بر اساس سوابق کیفری و موجبات حقوقی و قانونی زندانی شدن شان دسته بندی و تفکیک کنند. مقام های ایرانی علناً این موازین را زیر پا می گذارند و بنابراین در مورد رفتار بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیزی که با امیرحسین محمدی فرد شده مسئول هستند.

ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد به همراه خبرنگار دیگری به نام امیر امیرقلی، از اوایل زمستان سال گذشته در بازداشت به سر می برند؛ بازداشت این خبرنگاران صرفاً به دلیل خبررسانی درباره ی تجمعات کارگران در کارخانه ی نیشکر هفت تپه در استان خوزستان، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان، صورت گرفته است

اقدام شما موثر است. به مقام های ایرانی بنویسید و از آن ها درخواست کنید که ساناز الهیاری، امیرحسین محمدی فرد و امیر امیرقلی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنند. ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد، تا زمان آزادی شان، باید از مراقبت های پزشکی مورد نیاز برخوردار شوند و این مراقبت ها مطابق با موازین اخلاق پزشکی، از جمله اصول رازداری، استقلال رأی و عمل و رضایت آگاهانه باشد.

لینک نسخه فارسی فراخوان اقدام فوری:

https://t.me/Amnesty_International/1320

لینک نسخه انگلیسی در وبسایت عفو بین الملل:
<https://www.amnesty.org/en/documents/mde13/0728/2019/en/>

حمایت و حضور

مقابل زندان

اوین

بیانیه حمایتی سازمان جوانان حزب چپ سوسیالیست ایالت راینلاند فالتز آلمان به کارگران و جنبش کارگری در ایران

همبستگی با مبارزات کارگران در ایران

یک: انجمن کارگران ایالت راینلاند فالتز همبستگی خود را نسبت به مبارزات مردم ایران و بویژه از جنبش کارگری بیان میکند.

دو: ما از خواسته های آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، ملی سازی شرکت ها و کارخانه ها تحت کنترل کامل کارگران، همچنین کناره گیری حکومت و تمام خواسته های دیگر کارگران حمایت می کنیم

سه: هر زمان که لازم باشد ما از هم طبقه هایمان در ایران با فعالیت های متفاوت مان حمایت خواهیم کرد

چهار: برای بالا بردن آگاهی و اطلاعات از مبارزات رفقای ما در ایران، ما از همه گروه های شورایی و مردمی که مایل به سازماندهی فعالیت های مختلف هستند حمایت می کنیم. همچنین ما حاضر به پشتیبانی مالی از طریق انجمن ملی اینجا هستیم.

پنج: با توجه به پیوندهای اقتصادی مهم جمهوری فدرال آلمان با حکومت و سرمایه داری ایران، جنبش کارگری آلمان را در مسئولیت ویژه ای می بینیم که در حال حاضر به آن عمل نمی کند. ما به عنوان انجمن کارگری این ایالت می خواهیم این مسئولیت را به عنوان بخشی از فعالیت مان به عهده بگیریم. رفقای ما در زندان های رژیم تحت شکنجه هستند که شایسته حمایت از طرف همه کارگران در آلمان هستند.

شش: ما هر گونه مداخله نظامی یا تحریم های اقتصادی را به شدت محکوم می کنیم. این اقدامات فقط حکومت ایران را تقویت می کنند و بیشتر از همه مستقیم به طبقه کارگر در ایران ضربه میزنند. رژیم اظهار میکند که در حال حاضر با دشمنان خارجی مقابله میکند و این بهانه ای است که سرکوب را بر روی کارگران و فعالین کارگری بیشتر کند. اقدامات دولتهای امپریالیستی هیچ وقت به طبقه کارگر هیچ کشوری کمک نکرده و نمی کند!

هفت: ما از پیگرد قانونی علیه سران و حامیان رژیم حمایت می کنیم.

هشت: ما بعنوان بخشی از طبقه کارگر جهانی نمی خواهیم یک بازسازی سلطنتی در ایران داشته باشیم. ما با هر تلاشی از طرف برخی از سیاستمداران تبعیدی سلطنت طلب و یا دولت های غربی برای ترویج چنین بازسازی، مقابله خواهیم کرد.

نه: ما حکومت فدرال آلمان را، مانند بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به عنوان متحد جمهوری اسلامی می دانیم. طبقه حاکم و حاکمان بر جهان ممکن است اختلافاتی با هم داشته باشند و حتی بر علیه همدیگر هم بجنگند، اما همیشه در برابر مطالبات و مبارزات کارگران برای رهایی از استثمار متحد همدیگر هستند. تنها متحدان واقعی کارگران هر کشوری، کارگران کشورهای دیگر هستند. ما خودمان را به عنوان یکی از مبارزان پرولتاریای جهانی برای آزادی هم طبقه هایمان چه در تهران، پاریس و برلین و می دانیم. ما می خواهیم این همبستگی و اتحاد را در مبارزات روزانه مان بگنجانیم.

انجمن کارگران ایالت راینلاند فالتز آلمان
۲۱ ژوئن ۲۰۱۹ برابر با ۳۱ خرداد ۱۳۹۸

ترجمه متن بیانیه: از آلمانی به انگلیسی: کاتیا لایوچ، ادیتور صفحه فیس بوکی اعتراضات ایران
از انگلیسی به فارسی: بختیار بیرخضری ادمن صفحه فیس بوکی اعتراضات ایران

انتشار ترجمه فارسی بیانیه حزب چپ آلمان درباره دادگاه زندانیان هفت تپه و نشریه گام

با پیگیری و ممارست رفقای همراه با جنبش کارگری و زندانیان سیاسی طبقه مان و متحدین سیاسی آن (جنبش دانشجویی و زنان) در شهر برلین؛ امروز جمعه ۲ آگوست ۲۰۱۲ یک تحصن اعتراضی در مقابل دفتر مرکزی حزب چپ آلمان سازماندهی شد؛ که این حزب را مجبور به اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی اعتصابات هفت تپه و نشریه گام کرد و به همین جهت بیانیه ای را در محکومیت زندانی و دادگاه علیه آنان و در همبستگی با ایشان صادر کردند

ضمن اعلام همبستگی با رفقای سازمانده این اکسیون ترجمه فارسی بیانیه حزب چپ آلمان را منتشر میکنیم

همبستگی و مقاومت

خوشه های خشم

ترجمه بیانیه مطبوعاتی حزب چپ آلمان

صبح امروز جمعی از فعالان سیاسی ایران در ارتباط با دادگاه اسماعیل بخشی، علی نجاتی، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، عسل محمدی و سپیده قلیان که فردا ۱۲ مرداد برگزار می شود، مقابل خانه کارل لیبکنشت دفتر حزب چپ آلمان تحصن کردند. حزب چپ از این حرکت استقبال و در یک جلسه مشترک با تحصن کنندگان از خواسته های آنها حمایت می کند.

توبیاس فلورگر، معاون رهبری حزب در این باره می گوید:

فردا (شنبه سه اوت) در ایران دادگاه هفت عضو مطرح جنبش کارگری ایران برگزار خواهد شد. آن ها علیه دستمزدهای پرداخت نشده (معوق)، و همچنین افزایش دستمزدها و شرایط کاری بهتر اعتراض کرده بودند، دستگیر و زندانی شده اند. حبس طولانی مدت دستگیرشدگان را تهدید می کند. صدها کنشگر دیگر از جمله معلمان، اعضای سندیکاها، فعالین زنان و غیره در ایران در حبس هستند. حکومت ایران در سایه تهدید جنگ آمریکا سرکوب در داخل کشور را تشدید کرده است.

حزب چپ آلمان همبستگی خود را با کارگران زندانی و همچنین کنشگران سیاسی در ایران که با سرکوب گسترده رژیم اقتدارگرا رو درو هستند اعلام می دارد و خواستار آزادی آنها است.

حزب چپ به صورت مشخص و رسمی علیه جنگ در ایران موضع دارد و همزمان علیه اقتدارگرایی رژیم ایران موضع دارد. افزایش تنش نظامی (بحران نظامی) محافظه کاران در ایران را تقویت می کند. بنابراین ما از دولت آلمان می خواهیم به صورت فعال علیه افزایش تنش نظامی و آزادی زندانیان سیاسی تلاش کند.

Solidarität mit den inhaftierten
politischen Aktivisten in Iran

بیانیه مطبوعاتی به زبان آلمانی در لینک زیر

<https://bit.ly/2YDYgyH>

<https://www.die-linke.de/start/>

کمونیستها و پراتیک پوپولیستی

بینش پوپولیستی در زمینه تشکیلات، از ساختن تشکیلاتی

انقلابی برای سازماندهی انقلاب اجتماعی پرولتاریا طفره

میرود، زیرا این امر را اساسا به معنای ملموس و عینی

کلمه عمل انقلابی در نظر نمیگیرد و لذا هر کس به فوریت

خواهان سازمان دادن طبقه کارگر در حزب مستقل

طبقاتی اش باشد، هر کس بر آگاه کردن پرولتاریا به منافع

مستقل طبقاتی اش (یعنی منافع سوسیالیستی اش) به مثابه

یک کار مبرم و روزمره سازمانی اصرار ورزد، از جانب

پوپولیسم چنین پاسخ میگیرد که: "این کار آرام سیاسی

است!" شگفت انگیز است که سازمان دادن انقلاب

اجتماعی پرولتاریا و گرفتن قدرت سیاسی - امری که دهها

سال است به تعویق و تاخیر افتاده است - برچسب "کار

آرام سیاسی" بخورد!

نمونه دیگر مقاومت پوپولیستی در برابر اتخاذ سبک کار

کمونیستی این است که پافشاری بر فوریت بخشیدن به کار

سوسیالیستی (اعم از تبلیغ و ترویج و سازماندهی

سوسیالیستی طبقه کارگر) بر چسب ولونتاریسم و اراده گرائی

میخورد. کار سوسیالیستی برای پوپولیسم در تحلیل نهائی و

علیرغم هر ادعائی که داشته باشد، به درجه ای از رشد جنبش

خودبخودی طبقه کارگر منوط و موکول میشود. در این دیدگاه

جنبش سوسیالیستی اصولا بعنوان جنبش طبقه کارگر در نظر

گرفته نمیشود و صرفا به قطب مخالف جنبش "خودبخودی"

تبدیل میشود. در اینجا این واقعیت فراموش میشود که

جنبش "خود بخودی" پرولتاریا هر قدر هم خودبخودی باشد،

دیگر عصیان بردگان که نیست! این جنبش طبقه ای است که

در هر مقطع بر زمینه نظریات موجود و در دسترس خود،

اشکال ابتدائی حرکت به خود میگیرد و به راه میافتد.

جمع بندی کلیات مبحث سبک کار

در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست

نشریه بسوی سوسیالیسم، دوره اول شماره ۶، ۲۰ مرداد ۱۳۶۲

گزارش تجمع لندن در اعتراض به دادگاهی زندانیان هفت تپه

روز شنبه سوم اوت ۲۰۱۹ (۱۲ مرداد ۹۸) به فراخوان تشکیلات لندن حزب حکمتیست - خط رسمی و کارزار شاهرخ زمانی و همچنین جمعی از فعالین سیاسی لندن تجمعی در اعتراض به محاکمه زندانیان هفت تپه و نشریه گام (اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، علی نجاتی، امیر امیر قلی، ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی فرد و عسل محمدی) و همچنین فعالین کارگری بازداشت شده روز جهانی کارگر در ایران و سایر زندانیان سیاسی در لندن مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی برگزار گردید.

در پایان تجمع رفیق آذر مدرسی رو به کنسولگری گفت که جمهوری اسلامی روزهای آخر حاکمیت خود را میگذراند. دیر نیست روزی که ما کمونیستها و طبقه کارگر به زودی پرچم آزادی، برابری، رفاه و سعادت همگانی در شهرهای ایران را به اهتزاز در آوریم و سران حکومت را در دادگاههای مردمی محاکمه کنیم.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) در ادامه تلاشهای مستمر خود برای رساندن صدای اعتراض طبقه کارگر و مردم محروم ایران به گوش فعالین چپ و کارگری بریتانیا و اروپا و همچنین فشار به مراکز جمهوری اسلامی در لندن برای آزادی کارگران و سایر زندانیان سیاسی، تا آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران به تجمعات و برنامه های مختلف خود ادامه میدهد.

ما ضمن قدردانی از شرکت کنندگان در این تجمع، همه ایرانیان آزادیخواه، حامیان کارگران و زندانیان سیاسی را به حضور فعال در این اعتراضات، در جلب حمایت از مبارزه مردم در ایران برای آزادی و رفاه، فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکنیم.

شرکت کنندگان با شعارهای خود علیه سرکوب کارگران و خواست آزادی کارگران زندانی و همچنین بندهایی که حاوی این شعارها بود توجه بسیاری را به خود جلب کردند.

در این تجمع ضمن اعتراض به دادگاهی و ادامه بازداشت های فعالین هفت تپه و شرکت کنندگان در روز جهانی کارگر، معترضان خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی و همچنین فعالین عرضه های دیگر و سایر زندانیان سیاسی شدند.

رفقای از رهبری حزب از جمله خالد حاج محمدی، ثریا شهبایی و آذر مدرسی که در جمع حضور داشتند در سخنان خود به اعتراضات طبقه کارگر در ایران، شکست جمهوری اسلامی در ایجاد فضای ارباب در جامعه، محاکمه زندانیان هفت تپه پشت درهای بسته و هراس حکومت از جنبش کارگری اشاره کردند.

چند نفر از معترضین در اعتراض به دستگیری های اخیر به در و دیوار کنسولگری رنگ پاشیدند.



تجمع در حمایت از زندانیان هفت تپه در شهر گوتنبرگ

وریا نقشبندی از طرف حزب حکمتیست (خط رسمی) سخنرانی کرد. وریا نقشبندی با اشاره به وضعیت وخیم این زندانیان از روز اول دستگیری تا روز محاکمه، محاکمه مخفی کارگران را نشانه زبونی و استیصال جمهوری اسلامی در برابر جنبشی دانست که با آن روبرو گردیده و این روز را یک روز تاریخی در جنبش کارگری ایران دانست. وی همچنین اعلام کرد که جمهوری اسلامی در این روز یک جنبش را به پای میز محاکمه کشانده است و این زندانیان را به نمایندگی این جنبش دادگاهی میکند. در آخر بر ضرورت همصدای بیشتر با این زندانیان در هر نقطه از ایران و خارج از ایران تاکید کرد.

روز شنبه ۳ اوت، ۱۲ مرداد، همزمان با روز محاکمه زندانیان هفت تپه، به فراخوان تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی) و چند جریان و سازمان سیاسی، آکسیون اعتراض علیه محاکمه اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیر امیر قلی و امیر حسین محمدی فرد و در دفاع و اعلام همبستگی با این زندانیان در یکی از میدانی شهر گوتنبرگ برگزار شد. تظاهر کنندگان با در دست داشتن عکسهایی از زندانیان هفت تپه و شعارهایی به زبانهای فارسی و سوئدی توجه مردم را به خود جلب کردند.

این میتینگ با شعارهای شرکت کنندگان علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از اسرای طبقه کارگر به پایان رسید.

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست (خط رسمی)

۴ اوت ۲۰۱۹ - ۱۳ مرداد ۱۳۹۸

در این آکسیون سخنرانیهایی در همین رابطه انجام شد.

در این میتینگ سخنرانان متعددی به زبان آلمانی و فارسی سخنرانی کردند.

میتینگ اعتراضی علیه محاکمه زندانیان هفت تپه در کلن

محمد راستی به نمایندگی از حزب حکمتیست (خط رسمی) سخنرانی کرد. وی ضمن محکوم کردن بیدادگاه جمهوری اسلامی به عروج نسل جدیدی از رهبران کارگری، به راهی که طبقه کارگر، در تقابل با نیروهای ارتجاعی از اصلاح طلب تا ناسیونالیستها و طرفداران سیاست انتظار دخالت امریکا، در ایندوره نشان داده است، به تلاش در متحد و متشکل کردن طبقه کارگر در شوراها و مجامعه عمومی و بدست گرفتن اداره امور، اشاره کرد. وی در ادامه به ضرورت دفاع بی امان از عزیزان در بند و تلاش برای آزادی آنها پرداخت.

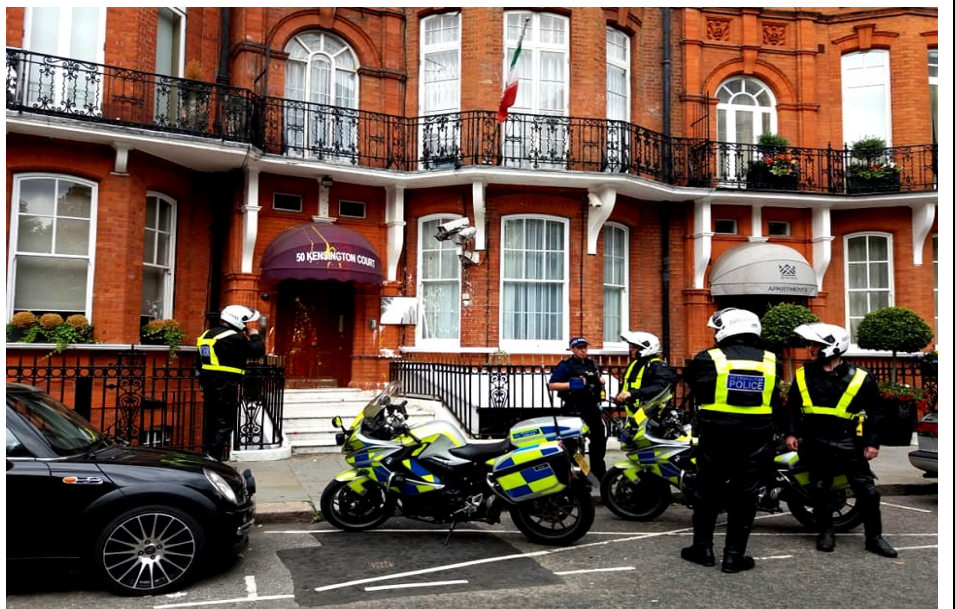
روز شنبه ۳ اوت به دعوت فعالین کارگری، سازمانها و احزاب سیاسی در آلمان میتینگ در دفاع از رهبران کارگری و فعالین سیاسی دربند و محکوم کردن بیدادگاهی حکومت جمهوری اسلامی ایران در مرکز شهر کلن برگزار شد.

تظاهر کنندگان با در دست داشتن پلاکاردها و پوسترهایی در دفاع از زندانیان هفت تپه و شعارهای "زنده باد کارگر، مرگ بر ستمگر"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم" به زبانهای فارسی و انگلیسی اعتراض خود به دستگیری ها و محاکمه فعالین کارگری و حامیان آنان را ابراز میکردند.

در این تجمع اطلاعیه تشکیلات خارج کشور حزب به زبان آلمانی از طرف لادن داور قرائت شد.

تشکیلات کلن حزب حکمتیست (خط رسمی)

۴ اوت ۲۰۱۹ - ۱۳ مرداد ۱۳۹۸



جمهوری اسلامی در تنگنا



آذر مدرسی

روزی نیست خبر دستگیری کارگران، معلمین، دانشجویان، زنان و مردان معترض و آزادیخواه و همزمان خبر تجمعات و تظاهرات در اعتراض به فقر، به بیکاری، به فساد مالی در حاکمیت، به دستگیری و محاکمه زندانیان سیاسی و نمایندگان کارگری و در میدیای رسمی و غیر رسمی در ایران و خارج کشور منتشر نشود.

خبرهایی که گوشه‌هایی از جدال بر سر رفاه، سعادت، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی! جدال بر سر آینده و قدرت سیاسی و حاکمیت را به نمایش میگذارد.

خبرهایی که نه قدرت جمهوری اسلامی در سرکوب و حاکم کردن فضای ارباب که تنگنا و ناتوانی رژیم در حاکمیت کردن را نشان میدهد. خبرهایی که بیش از هر چیزی ناآرایی ماشین سرکوب در عقب راندن مردمی که برای آزادی، برابری و رفاه تمام و کمال به میدان آمده اند و نه "اهدا" آزادی نیمبند و یواشکی و نه دستگیری و زندانی کردن و پرونده سازی، نه عرو تیزوهای اوباش رژیم، از چماقداران در خیابان تا "قاضیان" نشسته بر کرسی قضاوت، آنها را عقب نمیراند، دیگر دستگاه سرکوب کسی را به خانه نمیفرستد، دیگر زندان و دادگاهش هراسی در دل کسی نمی اندازد، دیگر اوباش چماقدار و گشت انصارش قدرت تحمیل حجاب اجباری به زنان را ندارند. حاکمیتی که نه تعرض بیشتر راه نجاتش است و نه عقب نشینی!

خبرهایی که ناتوانی جمهوری اسلامی در مقابله با جنبشی وسیع و توده ای و رادیکال را به نمایش میگذارد. جنبشی که در آن در ازا هر کارگر معترض و رهبر کارگری دستگیر شده و زندانی، دهها و صدها کارگر و رهبر کارگری قد علم میکنند، جنبشی که در آن جای هر زن آزادیخواهی که به جرم دفاع از برابری زن و مرد روانه زندان کرده اند، را دهها و صدها زن و مرد آزادیخواه میگیرند، جنبشی که دستگیری هر تک معترضی، هر معلم، فرهنگی، بازنشسته و با تحرکی وسیع در دفاع از آنان و تلاشی گسترده برای پر کردن جای خالی شان روبرو میشود. جنبشی رادیکال که "قوی ترین قدرت خاورمیانه" را به زانو در آورده. جنبشی که تنها راه بقا اش پیشروی و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است.

امروز بیش از هر زمانی جامعه برای پیشروی، برای آینده انسانی و آزاد خود چشم امید به جنبش ما، جنبش برابری طلبانه کارگری، جنبش استثمارشدگان، به رهبران و فعالین و پیشقراولان آن دوخته است. باید برای پیشروی های بیشتر، برای پیروزی نهایی صفوف مان را محکم و متحد تر کنیم.

منتشر شده در نشریه حکمتیست هفتگی شماره

۲۶۸

نظامی که در مقابل سپیده

جوان به زانو در آمده

است!

سپیده قلیان جزو چندین زندانی سیاسی و مدنی است که در دوره اخیر بدلائیل مختلف دست به اعتصاب غذا زده است. سپیده که با پخش اخبار اعتصابات هفت تپه و فولاد از حقوق کارگران دفاع کرده، تا کنون بارها محل بازداشت و زندان او را تغییر داده و اخیرا به زندان قرچک ورامین که از بدترین زندانهای رژیم با شرایط ترسناک زندان، خطر تهدید زندانیان، عدم امنیت جانی و محرومیت از حداقل نیازهای بهداشتی... منتقل شده است.

سپیده قلیان از اول مرداد ماه در اعتراض به بی حقوقی و بی قانونی و قلدری دستگاه قضایی و امنیتی دست به اعتصاب غذا خشک زده است و اکنون بر اثر عوارض آن به بیمارستان منتقل و سلامت و جان او در خطر است.

دستگاه های عریض و طویل قضایی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی با وجود همه تمهیدات و تهدیدات و شکنجه های جسمی و روحی سپیده و خانواده او، نتوانسته اند سپیده جوان را به زانو در آورد، اما خود به زانو در آمده اند .

طبقه کارگر ایران این دوست جوان و دلسوز و انساندوست خود را تنها نمی گذارد. سندیکاهای کارگری؛ نهادها و کانونهای مدنی و انساندوست، کانون وکلا، کانون معلمان و بازنشستگان، معلمان عدالتخواه، کانونهای زنان، دانشجویان مبارز و استادان شرافتمند و همه آزادیخواهان و مخالفان ظلم و ستم، استبداد و سرکوب و بی عدالتی، می توانند در یک صف واحد و هماهنگ اعتراض شان را با صدای بلند و رسا علیه خطری که جان سپیده قلیان را تهدید می کند، اعلام کنند. دولت روحانی، مجلس شورای اسلامی و دستگاه قضایی رژیم بعنوان دستگاه های سرکوب و ستم و تبعیض و نابرابری مسئول مستقیم سلامت و امنیت جانی و هرگونه خطری که سپیده قلیان را تهدید می کند، هستند. سپیده قلیان و همه زندانیان سیاسی که بخشا در اعتصاب غذا بسر می برند باید فوراً آزاد شوند .

سپیده قلیان باید به محلی امن منتقل و به وکیل و خانواده خود دسترسی داشته و از حق انسانی دفاع از خود برخوردار شود. سیاست بیشرمانه و زبونانه دستگاه قضایی که حتی قبل از دادگاهی فرمایشی سپیده و دیگر زندانیان، آنها را از حق داشتن وکیل محروم و تحت فشارهای گوناگون و تهدید و مخاطرات جانی تا حد اعتصاب غذا قرار میدهند، تنها زبونی و قلدری و لمپنیسم یک نظام مستبد و غیر مشروع را به نمایش می گذارند .

کارگران، معلمان، وکلا، زنان، دانشجویان

دفاع از امنیت و سلامت و جان سپیده قلیان، دفاع از آزادی و انسانیت کل جامعه است. جمهوری اسلامی که در مقابل سپیده، به زانو در آمده است در مقابل قدرت و اراده و صدای حق طلبانه شما تاب مقاومت ندارد. اسرای خود را از چنگ دشمنان قسم خورده آزادی و انسانیت رها سازید . سپیده قلیان و دیگر همسرانشان را تنها نگذارید. درب نظام دولت و مجلس و دستگاه قضایی و زندانهای رژیم را از پاشنه بکنید و تا آزادی فرزندان خود از پای ننشینید. سپیده مبارز و انساندوست و طرفدار حقوق کارگر و انسانیت را که یک تنه در مقابل زور و ستم و قلدری بیشرمانه دستگاه سرکوب اطلاعاتی و امنیتی و قضایی ایستاده است را تنها نگذارید.

حزب کمونیست کارگری-حکمتیست(خط رسمی)

۶ مرداد ۹۸ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۱۹

طبقه کارگر در "عدالتخانه" سرمایه

خالد حاج محمدی

زندانیان هفت تپه و نشریه گام از جمله رهام یگانه، هیراد پیرداغی، فرید لطف آبادی و سحر شهبابی فراهانی نیز دستگیر و تا اکنون خبری از وضعیت آنها در دست نیست.

در اعتراض به این محاکمات فرمایشی و ضد کارگری تا هم اکنون و در جواب به فراخوان "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقی خواه"، موجی از اعتراضات علیه محاکمات و در دفاع از زندانیان هفت تپه و دستگیر شدگان اول مه، چه در ایران و چه در سطح جهان راه افتاده است. صدها نامه اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی ارسال و دادگاهی این عزیزان را محکوم و خواستار آزادی بی قید و شرط آنها شده اند. در این مدت کوتاه و علیرغم محدودیت های وسیع، بالغ بر ۸۰ اتحادیه کارگری از فرانسه، آلمان، سوئد، انگلستان تا برزیل و... این محاکمات را محکوم و خواهان آزادی بی قید و شرط این هفت نفر و بعلاوه بازداشت شدگان روز اول مه شده اند. دهها نهاد و جریان، احزاب و جریانات مختلف سیاسی، نهادهای حقوق بشری، عفو بین الملل و ... در کشورهای مختلف به اشکال مختلف صدای اعتراض خود به دستگیری کارگران و آزادیخواهان به جرم عقیده و بیان و اعتراض به فقر و محرومیت و استبداد، را به گوش روسای جمهوری اسلامی رساندند. در ایران هزاران نفر همراه انواع نهادهای کارگری از کارگران شرکت واحد و هفت تپه تا دهها انجمن صنفی کارگری، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان، مردم عدالتخواه در شهرهای مختلف، کانون نویسندگان و ... و صدها شخصیت انسان دوست و فعال کارگری، اجتماعی و ... از زندانیان هفت تپه حمایت کرده اند. اعتراض خانواده های زندانیان در همین مدت مرتب ادامه داشته است. کمپین برای آزادی بازداشت شدگان هفت تپه و دستگیر شدگان اول مه و دستگیری های روز ۱۲ مرداد، هنوز ادامه دارد. تا کنون دهها تجمع بزرگ و کوچک در خود ایران، در کشورهای مختلف جهان علیه محاکمات کارگران و فعالین کارگری و حامیان طبقه کارگر و روزنامه نگاران نشریه گام، صورت گرفته است. این حقایق بیان سمپاتی وسیع طبقه کارگر و بشریت عدالتخواه به زندانیان هفت تپه و حامیان تحركات کارگری فولاد و هفت تپه است. همین حقیقت حاکمین را ترسانده و تلاش میکنند با کش دادن دادگاهی های فرمایشی و شرم آور، خانواده ها و حامیان زندانیان و مردم آزادیخواه را خسته و ساکت کنند.

بعد از هفت تپه نوبت فولاد است

دعوی حاکمیت با زندانیان هفت تپه و بازداشتی های اول مه، جدال سرمایه داران با یک طبقه است. پس زدن اعتراضات کارگری در ایران، خاموش کردن صدای عدالتخواهی طبقه کارگر از کانال تسلیم کردن سخنگویان و رهبران و فعالین اعتراضات آنها و حامیان و فعالین چپی صورت میگیرد که جسورانه از اعتراض این طبقه حمایت کرده اند. بعد از اسماعیل بخشی ها و علی نجاتی ها و سپیده قلیانها و سانازها، امیر حسین ها، عسل ها و ...، نوبت کارگران فولاد فرا میرسد. اخراج میثم مهدی ها و پرونده سازی برای بیش از پنجاه تن از کارگران فولاد و تعداد زیادی از کارگران هفت تپه که امروز ظاهرا آزاد و سرکاراند، تازه شروع کار است. تلاش برای شکست کل اعتراضات این دوره و فعالین آنها و به تسلیم کشاندن کامل آنها در مقابل کارفرمایان و دولتشان، و از این کانال تحمیل بردگی کامل و ساکت کردن طبقه کارگر در کل ایران، هدف حاکمیت است. امروز این عقب راندن و تسلیم کردن طبقه کارگر، از کانال محاکمه هفت تپه ای ها و حامیان آنها و فردا از کانال باز کردن پرونده کارگران فولاد و بدنبال خفه کردن صدای حق طلبی هر معلم عدالتخواه، دانشجو، پرستار و

شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۸ (سوم اوت ۲۰۱۹) اولین روز دادگاهی ۷ نفر از کارگران هفت تپه و حامیان اعتصابات کارگری در هفت تپه و فولاد بود. حول این "محاکمه" چه از جانب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و چه از جانب جمهوری اسلامی حساسیت زیادی به خرج داده شد. این اولین بار نبود که عده ای به جرم عدالتخواهی و به جرم دفاع از انسانیت در بیدادگاههای ایران در پشت درهای بسته و یک جانبه و دور از چشم جامعه محاکمه میشدند و احکام دلخواهی و سنگین علیه آنها از جانب مزدگیران و جیره خواران حکومت صادر میشد. این مورد هم برای حاکمین و هم برای طبقه کارگر و صف آزادیخواهی بسیار ویژه بود. این یکی امتداد دیمه و تحولات یک دوره تاریخی از حیات سیاسی جامعه ایران و امتداد یک کشمکش عدالتخواهانه محرومین جامعه با جمهوری اسلامی بود. کارگران هفت تپه و حامیان آنها، در یک دوره تاریخی بعد از دیمه و به جرم اعتراضات و اعتصابات کارگری در دو مرکز هفت تپه و فولاد و نتایج آن و تاثیران این دو تحرك کارگری بر جامعه و مخاطرات آن برای سرمایه داران و حکومتشان، محاکمه میشدند.

در تمام این مدت و از زمانی که اسماعیل بخشی شکنجه و زندانی شد، از زمانی که علی نجاتی را دستگیر و روانه زندان کردند، از زمانی که سپیده قلیان دستگیر به زندان فرستاده شد، از زمانی فعالین نشریه گام، امیر حسین محمدی، ساناز هیاری، عسل محمدی و امیر امیرقلی، به جرم پوشش خبری اعتصابات هفت تپه و فولاد دستگیر شدند، جامعه شاهد یک کشمکش آشکار برای آزادی آنها و همزمان تلاش بی شرمانه حاکمیت برای پرونده سازی جهت "مشروعیت" دادن به پرونده سازی ها و توجیه سیاست سرکوبگرانه خود علیه کارگران هفت تپه و فولاد بود .

برای حاکمیت ساکت کردن کارگران این دو مرکز، شکست اعتراضات آنها، مستاصل کردن کارگران و "تنبیه" سخنگویان و نمایندگان آنها در اولویت بود. اعتصابات کارگری در هفت تپه و فولاد، جدال آنان با سرمایه داران و نهادهای حکومتی، توطئه های مشترک کارفرمایان و حاکمیت علیه کارگران، نقش رسانه های قوه قضائیه و شورای اسلامی و خانه کارگر حکومت در این کشمکش و در کنار نیروی سرکوب و شکنجه گران و زندانبانان آنها، هنوز هم ورد زبان همه است. در مقابل این هجوم وحشیانه علیه کارگران این دو مرکز حمایت از آنان شرف انگیز بود. حمایتی که به مردم شریف اهواز و شوش محدود نشد. میلیونها کارگر و خانواده های کارگری، دانشجو و معلم و بازنشسته، زن و جوان آزادیخواه جامعه، چشم امید به پیروزی کارگران فولاد و هفت تپه بسته بودند و خود را در کنار کارگران این مراکز میدانستند. اسماعیل بخشی های هفت تپه و فولاد در قلب دهها میلیون انسان حتی فراتر از ایران جای گرفت .

صحنه اولین روز دادگاه مهر این اوضاع را بر خود داشت. اولین روز دادگاه که علاوه بر اعلام کیفرخواست هفت نفر، به بررسی "جرایم" اسماعیل بخشی و محاکمه او اختصاص داده شد، نه تنها اوج بیشرمی حاکمین که نهایت ترس و زبونی آنها را نشان داد. محاکمه مخفی و دور از چشم جامعه و تلاش برای راه ندادن وکیل اسماعیل بخشی به دادگاه، اوج رذالت و بزدلی حاکمین را به نمایش گذاشت. این پروسه ادامه دارد و مردم ایران در انتظار نتایج این کشمکش هستند. از این بی شرمانه تر حمله اوباش لباس شخصی ها به تجمع خانواده های زندانیان و دستگیری تعدادی از حامیان و همراهان آنها بود. در این روز تعدادی از حامیان خانواده ها و

بازنشسته و زن برابری طلب میگذرد. به این اعتبار این جدال و کشمکش و جنگ دو طبقه یکی برای تحمیل کامل بردگی و یکی در دفاع از هستی و حرمت و شخصیت و ابتدایی ترین امکانات زیستی و امنیت برای خود است.

زندانیان هفت تپه، دستگیر شدگان اول مه، زندانیان نشریه گام و کسانی که روز محاکمه زندانیان هفت تپه دستگیر شدند، همگی زندانیان طبقه کارگر و اسرای طبقه ما نزد حاکمین هستند و تلاش برای آزادی آنها و پس زدن تعرض حاکمیت از نان شب واجب تر است.

تعرض حاکمیت را باید پس زد

محاکمه کارگران هفت تپه و حامیان آنها، شروع یک تعرض همه جانبه است. امروز و با فضای جنگی در خلیج فارس و با تحرکات دولت ترامپ و گسترش میلیتاریسم در منطقه، با تحریم اقتصادی که به بهانه مقابله با جمهوری اسلامی به مردم ایران تحمیل کرده اند، شرایطی را برای حاکمین بر ایران فراهم کرده اند تا از این اوضاع به عنوان فرصتی علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه استفاده کند. فضای جنگی و خطر دشمن خارجی و "مبارزه با آمریکا و قلدری آن، به عنوان یک پرچم بلند شده است و زیر شاخ و شانه کشیدنها برای ترامپ و همراهان او، یک جنگ تمام عیار علیه طبقه کارگر ایران، علیه عدالتخواهی و برابری طلبی، علیه صف آزادیخواهی در ایران شروع شده است. عریده کشی های سپاه پاسداران و فرماندهان آنها، ارتش و مقامات آنها، قوه قضائیه و آخوندها و مراجع اسلامی آنها علیه زنان و تلاش برای زنده کردن قوانین ضد زن و فرهنگ و فضای اسلامی بر جامعه، در کنار فقر و گرسنگی و بیکاری و فلاکت، همراه با محاکمات هفت تپه ای ها و دستگیری ها وسیع و احکام سنگین زندان و وسیقه های سنگین و...، همگی گوشه ای از این تعرض به خود جامعه و در راس آن به طبقه کارگر است.

اما این تعرض را میتوان و باید پس زد. دوره عریده کشی اوباش حکومتی پایان یافته است. جامعه ایران را نمیتوان به دوره قتل عامهای گذشته و اعتراف گیری و اسید پاشی دهه شصت برگرداند. تعرض امروز حاکمین نه از سر قدرت بلکه در دوره ضعف و زبونی و برای دفاع از موجودیت و ماندگاری خود است. مردم آزادیخواه ایران، طبقه کارگر و نسل دختر و پسر جوان این طبقه، نمیپذیرد. جامعه جلو آمده است و امروز به یمن مبارزات این دوره و با اتکا به تجارب تا کنونی، این حاکمین هستند که قدم به قدم مجبور به کوتاه آمدن و عقب نشستن شده اند. نفرت عمومی از حاکمیت به اوج خود رسیده است و جنبش برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی مدتها است شروع شده است. این جنبش امروز بیش از هر زمانی شانس آنرا دارد که با اتکا به یک جنبش رادیکال کارگری پیش برود. این جنبش را باید سازمان داد! این جنبش را باید با کمونیسم طبقه کارگر، با رهبران و فعالین متحد آن، با شبکه ها و محافل متحد کارگری و با افق و سیاست کمونیستی، مجهز و آماده جنگ نهایی برای رهایی کرد. کمونیستها و طبقه کارگر در صف مقدم این تلاشند و حزب کمونیست (خطر رسمی) در کنار هزاران کمونیست و رهبر کارگری، در کنار هزاران زن و جوان کمونیست جامعه، این وظیفه تاریخی را در مقابل خود گذاشته است. تاریخ را ما با دستان خود و با دخالت هوشیارانه و نقشه مند خود میسازیم. باید تضمین کنیم صف و جنبش ما سازندگان آینده و رقم زدن تحولات این دوره است.

دو کیفر خواست!

اعتصابات کارگری، معلمان، بازنشستگان و اعتراضات دانشجویان و خیزش توده ای زحمتکشان در دوره اخیر، یک کیفرخواست علیه سرمایه داری و حاکمیتش در ایران بود. در این کیفرخواست، طبقه کارگر به سرمایه داران و حکومت شان اعلام کرده است که در یک تبتانی تبهکارانه، سفره مردم را خالی، امنیت و سلامت جامعه را بحد فلاکت و کشتار جمعی رساندید. ۶۰ درصد جمعیت ایران را زیر خط فقر نگه داشتید، کل داراییهای مملکت را قبضه کردید، فاسدید، دزدید، اختلاسگردید، احتکار می کنید، قاچاقچی موادمخدرید، شکنجه گردید، قاتلید، هر دو ساعت یک نفر را اعدام کردید، کودکان ما را به زباله گردی، فقرا را به گورخوابی سپردید. چوب حراج به کارخانه ها و نیروگاه ها و اموال و داراییهای جامعه زدید. شما صلاحیت اداره جامعه را ندارید ما خود آنرا اداره می کنیم. ما طبقه کارگر و مردم را به تشکیل شوراهای کارگری و مردمی فرا می خوانیم و بساط استعمار و استبدادتان را جمع می کنیم! این کیفرخواست طبقه کارگر ایران به طبقه حاکم و نظام اش است.

از طرف دیگر دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای رهبران کارگری و معلمان، فعالین سیاسی و مدنی...، برای کسانی که در صف مقدم مبارزه برای یک زندگی انسانی، مرفه، امن، برابر و آزاد ایستادند، یک کیفرخواست رنگ باخته، بی آبرو و آشنا برای مردم را در جیب و روی میز دارد. این کیفرخواست حکم ننگینی است که برای هر معترض به وضع موجود و حتی کارگری که فقط حقوق معوقه اش را می خواهد، صادر می شود. از قبیل: "اقدام علیه امنیت ملی"، "تبلیغ علیه نظام"، "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی"، "تجمع و تبتانی" "توهین به مقدسات و مقام رهبری" و بالاخره "همکاری با احزاب".

امروز باز بخشی از این کیفرخواست آبرو باخته دستگاه قضایی علیه اسماعیل بخشی، امیر میرقلی، ساناز الهیاری، امیرحسین محمدی فر، سپیده قلیان، عسل محمدی و علی نجاتی از نمایندگان کارگران هفت تپه و خبرنگار و نویسندگان نشریه گام، از جیب قضات جمهوری اسلامی در آمده و روی میز تعدادی از شریف ترین انسانهای جامعه ما قرار گرفته است.

اما این کیفرخواست به تنهایی علیه چند فعال کارگری و سیاسی نیست. بلکه علیه زندگی زیر فقر ۶۰ درصد مردم ایران است. مردمی که از خیزش دیماه و اعتصابات بزرگ کارگری، اذهان حکام سرمایه داری ایران را تشویش کرده اند، نظام شان را به چالش کشیده اند و امنیت تبهکاری و فساد و دزدیهایشان را بخطر انداخته اند.

سران جمهوری اسلامی بهتر از هر کسی میدانند که مبارزه طبقاتی و اعتصابات کارگری و خیز برداشتن کارگران و زحمتکشان به اتحاد و همبستگی و سازمان شورایی شان به چند رهبر کارگری و خبرنگار و روزنامه نگار چپ محدود نمی شود. میدانند علیرغم چهار دهه سرکوب وحشیانه، هر روز باد درو کرده و امروز در مقابل قد علم کردن طبقه کارگر و اعتراض معلمان و بازنشستگان و مبارزان سیاسی از همیشه مستاصل تر اند.

کارگران اجازه نخواهند داد دوستان و رهبرانشان در بند بمانند و کیفرخواست تکراری و آبروباخته دشمن را به استهزا می گیرند. دشمنی که حتی جرات رودرویی با یک کارگر را در یک مناظره برای پاسخ به شکنجه ها و سرکوبگریهایشان را ندارد.

آزادی کارگران و مبارزین سیاسی محبوب مردم سرلوحه مبارزات جاری جامعه است. ما باید در این جدال طبقاتی و در دفاع از آزادی و معیشت و رفاه و امنیت علیه دشمن زبون، پیروز شویم.

حزب کمونیست کارگری حکمیتست - خط رسمی

۲۴ خرداد ۹۸ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۹)

اسرای طبقه کارگر را آزاد

کنیم!

بنا به گزارش "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقیخواه"، در دهمین روز اعتصاب غذای ساناز الهیاری و امیرحسین محمدی فرد و در حالی که نگرانیها در رابطه با وضعیت سلامت آنان شدت گرفته، تلفن ها و تماس ساناز الهیاری برای بار دوم با خانواده قطع شد. درحالیکه در دو روز گذشته ساناز دوبار به بهداری اوین اعزام شده و علیرغم افت شدید فشار خون، وی از دریافت دارو و سرم امتناع ورزیده است.

دادگاه انقلاب تهران پیشتر کیفرخواست علیه متهمان اعتراضات هفت تپه را به آنان ابلاغ کرده بود. اتهامات دستگاه قضایی رژیم "عضویت در یکی از گروههای مخالف نظام"، "اجتماع و تبتانی"، "تبلیغ علیه نظام" و "نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی" ذکر شده است و دادگاه بدوی این عزیزان ۱۲مرداد برگزار خواهد شد.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی برای رهبران کارگری و معلمان، فعالین سیاسی و مدنی...، یک کیفرخواست رنگ باخته، سوخته، بی آبرو و آشنا برای همه مردم، در جیب و روی میز دارد. این کیفرخواست ورقه ننگینی است که برای هر معترض به وضع موجود و حتی کارگری که فقط حقوق معوقه اش را می خواهد، صادر می شود.

دستگاه سرکوب رژیم چهار دهه است مبارزات مردم را سرکوب می کند، اما هر روز طوفان درو کرده و امروز در مقابل قد علم کردن طبقه کارگر و اعتراض معلمان و بازنشستگان و مبارزان سیاسی مستاصل تر از همیشه کیفرخواست های سوخته را علم میکند.

طبقه کارگر مدتها است کیفرخواست خودرا علیه این نظام اعلام کرده است:

"شما حاکمان و مدافعان نظم سرمایه در یک تبتانی تبهکارانه، سفره مردم را خالی، امنیت و سلامت جامعه را به حد فلاکت و کشتار جمعی رساندید. اکثریت جمعیت ایران را زیر خط فقر نگه داشتید، کل داراییهای مملکت را قبضه کردید. فاسدید. دزدید. اختلاسگردید. احتکار می کنید. قاچاقچی موادمخدر هستید. شکنجه گردید. قاتلید، هر دو ساعت یک نفر را اعدام میکنید، کودکان ما را به زباله گردی، فقرا را به گورخوابی سپردید. چوب حراج به کارخانه ها و نیروگاه ها و اموال و داراییهای جامعه زدید. شما صلاحیت اداره جامعه را ندارید ما خود آنرا اداره می کنیم. ما طبقه کارگر و مردم را به تشکیل شوراهای کارگری و مردمی فرا می خوانیم و بساطتان را جمع می کنیم! این کیفرخواست طبقه کارگر ایران به کل طبقه حاکم و نظام سرمایه دارانه شان است."

کارگران، معلمان و همه انسانهای آزادیخواه در ایران نباید اجازه دهند اسرایشان بیش از این در بند بمانند. دستگاه قضایی سرکوب جمهوری اسلامی مسئولیت جان و سلامت زندانیان را برعهده دارد. دستگاه سرکوبی که جرات رودرویی با یک کارگر را ندارد، استیصال خود را با انتقامجویی و به خطر انداختن سلامت جان اسرای در بند، پاسخ می دهد.

آزادی کارگران و مبارزین سیاسی محبوب مردم سرلوحه مبارزات جاری جامعه است. ما باید در این جدال طبقاتی و در دفاع از آزادی و معیشت و رفاه و امنیت علیه دشمن زبون، پیروز شویم.

حزب کمونیست کارگری حکمیتست (خط رسمی)

۲۲ تیر ۹۸ (۱۳ ژوئن ۲۰۱۹)

ما فرهنگ مردم را عوض میکنیم. بجای این که شما بیایید نیمی از جامعه را قربانی نکنید.

میتوانید آن فرهنگ را قربانی نکنید. خیلی ساده است! ما مردم مترقی و پیشرو آن مملکت را بسیج میکنیم و سازمان میدهم.

ما مملکت را بسیج میکنیم و سازمان میدهم. ما

کنار هر مدرسه دخترانه یا هر مدرسه مختلطی که قرار است در آن مملکت وجود داشته باشد.

رادیکالهایی را میگذاریم که جلوی اوباش را بگیرند. ما قوانینی را میگذاریم و این قوانین

را با بودجههایی تضمین میکنیم که ضامن

شرکت زنان در فعالیت اجتماعی باشد. جلوی

تحریک علیه آنها را بگیرد. جلوی نیروهای

قشری و عقب مانده را بگیرد. ما کاری خواهیم

کرد که کسی که مزاحم امر رهایی زن و امر

برابری زن و مرد بشود، جامعه او را به چشم

خطاکار نگاه کند، درست مثل کسی که مزاحم

بهداشت مردم شده. کسی که مزاحم

خوشبختی آدمها بطور کلی شده. درست مثل

کسی که از اموال دولتی و اموال کشور

اختلاس کرده. درست مثل کسی که مانع

رساندن بیمار به دکتر شده... به همان چشم به

کسی نگاه کنند که مانع درس خواندن

دختری شده. مانع اشتغال زنی شده. یا مانع

این شده که زنی هر لباسی میخواهد بپوشد و

به سر کار برود. ما فرهنگ را عوض میکنیم.

بجای این که خودمان را عوض کنیم، یا

حقیقتی که به آن معتقدیم زیر پا بگذاریم،

آن فرهنگ را عوض میکنیم.

آن فرهنگ از کجا آمده؟ آن فرهنگ هم

تاریخا محصول طبقات حاکمه در آن کشور

است. فرهنگی است که بدرد سودآوری

سرمایه میخورده، فرهنگی که بدرد حاکمیت

همین لات و لوتایی که در ایران بر سر کارند

میخورده... ما حکومت را عوض میکنیم،

فرهنگ را هم عوض میکنیم. همه جای دنیا

همینطور است. شما نمیتوانید آزادی بیاورید

بدون اینکه به سنتهای عقب مانده هجوم

ببرید. ما این سنتها را عقب میزنیم، نیم

بیشتر مردم ایران، فکر میکنم اکثریت عظیمی

از مردم ایران در حرکت علیه فرهنگ عقب

مانده با ما خواهند بود. اگر هم بخشهایی

قشری و عقب مانده و متحجر پیدا بشود،

چاره‌ای ندارند، باید دندان روی جگر بگذارند.

بالاخره کسی باید دندان روی جگر بگذارد. یا

زن باید دندان روی جگر بگذارد و تحت ستم

بماند، یا آن حاج آقا باید دندان روی جگر

بگذارد. ما در این قضیه میگوییم حالا حاج آقا

لطفاً دندان روی جگر بگذارد...

منصور حکمت

قمار “بازنده ها” با زندگی زندانیان هفت تپه

دست به اعتصاب غذا زده است و وضعیت او در حال حاضر نیز همچنان نگران کننده است.

ساناز الهیاری، متولد ۱۳۶۶، فارغ التحصیل رشته اقتصاد، پیش از این نیز یک بار دیگر در اسفند ۱۳۸۷ به اتهام عضویت در گروه دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب (داب) بازداشت شد و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" به پنج سال حبس تعلیقی محکوم شد.

اتهام دستگیری دوم و پسا هفت تپه ساناز الهیاری و سایر دستگیر شدگان نشریه گام، "ارتباط با گروه‌ها و احزاب معاند"، "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" و "تشکل گروه به قصد بر هم زدن امنیت ملی" است.

چه کسی است که نداند که انتشار اخبار کارگری، حمایت از مبارزات کارگری، پخش و تکثیر روزنامه های چپی و کارگری در میان طبقه کارگر، رابطه و همفکری با فعالین کارگری بخصوص در ایران پساهفت تپه و فولاد، دستاورد طبقه کارگری است که یکی از وحشی ترین، جنایتکارترین و خشن ترین حکومت های معاصر را به بن بست و استیصال کشانده است.

پرونده سازی ها و دستگیری ها و "مستند سازی ها"ی مهوع، فشارها و به بازی گرفتن جان و سلامت زندانیان سیاسی، تلاش برای سازمان دادن و توطئه برای به قتل رساندن، سر به نیست کردن و خفه کردن صدای اعتراض خانواده های آنها و ... در شرایط امروز، جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب آنرا نجات نمی دهد. این تنها و تنها قمار حکومت "بازنده ها" است به امید بقا! میدانند که به خطر انداختن جان و سلامت زندانیان سیاسی، این عزیزترین و محبوب ترین فرزندان جامعه و طبقه کارگر، نجات شان نمی دهد. اما مگر در قمار، "بازنده ها" همه هستی و نیستی خود را به بازی نمی گیرند؟

طبق اخبار معتبر منتشر شده در داخل و خارج از کشور، وضعیت سلامت زندانی سیاسی ساناز الهیاری، از اعضا تحریریه نشریه گام ، بسیار نگران کننده است.

طبق این اخبار ساناز الهیاری، که به‌مراه همسر خود، امیرحسین محمدی فرد، روز ۱۹ دی ماه ۹۷ ، بیش از پنج ماه پیش، به جرم انعکاس اخبار اعتصابات هفت تپه و فولاد و حمایت از مبارزه کارگران، دستگیر شده بود، در شرایط بسیار سخت و خطرناک، از نظر جسمی و روحی، بسر میبرد.

کمپین حقوق بشر در ایران روز دوشنبه ۲۰ خرداد گزارش کرد که ساناز الهیاری به شدت بیمار است و درخواست‌های خانواده‌اش برای انتقال به بیمارستان به منظور معاینات تخصصی‌تر، تاکنون با مخالفت مسئولین زندان روبرو شده است و ادامه این وضعیت می‌تواند صدمات جانی و روحی جبران ناپذیری بدنبال داشته باشد. به نقل از پزشک زندان گفته شده است که وضعیت سلامتی ساناز الهیاری، علیرغم نیاز فوری به دارو و مداوای مناسب همچنان از طرف مقامات زندان و حکومت، با بی اعتنایی کامل مواجه میشود.

طبق آخرین اخبار رسیده، امروز ۲۶ خرداد، پدر ساناز الهیاری پس از ملاقات با دخترش در زندان اوین، دچار سانحه ساختگی توسط خودرو زندان شده و اکنون در بیمارستان بستری و در وضعیت سلامتی دشواری به سر میبرد.

در رابطه با پرونده زندانیان هفت تپه، بخصوص اعضا تحریریه نشریه گام، منابع موثق اعلام کرده اند که، امیرحسین محمدی فر، همسر ساناز، در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت خود و همسرش، و نگرانی از سلامت همسرش، دوبار

جز این قمار چه می توانند بکنند؟ دستگیری و شکنجه و قتل در زندان و اعدام و گرو گرفتن نان و هستی و معیشت رهبران اعتراضات کارگری و مردمی، تلاش در بستن فرجه نفس تازه کردن در رابطه رهبران کارگری با پایین و با محرومین، بیهوده و بی تاثیر است. تغییر توازن قوایی که به حکم مبارزات پرشور طبقه کارگر ایران که از هفت تپه و فولاد قد علم کرد به حاکمیت تحمیل شده است ، همه ابزار های سنتی اختناق و سرکوب را از کار انداخته است!

قربانی کردن جان و سلامت ساناز ها، سرمایه حکومت مستاصلی است که می‌تواند در منطقه قدرت نمایی میلیتاریستی و با عریده کشی ابراز وجود و قدرت کند، در همان حال اما در مقابل قلم و صدای حامیان جوان چپ طبقه کارگر، در مقابل روشنفکران و فعالین و سازماندهندگان مبارزات بر حق طبقه کارگر و مردم محروم، تماما فلج است !

بساط و میز این قمار را باید با آزادی بی قید و شرط و فوری ساناز و همه دستگیر شدگان مبارزات برحق کارگری و مردمی، برچید.

آزادی فوری و بی قید و شرط ساناز الهیاری و همه هم پرنده ای ها و زندانیان سیاسی، حداقلی است که امروز برای پیشروی در هر مبارزه ای، از نان شب واجب تر است.

| | |
|--|--|
| مرگ بر جمهوری اسلامی | |
| زندانی سیاسی آزاد باید گردد | |
| حزب کمونیست کارگری حکمتیست(خط رسمی) | |
| ۲۶ خرداد ۱۹۹۸ | |
| ۱۶ ژوین ۲۰۱۹ | |

ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت

از این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح

فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید.

(هرچند برخی محققین ملت و ملی گرایی چنین تعابیر سوپژکتیوی از این مقوله بدست

داده اند). این خصوصیت، ملیت و تعلق ملی را از کارآیی و برندگی سیاسی باورنکردنی

ای برخوردار میکند. طوقی است بر گردن توده های وسیع مردم که کسی منشاء آن را

نمیداند و نمیتواند جستجو کند و با اینحال وجود آن آنقدر طبیعی و بدیهی است که همه

آن را بخشی از پیکر و وجود خویش میپندارند. اما نسل ما این شانس را دارد که در

زمان حیات خود بطور روزمره شاهد خلق ملتهای جدید و بی اعتباری مقولات ملی قبلی

باشد و لذا میتواند هویت ملی را بعنوان یک محصول اقتصاد سیاسی لمس کند و چه بسا

نقد کند. ملیت یک قالب برای دسته بندی و آرایش دادن به انسانها در رابطه با تولید و

سازمان سیاسی جامعه است. ملت جمع افرادی با یک ملیت یکسان نیست، برعکس،

تعلق ملی فرد محصول نازل شدن هویت ملی جمعی بر اوست. این ملل نیستند که جدا و

یا ملحق میشوند، بلکه این الحاق ها و جدایی های تحمیلی به توده های انسانی است که

ملتها را شکل میدهد. ناسیونالیسم محصول سیاسی و ایدئولوژیک ملتها نیست،

برعکس، این ملتها هستند که محصول ناسیونالیسم اند .

منصور حکمت از نوشته ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری

در دفاع از خواست

امیر حسین محمدی فرد و

ساناز الهیاری

"آزادی همه بازداشت شدگان هفت تپه"!

طبق خبر منتشر شده توسط "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقیخواه"، امروز پنجشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۸ (۴ جولای ۲۰۱۹) زندانیان سیاسی امیرحسین محمدی فرد و ساناز الهیاری، از اعضا تحریریه نشریه گام ، در اعتراض به بازداشت، زندانی، بلاتکلیفی و پرونده سازی های جمهوری اسلامی علیه خود و همه بازداشت شدگان هفت تپه دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب غذایی که با توجه و ضعیف وخیم جسمی این دو زندانی سیاسی میتواند عواقب خطرناکی برای سلامتی آنان به همراه داشته باشد. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم سلامتی و زندگی این دو زندانی سیاسی است.

بیش از شش ماه از دستگیری امیرحسین محمدی فرد و ساناز الهیاری و ... ماه از دستگیری مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان میگذر. ماههای که برای این نمایندگان و مدافعین حقوق کارگران، برای خانواده آنان، برای کارگران هفت تپه و طبقه کارگر ایران، ماههای کشمکش و جدال بر سر یک زندگی انسانی، مرفه و آزاد علیه فقر و فلاکت و استبداد، علیه سرکوب و حاکمیتی سیاه، جانی و وحشی بود.

اتهاماتی چون "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور"، "اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام"، "تشکل گروه به قصد بر هم زدن امنیت ملی" و "ارتباط با گروه‌ها و احزاب معاند"، را زندانیان دیگری چون محمد حبیبی، علی نجاتی و ... را در پرونده های ساختگی خود دارند. اتهاماتی که در انتظار زندانیان دیگری چون مرضیه امیری، ندا ناجی، عاطفه رنگریز، انیسا اسدلهلی و صداهای فعال کارگری، فرهنگی، دانشجویی و ... است.

امنیتی کردن مبارزه برای احقاق حقوق انسانی و آزادی، پرونده سازی و "مستند سازی" علیه زندانیان سیاسی، شکنجه، به بازی گرفتن سلامت و زندگی زندانیان سیاسی، تلاش برای خفه کردن صدای اعتراض خانواده های انا، و آخرین تلاشهای رژیم است که در مقابل تعرض طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی به بن بست رسیده است.

دفاع از "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقیخواه"، دفاع و حمایت همه جانبه از مطالبات امیرحسین محمدی فرد و ساناز الهیاری، مبارزه متحدانه برای آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان هفت تپه، دستگرددگان روز جهانی کارگر و معلمین مبارز و همه زندانیان سیاسی، این عزیزترین و محبوب ترین فرزندان جامعه و طبقه کارگر، امروز در دستور هر جمع، تشکل و انسان آزادیخواه و اولین قدم در پیشروی مبارزه برای یک زندگی انسانی، آزاد، امن، مرفه و برابر است.

| | |
|--|--|
| مرگ بر جمهوری اسلامی | |
| زندانی سیاسی آزاد باید گردد | |
| حزب کمونیست کارگری حکمتیست(خط رسمی) | |
| ۱۳ تیر ۱۹۹۸ | |
| ۴ ژوئیه ۲۰۱۹ | |

از کمپین حمایت از زندانیان هفت تپه

تا اعتصاب غذای فعالین نشریه گام

مصاحبه رادیو نینا با خالد حاج محمدی

وریا نقشبندی: اخیرا کمپینی در حمایت از زندانیان هفت تپه راه افتاده که کانون توجه جریانات مختلف، فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی و نهاد های حقوق بشری قرار گرفته. حزب حکمتیست (خط رسمی) در این خصوص اعلامیه ای صادر و از کمپین حمایت کرده است که در سایت حز ب قابل دسترس است. این کمپین که در ایران راه افتاده است خواهان آزادی بی قید و شرط زندانیانی است که در رابطه با اعتراضات و اعتصابات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز در چند ماه گذشته دستگیر شده اند و در شرایط جسمی و روحی وخیمی قرار دارند. در این برنامه خالد حاج محمدی از رهبری حزب حکمتیست را به همراه داریم تا سوالاتی را در این زمینه با او در میان بگذاریم.

خالد حاج محمدی ضمن خوشامدگویی سوال اول را چنین مطرح میکنم که بنظر شما اهمیت این کمپین و تاثیرات آن بر فضای اعتراضی جاری در جامعه و خصوصا بر فضای اعتراضات کارگری، چگونه مبینید.

خالد حاج محمدی: ضمن تشکر از شما و سلام به شنوندگان رادیو نینا، همچنانکه در متن اطلاعیه اعلام "کمپین حمایت از بازداشت شدگان هفت تپه و زندانیان ترقی خواه" آمده است و شما هم اشاره کردید، این کمپین اهدافی را در مقابل خود قرار داده است. تاثیرات این کمپین بستگی دارد به میزان حمایتی که از آن میشود و میزان جلب توجه ای که این کمپین به خود میکند و میزان تحرکی که در دفاع از این کمپین و برای آزادی زندانیان هفت تپه و کنار گذاشتن فضای امنیتی که علیه کارگران هفت تپه و فولاد و حامیان آنها راه انداخته اند، دارد. در سالهای گذشته کمپین های زیادی علیه زندان و دستگیری فعالین کارگری، فعالین اعتراضات معلمان، زنان و دانشجویی و برای مطالبات انسانی راه افتاده است. موفقیت این کمپینها بستگی به میزان حمایتی است که از آنها خواهد شد. خود این کمپینها اقدامی مثبت و مهم در مقابل ستمگری و زندان و پرونده سازی برای فعالین کارگری، معلم و دانشجو و زن و جوان حق طلب و علیه کلا استثمار و بی حقوقی بوده اند.

خالد حاج محمدی: امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری هر دو نفر دست به اعتصاب غذا زده اند. باید دو پدیده را از هم تفکیک کرد، یکی خود اعتصاب غذا به عنوان یک شیوه مبارزه و دیگری مطالبات و خواست اعتصاب کننده و برخورد به آن. در مورد مطالبات این دو نفر قطعا بیشترین حمایت را باید از آنها که هیچ جرمی جز دفاع از کارگران هفت تپه و فولاد ندارند را با همه امکانات انجام داد. مطالبات آنها مطالبه هر زندانی سیاسی آزادیخواه، هر کارگر حق طلب و هزاران کسی است که از این کمپین حمایت میکنند. مطالبات امیر حسین و ساناز مطالبه هزارن انسان شرافتمند، فعال کارگری، معلم و زن و دانشجویی است که در سالهای سال به جرم اعتراض به فقر و استبداد و استثمار زندان رفته اند و علیه آنها پرونده های واهی تشکیل داده و زندانی شده اند. همچنانکه امروز کسانی مانند اسماعیل بخشی به جرم نمایندگی کارگران هفت تپه زندانی است، سبیده قلیان که جرمی جز دفاع از اعتراضات بر حق هفت تپه و فولاد ندارد و اعضا تحریریه نشریه گام که جرمی جز حمایت از کارگران هفت تپه و فولاد و انعکاس حق خواهی آنها ندارند. مطالبه آنها خواست کارگران و اکثریت بالایی از مردم آزادیخواه آن جامعه است. مسئولین و زندانبانان جمهوری اسلامی تلاش کرده اند برای این دو نفر و بقیه پرونده مهندسی کنند، آنها را به زور و با ادعای پوچ به احزاب اپوزیسیون سرنگونی طلب وصل کنند و شرایطی را مهندسی کنند که بتوانند برایشان احکام سنگین صادر کنند. ضمن اینکه نه تنها ارتباط بلکه و بعلاوه عضویت در هر حزب و سازمان و جریانی، ابتدایی ترین حق هر انسانی است. لذا باید با همه توان آنها را حمایت کرد و برای آزادی این دو نفر و بقیه زندانیان سیاسی تلاش کرد.

اما در مورد اعتصاب غذا به عنوان یک شیوه مبارزه ما بکرات گفته و تاکید کرده ایم که این شیوه راه مناسبی برای مبارزه نیست. شیوه ای که زندانی به هر دلیلی از جمله شرایطی که به او تحمیل میکنند، از سر ناچاری و در تنهایی به آن متوصل میشود و جان و هستی و سلامتی خود را

به خطر می اندازد و در مبارزه ای فردی، برای بیان اعتراض خود اعتصاب غذا میکند، ریسک میکند و از سلامتی خود مایه میگذارد. این شیوه راه مبارزه جمعی و اجتماعی و مثبتی نیست و آنرا شیوه درستی در مبارزه سیاسی حتی در زندان نمیدانیم. لطمه زدن به جان و جسم زندانی به عنوان ابزار مبارزه، انهم به شکل فردی، به مبارزه ما علیه حاکمین کمک نمیکند و مورد تائید ما نیست.

اینکه این شیوه مورد تائید ما نیست یک پدیده است، اما اینکه زندانی را در موقعیتی میگذارند و شرایطی را به او تحمیل میکنند که تک و تنها، زیر فشار امنیتی و پلیسی و زیر شکنجه های جسمی و روحی و روانی و در تک سلولها و... مجبور بشود تن به این کار بدهد، یک پدیده دیگر است. شرایطی را برای زندانی فراهم میکنند که از سر ناچاری و در تنهایی برای اعتراض بر حق خود و رساندن صدای خود به بیرون، علیه فضای امنیتی و پرونده سازی علیه خود و دیگران دست به چنین شیوه ای بزند. لذا در این مورد هم مسئول مستقیم حاکمیت و روسای آنها است. آنها مسئول مستقیم این وضع هستند و آنها مسئول هر اتفاقی اند که برای زندانی اعتصاب کرده بیفتد. آنها مسئول جان و سلامتی زندانیان هستند و هر بلای سر امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری بیاید که این سومین دور اعتصاب غذای آنها در ۶ ماه گذشته است، جمهوری اسلامی است. لذا و مستقل از نظر ما در مورد نفس اعتصاب غذا به عنوان یک شیوه مبارزه و اعتراض، دفاع از مطالبات امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری وظیفه هر جریان مسئول و هر انسان شرافتمند و آزادیخواهی است.

"جرمی" که اینها مرتک شده اند، چیزی جز حق خواهی کارگران نیست، چیزی جز اعتراض به بی حقوقی و فقر و استبداد، گرسنگی دادن به خانواده های کارگری، تحمیل استثمار و فلاکت و بردگی به طبقه کارگر نیست. آنها با چنین دلایلی و در اعتراض به این بی حقوقی های زندان رفته اند و زیر فشار قرار گرفته اند. اعتراض آنها اعتراض هر روزه طبقه کارگر برای بهبود و زندگی ای انسانی است. باید از آنها و از مطالبات شان صمیمانه و همه جانبه حمایت کرد. کسانی که امروز زنداند علاوه بر این دو نفر که در حال حاضر در اعتصاب غذا هستند، کسان دیگری که به جرم حق طلبی برایشان پرونده درست کرده اند، مانند اسماعیل بخشی، سبیده قلیان؛ امیر امیر قلی و کسان دیگر مانند علی نجاتی، محمد حبیبی از معلمین، زندانیانی چون مرضیه امیری، ندا ناجی، انیثا اسداللهی، عاطفه رنگریز، لیلա حسین زاده و ... که علیه شان پرونده ساخته اند، اینها همگی زندانیان ما هستند و باید همه جانبه برای آزادی آنها کوشید.

وریا نقشبندی: با این شرایطی که شما اشاره کردید و با اعتصاب غذایی که ساناز الهیاری و امیر حسین محمدی فرد شروع کرده اند و شرایطی که در آن قرار دارند و مخاطراتی که جان آنها را تهدید میکند، به نظر شما چه اقدامات عملی برای موفقیت این کمپین میتوان انجام داد.

خالد حاج محمدی: فکر نکنم برای هیچ انسانی در آن جامعه ناروشن باشد که طبقه کارگر و نمایندگان و فعالین او راهی جز مبارزه متحد برای مقابله با فقر و بی حقوقی و استثمار و استبدادی که به این طبقه تحمیل کرده اند ندارند. ما در گوشه و کنار آن جامعه روزانه شاهد اعتراض و اعتصابات کارگری علیه فقر و بیکاری، علیه گرانی، اخراج، بی حقوقی و علیه دستگیری و پرونده سازی برای فعالین و سخنگویان این طبقه، کسانی مانند اسماعیل بخشی هستیم. اعتراض علیه شرایط اسفباری که حاکمین به این طبقه تحمیل کرده اند و علیه دستگیری و فضای که در این دوره مشخص دامنه آن علیه این طبقه و فعالینش، علیه اعتراض معلم و دانشجو و زن و اقشار پایین جامعه، افزایش یافته و موجی از دستگیری و فشار امنیتی را دامن زده اند، نه تنها حق هر انسانی است که وظیفه هر جریان و جمع و انسان حق طلب و عدالتخواهی است. کارگران راهی برای دفاع از خود، جز اعتراض متحد ندارند و ابزار حاکمین برای مقابله علیه اعتراضات حق طلبانه ، زندان، تهدید ، شکنجه، ارباب وپرونده سازی، اخراج از کار و گرسنگی دادن خانواده

های کارگری ، تحت فشار گذاشت خانواده زندانی و افزایش فضای امنیتی و فشار اقتصادی است. اکنون آموزش و پرورش تصمیم دارد محمد حبیبی از چهرهای خوشنام و محبوب معلمیم که اکنون در زندان است را اخراج کند، فولاد اهواز میثم المهدی نماینده کارگران فولاد را از کار اخراج کرد. نان شب خانواده کارگری را گرو میگیرند و فعال و نماینده آنها را تهدید و زندان میکنند تا اعتراض کارگری را پس بزنند و فعالین و سخنگویان و نمایندگانش را ساکت و سربزیر کنند. فعال و رهبران کارگری را زندان میکنند تا این طبقه تنبیه شود و ساکت و سربزیر باشد. زندانی کرد این آدمها که اسامی تعدادی را اینجا اشاره کردیم، برای تنبیه یک طبقه و مدافعان آن است. میخاوهند هر کارگر و انسان عدالتخواه و شریفی و مبارزی بدانند، که اگر اعتراض کنند و علیه استثمار خود زبان بگشایند، زندان و اخراج از کار و شکنجه و پرونده سازی در انتظار آنها است. لذا اینها زندانیان ما هستند و باید حمایتشان کرد. اشکال آنرا میتوان در محل پیدا کرد. بخشا شکل و ابعاد مبارزه را شرایط و آمادگی نیروی ما در محل و توازن قوا تعیین میکند و فعال محلی میتواند اشکال مناسب خودش را پیدا کند. اما به هر شکل و شیوه ای که مناسب میدانند باید دست بکار شد و بطور عملی اقداماتی موثر و ممکن را در دستور بگذارند. نباید اجازه داد حاکمیت در هر اعتراض کارگری، در هر تحرک حق طلبانه، نماینده و سخنگوی کارگری و تحرک اعتراضی را دستگیر و زندان کند و تنبیه کند، نان خانواده او را قطع کند و حامیان اعتراض کارگری را زندان و شکنجه کند.

اشکال مختلفی را میتوان در حمایت از آنها پیش برد. باید مسئله تلاش برای آزادی آنها را به هر جمع کارگری، به میان معلمین و به مراکز تحصیلی، به همه مردم محلات و هر جا جمعی از مردم حق طلب و آزادیخواه جمع میشوند و... برد و از آنها خواست به این تلاش انسانی ببیوندند. با تجمعات کارگری در محل کار، با تشکیل مجمع کارگری و بحث و تبادل نظر و اقدام جمعی، با اعتصابات اخطاری، نامه جمعی و اعتراضی نوشتن، حمایت از خانواده زندانی و تنها نگذاشتن آنها، شراکت در تجمعات خانواده ها، ایجاد فضای میدیایی، اعتراض تشکلات موجود کارگری با هم، نوشتن نامه به اتحادیه های کارگری و نهادهای بین المللی و افزایش فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان هفت تپه و معلمین و کلا زندانیان سیاسی و حمایت همه جانبه از آنها، و بکار بردن انواع ابتکارات و اشکالی که در محل میتوان تعین کرد و بکار برد. مسئله ایجاد فضایی همبسته و متحد علیه موج دستگیری و پرونده سازی برای فعالین کارگری و نماینده و سخنگوی اعتراضات حق طلبانه در آن جامعه از مراکز کار تا محلات و مراکز تحصیلی و آموزشی و... است. باید کاری کرد که حاکمین به راحتی نتوانند عزیزان ما را دستگیر و در کنج زندان نگهدارند و بدانند که برایشان هزینه سنگین دارد. باید سدی در مقابل تعرض بورژوازی و دولت نماینده اش به اعتراض کارگری و به هر اعتراض حق طلبانه بست و امروز که مسئله کارگران هفت تپه و حامیان آنها در جریان است، باید زنجیره ای انسانی و همبسته در دفاع از آنها و حامیانشان شکل داد و آنها را از چنگال حاکمین بیرون کشید.

باید در هر اعتراض و مبارزه ای توجه داشت که تاکتیک حاکمیت برای شکست ما از مراکز کارگری تا اعتراض مردم در محلات برای بهبود و رفاه تا اعتراض معلمین، دانشجویان، اعتراض زنان برای حقوق برابر و...، تهدید و ارباب و دستگیری و زندان رهبر و فعال این اعتراضات است. باید در هر مبارزه ای روی این جنبه از کار خود برنامه گذاشت و دفاع از زندانی و مقابله با این تاکتیک حاکمیت را به عنوان بخشی از نقشه کار خود در دستور داشت و برای آن راه و چاه تعیین کرد. مهم است عزیزان و رفقای ما در زندان بدانند که جامعه حامی آنها است و این حامی بودن را بطور عملی و با فشاری محسوس به حاکمین نشان داد و به آنها حالی کرد که جامعه در مقابل زورگویی و قلدری آنها سکوت نمیکند. باید قلدری و افسار گسیختگی آنها را افسار کرد. اکنون مراکز کارگری از نفت و فولاد و پتروشیمی ها تا معادن و ماشین سازیها به مراکز پلیسی و خبر چینی و امنیتی تبدیل شده است. فضا را برای مقابله با اعتراضات کارگری و ساکت کردن و به تسلیم کشاندان کارگران در مقابل

از کمپین حمایت از ...

سرمایه داران مفتخور، امنیتی و پلیسی کرده اند.

فعالین کمونیست در این میدان وظیفه جدی بر عهده دارند، جمع کردن مردم، قانع کردن آنها، بسیج نیرو و اتصال آنها به عنوان یک شبکه وسیع و سراسری در مقابل تعرض حاکمین، ایجاد صفی متحد و همه جانبه از طبقه کارگر و اقشار استثمار شده، قیل از هر کس کار این رفقا است و بر دوش آنها است.

وریا نقشبندی: خالد حاج محمدی بگذار به اوضاع کنونی و فضای جنگی و تأثیرات آن در این دوره و یا رابطه آن با دستگیری و تلاش حاکمیت برای استفاده از فضای جنگی علیه طبقه کارگر بپردازیم. کلا فشارهای امریکا و تبلیغات جنگی آنها و جمهوری اسلامی و فضای ملیتاریستی در منطقه چه تأثیر داشته و چه رابطه ای میان این اوضاع و پدیده زندان و دستگیری و ارباب موجود است؟

خالد حاج محمدی: در مورد فضای جنگی، قلدری نظامی امریکا و گسیل نیرو به منطقه و دلایل و چرایی این مسئله، توجیحات دولت ترامپ برای این قلدری و بهانه کردن ایران، حزب ما به کرات اعلام موضع کرده و تلاش کرده است جامعه را متوجه حقایق پشت این ادعاها و دلایل این وضع بکند. لذا از این جنبه قضیه اینجا صرفنظر میکنم و وارد آن نمیشود. اما یک چیز مسلم است که هم تحریم اقتصادی و هم شاخ و شانه کشیدن دولت ترامپ و فضای ملیتاریستی در منطقه، دودش به چشم طبقه کارگر رفته است. آنها با این اقدامات علاوه بر فقر و گرانی و گرسنگی که با تحریم های اقتصادی به مردم ایران تحمیل کرده اند و جنگی جنایتکارانه علیه این مردم اعلام کرده اند،

اسلحه ای برا و کارآمد نیز در دست جمهوری اسلامی علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران گذاشته اند. آنها ابری سیاه و ترسناک را بر آسمان کل منطقه کشیده اند و فضایی مملو از ترس و نگرانی را همراه فقر و گرانی به مردم ایران و کل منطقه تحمیل کرده اند. بهانه جمهوری اسلامی است اما عوارض این وضع را طبقه کارگر ایران با فقر و گرسنگی و فضای نظامی و امنیتی میپردازد.

مستقل از اهداف آمریکا و اینکه این اوضاع به کجا کشیده میشود، جمهوری اسلامی تلاش میکند به بهانه خطر حمله خارجی، جنگ با امریکا و تخاصمات با آنها و تحریم اقتصادی ایران از جانب دولت ترامپ، فضای اعتراضی جامعه علیه خود را پس بزند و از این اوضاع به بهترین وجه برای افزایش اختناق در جامعه و بهبود شرایط خود در مقابل مردم ایران و در راس آن طبقه کارگر استفاده کند. استفاده از فضای جنگی برای تغییر توازن قوا میان حاکمین و مردم معترض یک هدف روشن جمهوری اسلامی است.

توجه داشته باشید که در دوسال گذشته فضای اعتراضی علیه جمهوری اسلامی به شدت بالا رفت. کارگران و اقشار پایین جامعه کل حاکمیت را با همه جناحهای آن مستقیم به چالش کشیدند. بحث سرنگونی جمهوری اسلامی توسط پایین جامعه روی میز جامعه رفت. همه خط قرمزهای نظام از اعتراضات دیماه به بعد زیر پای معترضین لگد مال شد. فضای عمومی جامعه علیه حاکمیت به شدت تغییر کرد و توازن قوا بدرجه ای به نفع طبقه کارگر و مردم آزادیخواه عوض شد. این وضع با اعتراضات کارگری و خصوصا اعتصابات هفت تپه و فولاد، یک حق طلبی کارگری و اعتراض به استثمار و سرمایه داری و حاکمیت آنها را بر فضای جامعه حک کرد. این اوضاع یک نگرانی و تهدید جدی علیه

طبقه سرمایه دار ایران بود. پرچم یک حق طلبی کارگری در فضای سیاسی جامعه ایران نمایان شد و مستقل از هر ارزیابی نسبت به آن، این پرچم در جامعه بازتاب وسیعی داشت و یک حمایت نسبتاً وسیع را در میان دهها میلیون کارگر و مردم ستمدیده به خود جلب کرد و حاکمان و طبقه سرمایه دار را نگران کردو امید و خوشبینی را در میان کارگران و کلا محکومین در مقابل حاکمین افزایش داد.

نگرانی از اینکه فضای اعتراض و حق طلبی کارگری ادامه پیدا کند، اتحاد و همدلی در میان این طبقه افزایش یابد، کمونیسم و عدالتخواهی کارگری فضای جامعه را رقم بزند و در آینده تحولات این جامعه، کمونیستها به عنوان نمایندگان راستین طبقه کارگر در هر اعتراض کارگری و در کل جامعه پرچمدار این تحولات شوند، یک نگرانی بسیار جدی برای طبقه سرمایه دارد و دولت شان شد. به این اعتبار نگرانی از اینکه تحولات آتی جامعه را کمونیست های طبقه کارگر رقم بزنند و سرنگونی جمهوری اسلامی رنگ سوسیالیسم کارگری را بر خود داشته باشد و در این پروسه کمونیستها پرچمدار شوند و مهر خود را بر این تحولات و این پروسه بزنند که یکی از احتمالات است، به کابوسی برای حاکمین و کل ارتجاع تبدیل شد. جمهوری اسلامی با علم به این حقایق و با آگاهی کامل بر این مخاطرات، تلاش میکند از فضای نظامی و تحریم اقتصادی، از قلدری آمریکا و ملیتاریسم او و به بهانه آن، موقعیت خود را در مقابل طبقه کارگر و مردم آزادیخواه بهبود بخشد و توازن قوا را به نفع خود عوض کند، فضای اعتراضی را عقب براند.

اکنون مدت بسیار کوتاهی از سیل و عوارض آن گذشته است. دهها میلیون انسان آسیب دیده از سیل، بی خانمان، شهرهای ویران شده و خانه و مزارع نابود شده، مدارس و درمانگاه و... از بین

رفته به جای خود باقی است و حاکمیت عملا کاری جدی نکرد. فضای ملیتاریستی و جنگی عملا اینها را به حاشیه راند و کسی از سیل زدگان و مشکلات و عوارض سنگین سیل بر شانه های آنها صحبت نمیکند. حاکمیت آگاهانه از این اوضاع برای نجات خود و سلب مسئولیت از خود استفاده کرد. جمهوری اسلامی تلاش میکند اعتراض کارگری و چلنج خود توسط طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به بهانه خطر جنگ و وجود تحریم اقتصادی و فضای جنگی، حاشیه ای کند.

لذا و به این اعتبار مقابله با قلدری نظامی و ژاندارمی دولت ترامپ و افسار گسیختگی آن و همزمان مقابله با سو استفاده جمهوری اسلامی از این اوضاع و علیه مردم ایران و سد کردن تعرض او به جامعه و به جنبش آزادیخواهانه و فضای امنیت ای که ایجاد کرده است یک امر جدی است. باید توجه داشت دفاع از کمپین حمایتی از زندانیان هفت تپه و تلاش برای آزادی آنها و بقیه زندانیان از معلمین تا دانشجویان و... در این اوضاع صد چندان جدی است. باید در مقابل تعرضی که حاکمیت به بهانه فضای جنگی و تخاصمات با آمریکا علیه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در دستور دارد، سد بست و آنرا خنثی کرد. لذا دفاع از مطالبات امیر حسین محمدی فرد و ساناز الهیاری، حمایت از کمپینی که در دفاع از زندانیان هفت تپه راه افتاده است، در بتن چنین شرایطی معنی دیگر دارد و جایگاه ویژه تر دارد و به این اعتبار از اهمیت والایی برخوردار است.

۶ ژوئیه ۲۰۱۹

تبعید و احضار و دادگاه!

درحالیکه #اسماعیل بخشی این روزها در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران زیر نظر قاضی مقیسه، محاکمه می‌شود، ۱۷ نفر از کارگران، همراهان و همسنگران اسماعیل در روزهای اعتصاب در هفت‌تپه نیز در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری شهرستان شوش زیر ضرب قرار گرفته و یکی یکی محاکمه می‌شوند. تاکنون ۷ کارگر هفت‌تپه محاکمه و به تحمل ۸ ماه حبس تعلیقی و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شدند و ۱۰ نفر از کارگران نیز فردا (۲۳ مرداد ماه) محاکمه می‌شوند و یک نفر دیگر نیز اخیراً احضار شده است.

کافی است در این روزها چند ساعتی را در دادگستری شوش بگذرانید تا متوجه شوید چه

روزگار این روزهای هفت‌تپه از زبان کارگران:

تعداد کارگر هفت‌تپه به آن مراجعه می‌کنند.

یک کارگر تنها به دلیل پیامی که در یگ گروه تلگرامی انتشار داده بود به اتهام نشر اکاذیب در فضای مجازی احضار شده است. این روزها کارگران هفت‌تپه با اتهاماتی چون انتشار پیام در فضای مجازی نیز زیر ضرب قرار می‌گیرند. جالب اینجاست که چند ماه پیش یک کارگر که در گروه تلگرامی نوشته بود «اسدببگی دروغ‌گو!» نیز احضار شده بود.

چندی پیش بود که کارفرما چند نفر از کارگران هفت‌تپه را برای کار به مزارع انتقال داد. ما در

#کارگران_هفت‌تپه

#اسماعیل_بخشی

#سپیده_قلیان

#کارگران_هفت‌تپه_تحت_فشارند

#کارگر_زندانی_آزاد_باید_گردد

منبع؛

-کمپین حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تپه

گزارش کامل را در لینک بخوانید:
https://telegra.ph/روزگار-این-روزهای-هفت‌تپه-از-زبان-کارگران-13-08

اگر طبقه کارگر بعنوان یک طبقه مستقل و مسلح به

ایدئولوژی طبقاتی خویش پا به میدان مبارزه نگذارد، تسلط

ایدئولوژیک بورژوازی لیبرال بر نیروهای انقلابی، و حتی خود

طبقه کارگر، احتراز ناپذیر خواهد بود.



نشریه ماهانه کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست (خط رسمی) است

مسئولیت مقالات کمونیست

با نویسندگان آن است

سردبیر: خالد حاج محمدی

khaled.hajim@gmail.com

دستیار سردبیر: هساره ابراهیمی

sepideazhand@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دفتر کردستان: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

تماس با واحدهای تشکیلات خارج

انگلستان: بختیار پیرخضری: تلفن ۰۰۴۴۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

pirkhezri.bakh@gmail.com

استکهلم: رعنا کریم زاده: تلفن ۰۰۴۶۷۳۹۲۸۶۸۴۲

rana.karimzadeh@ymail.com

یوتیبری: سیوان رضائی: تلفن ۰۰۴۶۷۳۹۲۴۱۳۸۳

syvan_rezaei@yahoo.com

آلمان: محمد راستی: تلفن ۰۰۴۹۱۷۶۴۷۶۰۶۴۵۴

mohammedraasti@yahoo.com

دانمارک: ابراهیم هوشنگی

ebi_hoshangi@hotmail.com

نروژ: آزاد کریمی: تلفن ۰۰۴۷۴۰۱۹۱۰۴۲

azadkarimi@yahoo.com

بلژیک: پیمان حسینی: تلفن ۰۰۳۲۴۸۵۱۲۲۶۰۷

parham.poya@gmail.com

سوئیس: پرشنگ کنعانیان: تلفن ۰۰۴۱۷۹۲۰۷۲۸۹۵

sunshayn2@gmail.com

تورنتو: سهند حسین زاده

sahand.hosseinzadeh@gmail.com

ونکوور: دلشاد امین: تلفن ۰۰۱۹۰۴۷۰۰۸۵۲۲

shashasur1917@gmail.com

آمریکا: اسد کوشا

akosha2000@gmail.com

حکمتیست هفتگی نشریه رسمی حزب،

دوشنبه ها منتشر می شود (حکمتیست را بخوانید)

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

گزارش تجمع اعتراضی لندن برای آزادی کارگران و زندانیان سیاسی

روز شنبه هشتم ماه ژوئن به فراخوان کمپین برای دفاع از زندانیان سیاسی، دو تجمع و راهپیمایی در اعتراض به تداوم بازداشت اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، اعضای نشریه گام (امیر حسین محمدی فرد، ساناز اللهیاری، امیر امیر قلی)، فعالین کارگری تجمع روز جهانی کارگر در ایران و سایر زندانیان سیاسی در لندن برگزار گردید.

تجمع اول مقابل بانک ملی دومین تجمع هم مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد. معترضین پس از یک ساعت تجمع در مقابل بانک ملی به طرف کنسولگری جمهوری اسلامی دست به راهپیمایی زده و با شعارهای خود علیه سرکوب کارگران و خواست آزادی کارگران زندانی توجه مردم و عابریین را به خود جلب کردند. شرکت کنندگان در مسیر راهپیمایی با علاقمندان در مورد اوضاع ایران، وضعیت طبقه کارگر در ایران و اعتراضات کارگری و دستگیری های وسیع گفتگو میکردند.

در این تجمع ضمن اعتراض به ادامه بازداشت های فعالین هفت تپه و شرکت کنندگان در روز جهانی کارگر، معترضان خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی و همچنین فعالین عرضه های زنان، معلمان، دانشجویان، کودکان، محیط زیست و سایر زندانیان سیاسی شدند.

تعدادی از شرکت کنندگان در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی در قبال کارگران و زندانیان سیاسی، کنسولگری را مورد حمله قرار دادند.

نمایندگان حزب آزادی کارگران بریتانیا از این تجمعات حمایت کردند.

در پایان، تجمع کنندگان ضمن ابراز نگرانی نسبت به وضعیت کارگران و فعالین بازداشتی هفت تپه و نشریه گام و همچنین سایر کارگران و زندانیان سیاسی اعلام کردند که تجمعات اعتراضی و ملاقات با اتحادیه های کارگری، جلب حمایت های بیشتر از مبارزه کارگران و مردم محروم و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی را ادامه خواهند داد.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) در ادامه تلاشهای خود برای رساندن صدای اعتراض طبقه کارگر و مردم محروم به گوش مردم، فعالانه در این تجمع و راهپیمایی شرکت داشت.

تشکیلات لندن حزب ضمن قدردانی از همه شرکت کنندگان در این تجمع همه ایرانیان آزادیخواه را به حضور فعال در این اعتراضات، در جلب حمایت از مبارزه مردم در ایران برای آزادی و رفاه، فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکند.

تشکیلات لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

۸ ژوئن ۲۰۱۹

زنده باد سوسیالیسم